

بخش اول: ادبیات

فصل اول:

دستور زبان

به طور کلی می توان «واژه» را به ۴ بخش تقسیم بندی کرد:

۱. اسم ۲. صفت ۳. حرف ۴. فعل

۱. اسم: واژه‌ای که برای نامیدن چیزی یا کسی به کار می‌رود. مانند: "مریم، کوه، مدرسه و..."

نکته: به اسم‌ها نمی‌توانیم «تر» یا «ترین» اضافه کنیم.

۲. صفت: واژه‌ای است که ویژگی یا خصوصیت اسمی را بیان می‌کند. مانند بزرگ، محکم و...

نکته: به صفت‌ها می‌توانیم «تر» یا «ترین» اضافه کنیم. (بزرگ‌تر، محکم‌تر و...)

۳. حرف: این قسم از کلمه، به تنهایی معنای مستقل و مشخصی ندارند و خود انواع مختلفی دارند؛ از جمله: حرف مفعول (را)، حروف اضافه (از، به، در، با، برای...) حروف ربط (که، و، اما، ولی، چون و...) حرف عطف (و).

۴. فعل: مهم‌ترین جزء هر جمله فعل نام دارد که خود به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) فعل ربطی یا اسنادی مثل: "است، بود، شد، گشت و گردید" و مشتقات (هم‌خانواده‌های) آن‌ها مثل: هستم، بودی، گشتم و...

ب) فعل تام: افعالی که انجام دادن کاری را بیان می‌کنند. مانند رفتم، گفتی، می‌نویسند و...

نکته: فعل «گشت» گاهی فعل اسنادی و گاهی فعل تام به‌شمار می‌رود. اگر در معنای «شد» به کار رفته باشد، فعل اسنادی و اگر در معنای «دور زد» و «چرخ زد» باشد، فعل تام محسوب می‌شود.

مثال:

گشتم مقیم بزم او (مقیم بزم او شدم) ← فعل اسنادی یا ربطی
خیابان را گشتم (دور زدم، چرخیدم) ← فعل تام

ترکیب و انواع آن

تعریف ترکیب: عبارتی که از ترکیب دو یا چند اسم یا صفت تشکیل شده باشد.

انواع ترکیب: ترکیب وصفی، ترکیب اضافی و ترکیب عطفی می‌باشد.

۱. ترکیب وصفی: از الگوی «اسم + _ + صفت» ساخته می‌شود. مانند: "شهر بزرگ" یا "مرد شجاع"

نکته: گاهی ترکیب وصفی، مقلوب می‌شود (جابه‌جا می‌شود و جای موصوف و صفت، عوض می‌شود).

مانند: مرد جوان ← جوانمرد، یا رگ سرخ ← سرخ‌رگ

نکته: رنگ‌ها، همیشه «صفت» هستند: سرخ، سیاه، سبز و...

۲. ترکیب اضافی: این ترکیب، طبق دو الگو ساخته می‌شود.

الف) اسم + _ + اسم (اسم اول: مضاف؛ اسم دوم: مضاف‌الیه)

مانند: درخت گیلاس، میدان شهر.

ب) اسم + _ + ضمیر (پیوسته یا جدا)

مانند: دوست من، کتابتان (کتاب شما)

۳. ترکیب عطفی: این ترکیب شامل دو اسم است که میان آن‌ها، حرف عطف «و» قرار گرفته است.

مانند: کت و شلوار، بلوز و دامن، ماست و خیار و...

نکته: راه‌های تشخیص ترکیب وصفی و اضافی:

الف) به ابتدای ترکیب «این» اضافه می‌کنیم، کسره (-) را از میان

ترکیب، حذف می‌کنیم و سپس فعل «است» یا «هستند» را

به انتهای ترکیب اضافه می‌کنیم. اگر معنی داد، ترکیب وصفی

است، در غیر این صورت ترکیب اضافی است.

مثال:

درخت بلند ← (این) درخت، بلند (است) ← وصفی

درخت آلبالو ← (این) درخت، آلبالو (است) ← اضافی

ب) به واژه دوم ترکیب، «تر» اضافه می‌کنیم. اگر معنی داد،

وصفی و اگر نداد، اضافی است (بدون حذف کسره).

مثال:

دیوار بلند ← دیوار بلند (تر) ← وصفی

دیوار مدرسه ← دیوار مدرسه (تر) ← اضافی

(ج) بین دو واژه‌ی ترکیب، قید «بسیار» یا «خیلی» اضافه می‌کنیم. اگر معنی داد، وصفی و اگر معنی نداد اضافی است.

مثال:

سرود شورانگیز ← سرود (بسیار) شورانگیز ← وصفی

سرود ایران ← سرود (بسیار) ایران ← اضافی

اجزای جمله

هر جمله از دو بخش «نهاد» و «گزاره» تشکیل می‌شود.

۱. نهاد

کلمه یا گروهی از کلمات است که درباره‌ی آن خبری می‌دهیم. راه تشخیص نهاد: فعل جمله را مشخص کرده، سپس از فعل سوال می‌کنیم: «چه کسی؟ یا چه چیزی؟» پاسخ پرسش نهاد است.

مثال:

بادِ سرد آرام بر صحرا گذشت.

فعل: گذشت (چه چیزی گذشت؟)

پاسخ: بادِ سرد ← نهاد

انواع نهاد

نهاد فاعلی و نهاد غیرفاعلی

الف) نهاد فاعلی: همان گونه که از عنوان این گونه «نهاد» پیداست، این نهاد باید انجام‌دهنده‌ی کاری باشد.

مثال: کرد دهقان دانه‌ها در زیر خاک.

«نهاد» در این مصراع، «دهقان» است که کاری را انجام داده است (دانه‌ها را در زیر خاک کرده است)؛ پس در این مصراع، «دهقان» نهاد فاعلی است.

ب) نهاد غیرفاعلی: نهادی است که کاری را انجام نمی‌دهد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت، فعل این گونه نهاد از نوع فعل‌های اسنادی یا ربطی است.

مثال: دور از تو نیست اندیشه‌ام.

«نهاد» در این مصراع «اندیشه‌ام» است که از نوع غیرفاعلی به‌شمار می‌رود.

کج نکته: گاهی نهاد جمله، محذوف است؛ در صورتی که ضمیر باشد.

مثال: در خیابان می‌دوید.

فعل می‌دوید "چه کسی می‌دوید؟" پاسخ: او (نهاد محذوف)

۲. گزاره

تمام یک جمله، به جز نهاد، «گزاره» محسوب می‌شود.

مثال: سبزه‌زاران رفته‌رفته زرد گشت.

سبزه‌زاران، نهاد

رفته‌رفته زرد گشت: گزاره

اجزای گزاره

الف) فعل: مهم‌ترین جزء گزاره «فعل» نام دارد که پیش‌تر درباره آن توضیح داده شد و انواع آن ذکر گردید.

کج نکته: گاهی فعل جمله محذوف است.

مثال:

هوایش موافق به هر آدمی زمینش سراسر به هر خرمنی

در هر دو مصراع فعل «است» محذوف است.

ب) مفعول: یکی دیگر از اجزای گزاره «مفعول» نام دارد که معمولاً با نشانه‌ی «را» شناخته می‌شود؛ اما گاهی نشانه‌ی مفعول از جمله حذف می‌شود.

راه تشخیص مفعول: از فعل جمله سوال می‌کنیم: "چه کسی را؟" یا "چه چیزی را؟"

مثال: او را در مدرسه دیدم.

فعل: دیدم (چه کسی را دیدم؟) پاسخ: او را ← مفعول

مثال: به دوستم یک هدیه‌ی زیبا دادم.

فعل: دادم (چه چیزی را دادم؟) پاسخ: یک هدیه‌ی زیبا (را) ← مفعول

در این مثال، حرف مفعول «را» محذوف است. (ج) متمم: کلمه یا گروهی از کلمات است که بعد از حرف اضافه قرار می‌گیرند، حروف اضافه عبارتند از: از، به، در، با، برای،

و....

مثال: همه از خاک پاک ایرانیم.

از: حرف اضافه

(دیشب: مفعول)

مثال: دانش آموزان خندان بودند.

(خندان: مسند)

دانش آموزان خندان به خانه رفتند.

(خندان: قید حالت)

کج نکته: گاهی در یک جمله، فعل اسنادی به چشم نمی خورد؛ اما در جمله، نقش مسند وجود دارد.

مثال: مردم شهر او را قهرمان می دانند.

مردم شهر: نهاد او: مفعول

قهرمان: مسند می دانند: فعل

واژه ی قهرمان را می توان این گونه به مسند تعبیر کرد: «او قهرمان بود».

با توجه به این که فعل «بود» در جمله وجود دارد، پس می توان «قهرمان» را مسند دانست.

به عبارتی دیگر، باید این گونه جملات را با فعل اسنادی، بازنویسی کرد.

انواع جمله

جمله ها از لحاظ دارا بودن فعل اسنادی یا تام دو نوع هستند:

۱. جمله ی اسمیه

۲. جمله ی فعلیه

جمله ی اسمیه: جمله ای است که فعل آن، از افعال اسنادی یا ربطی باشد.

مثال: مثل سربازان عاشق، قهرمان قصه های،

قهرمان قصه ها (هستی) ← جمله ی اسمیه

جمله ی فعلیه: جمله ای است که فعل آن از افعال تام باشد.

مثال: با من راه نشین، باده ی مستانه زدند،

فعل: زدند: فعل تام ← جمله ی فعلیه

انواع فعل

فعل ها از لحاظ پذیرفتن مفعول: لازم (ناگذر)، متعدی (گذرا به مفعول)

فعل لازم: فعلی است که به مفعول نیاز ندارد.

مثال: پرنده، از روی شاخه پرید.

(فعل پرید به مفعول نیاز ندارد؛ پس لازم یا ناگذر است)

خاک پاک ایران: متمم

د مسند: کلمه یا گروهی از کلمات است که معمولاً قبل از افعال اسنادی (ربطی) قرار می گیرند.

مثال: خاک ضعیف از تو توانا شده.

شده: فعل اسنادی

توانا: مسند

کج نکته: گاهی فعل های اسنادی «هستم، هستی، و...» به صورت کوتاه شده به کار می روند. (م، ی و...)

مثال: ما که اطفال این دبستانیم.

«یم» در «دبستانیم» صورت کوتاه شده ی فعل «هستیم» و «اطفال این دبستان» مسند به شمار می رود.

در جملاتی که «مسند» به کار رفته، گاهی به جای «نهاد» از اصطلاح «مسندالیه» استفاده می شود.

مثال: تک درخت نارون شد رنگ رنگ (تک درخت نارون رنگ رنگ شد)

شد: فعل اسنادی

رنگ رنگ: مسند

تک درخت نارون: نهاد (مسندالیه)

هـ) قید: آن بخش از جمله است که نقش اصلی ندارد می توان آن را از جمله حذف کرد و انواع مختلفی دارد:

- قید پرسش: چرا، چگونه، کجا، چقدر و...
- قید اندازه (مقدار): بس، بسیار، خیلی، اندکی و...
- قید چگونگی: به آسانی، به سختی، به زیبایی و... (او به زیبایی می نویسد).
- قید حالت: خندان، دوان، نالان و...
- قید زمان: امروز، دیشب، فردا و...
- قید مکان: روی شاخه در جمله ی (گنجشک روی شاخه آواز می خواند).

کج نکته: هر واژه در صورتی می تواند «قید» به شمار آید که هیچ یک از نقش های اصلی «نهاد، مفعول، متمم، مسند، صفت یا مضاف الیه» را نداشته باشد.

مثال: دیشب او را به خواب دیدم.

(دیشب: قید زمان)

دیشب را چگونه سپری کردی؟

مثال: یا رب، مکن از لطف پریشان ما را (۲ جمله).

«یارب/ از لطف، ما را پریشان مکن/»

۴. اصوات و شبه‌جمله‌ها نیز یک جمله به‌شمار می‌آیند.

اصوات شامل کلماتی هستند که بیان‌گر حس "تحسین، درد، افسوس، تعجب و..." هستند.

مثال: معلم گفت: به‌به! چه زیبا نوشتی (۳ جمله).

«معلم گفت/ به‌به/ چه زیبا نوشتی/»

ضمیر و انواع آن

«ضمیر» کلمه‌ای است که به‌جای اسم به‌کار می‌رود و از تکرار آن جلوگیری می‌کند.

مثال: استادم را دیدم و به ایشان سلام کردم (ایشان: ضمیر)

انواع ضمیر: ضمیر به‌طور کلی به شکل زیر تقسیم می‌شود:

۱. ضمیر شخصی (شامل جدا و پیوسته)

ضمیرهای شخصی جدا:

جمع	مفرد	اول شخص	دوم شخص
ما	من	اول شخص	دوم شخص
شما	تو	دوم شخص	سوم شخص
ایشان، آن‌ها	او	سوم شخص	

ضمیرهای شخصی پیوسته:

جمع	مفرد	اول شخص	دوم شخص
مان - ما	م - من	اول شخص	دوم شخص
تان - شما	ت - تو	دوم شخص	سوم شخص
شان - ایشان	ش - او	سوم شخص	

۲. ضمیر مشترک: "خود، خویش، خویشان" که همگی به یک معنا هستند.

۳. ضمیر مبهم: فلان، بعضی، هر، هیچ، برخی و همه و...

۴. ضمیر اشاره: این، آن، همین، همان.

۵. ضمیر پرسشی: کدام، چه و...

۶. ضمیر شمارشی: دو، سه، چهار و...

نکته: در مورد ضمائر اشاره، مبهم، و پرسشی باید بسیار توجه داشت که این واژه‌ها در صورتی ضمیر هستند که بعد از آن‌ها، اسم نیاید.

فعل متعدی: فعلی است که به مفعول نیاز دارد؛ یا به عبارتی مفعول‌پذیر است.

(می‌دیدم: فعل گذرا (متعدی)، مفعول‌پذیر)

نکته: گاهی برخی از افعال، «دووجهی» هستند. یعنی هم می‌توانند لازم باشند و هم متعدی، مثل افعال «ریخت» و «شکست».

مثال: آب را در لیوان ریخت (فعل متعدی)

آب روی زمین ریخت (فعل لازم).

مثال: پسرک شیشه را شکست (فعل متعدی).

لیوان، شکست (فعل لازم)

منادا: واژه‌ای است که مورد خطاب قرار می‌گیرد و معمولاً با نشانه‌های زیر به‌کار می‌رود: یا، ای، «ا» بعد از اسم یا، ای، و ا در "حافظ" حرف ندا، و "رب، خدا و حافظ" «منادا» هستند.

نکته: گاهی حرف ندا در جمله محذوف است، که از شیوه‌ی خواندن، متوجه وجود منادا می‌شویم.

مثال: شهیدان، پیچیده در گوش زبان فریادتان - (ای) شهیدان

نکته: گاهی منادا در جمله محذوف است.

مثال: ای همه هستی ز تو پیدا شده

منادا: کسی که، خداوندی که، محذوف (ای کسی که همه خستی از تو پیداشده)

نکته: منادا به همراه حرف ندا، شبه‌جمله محسوب می‌شوند.

شمارش تعداد جمله

برای این که بدانیم هر عبارت یا بیت، از چند جمله تشکیل شده است، باید نکات زیر را در نظر بگیریم:

۱. به تعداد فعل‌ها، جمله وجود دارد.

مثال: دوش دیدم که ملانک در میخانه زدند (۲ فعل، ۲ جمله).

«دوش دیدم / ملانک در میخانه زدند»

۲. گاهی، فعل محذوف است که باید در شمارش جمله، آن‌ها را در نظر داشته باشیم.

مثال: عهد نابستن از آن به که ببندی و نپایی (جمله).

«عهد نابستن از آن بهتر (است) / که ببندی / و نپایی/»

۳. منادا و حرف ندا، خود به‌تنهایی یک جمله محسوب می‌شوند.

صفت‌ها از نظر دارا بودن معنی و مفهوم به اقسام مختلف تقسیم می‌شوند:

صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت نسبی، صفت لیاقت (شایستگی)

الف) صفت فاعلی: طبق چند الگوی زیر ساخته می‌شود:

▪ بن مضارع + ا: بینا، شنوا، گویا.

▪ بن مضارع + نده: بیننده، شنونده، گوینده.

▪ بن مضارع + ان: روان، نالان.

کلمه نکته: گاهی صفت‌های فاعلی، «مرکب مرخم» هستند.

«مرکب» به این معنا که از دو یا چند جزء تشکیل می‌شوند و «مرخم» در لغت به معنای «ذم بریده» است که در اصطلاح دستوری، آن است که پسوند نشان‌گر صفت فاعلی، حذف شود.

مثال: کتاب خوانده (صفت فاعلی مرکب): کسی که کتاب می‌خواند.

صفت فاعلی مرکب مرخم: کتاب‌خوان.

ب) صفت مفعولی: از الگوی «بن ماضی + ا/ه» ساخته می‌شود. مثال: گفته، رفته، خوانده، دیده، شنیده، خورده و...

ج) صفت نسبی: از الگوی «اسم + ی» ساخته می‌شود و نسبت دادن چیزی را به چیزی دیگر بیان می‌کند.

مثال: نیلوفری، آسمانی، نارنجی، چوبی و...

د) صفت لیاقت (شایستگی): از الگوی «مصدر + ی» ساخته می‌شود.

مثال: خوردنی، پوشیدنی، آشامیدنی، گفتنی و...

سوالات دستور زبان

۱. در همهی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی «شب» قید مشترک است.

الف) هم‌نفسم گشت شبی آرزو

ب) یک شب آهسته با کنایه طبیعت گفت...

ج) شب از نیمه گذشت

د) وی را شب خواب نمی‌گیرد

۲. در هیچ گزینه‌ای جز گزینه‌ی ... «صفت بیانی، نقش دستوری، ندارد».

الف) معدن علم است دل چرا بنشانندی

در صورت وجود اسم بعد از هریک از این واژه‌ها، نقش صفت می‌گیرند و یک «ترکیب وصفی» محسوب می‌شوند.

مثال: این کتاب را خواندم (صفت اشاره، ترکیب وصفی) این را خواندم. (ضمیر اشاره)

مثال: بعضی کتاب‌ها مفید هستند. (صفت، مبهم، ترکیب وصفی)

بعضی، در دل خندیدند. (ضمیر مبهم)

مثال: به کدام شهر سفر کردید؟ (صفت پرسشی، ترکیب وصفی)

کدام را می‌پسندید؟ (ضمیر پرسشی)

مثال: سه قدم جلوتر رفتیم. (صفت شمارشی، ترکیب وصفی)

پنج را انتخاب کردیم. (ضمیر پرسشی)

انواع «ی»

«ی» به اسم‌ها می‌پیوندد و معنای و مفاهیم گوناگونی دارد که عبارتند از: «یای وحدت (نکره)، یای حاصل مصدر، نسبت (نسبی)، لیاقت و...»

الف) یای وحدت (نکره): «ی» که در معنای «یک» به کار رود و واژه را به صورت نکره (ناشناس) در می‌آورد.

مثال: شبی یاد دارم که چشمم نخفت.

«ی» در «شبی» از نوع «یای وحدت» یا «نکره» است؛ به معنای "یک شب"

ب) یای حاصل مصدر: نوعی از «ی» که به صفت می‌پیوندد و بعد از پیوستن «ی» به صفت، معنای مصدری پیدا می‌کند.

مثال: نیکی (نیک بودن)، بدی (بد بودن)، دیوانگی (دیوانه بودن).

ج) یای نسبت (نسبی): به اسم می‌پیوندد و اسم را به چیزی یا کسی منسوب می‌کند.

مثال: آسمانی (منسوب به آسمان)، آهنی (منسوب به آهن).

د) یای لیاقت: به مصدر می‌پیوندد و معنای شایستگی و لیاقت را دارد.

مثال: نوشیدنی (چیزی که شایستگی نوشیدن را دارد).

انواع صفت

ج) «تو» در مصراع اول، متمم است و «نیست» فعل تام.
د) «دشمنی» فاعل است و «تو» در مصراع دوم، متمم فعل.

۷. در بیت زیر، نقش واژه‌های «خدا، تو، مردانه، به‌ترتیب کدامند؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

خدا یار تو باشد در دو عالم

چو مردانه در این ره می‌زنی دم،

الف) نهاد، مضاف‌الیه، قید

ب) مسند، نهاد، متمم

ج) نهاد، مسند، قید

د) مسند، مضاف‌الیه، متمم

۸. در بیت زیر، نقش واژه‌های «زیبایی، گم، وطن، به‌ترتیب کدامند؟ (دستیاران ستادی سال ۹۴)

گم شدن زوطن آن همه زیبایی و آثار

وین حال فرا یاد من آورد وطن را،

الف) نهاد، مفعول، متمم ب) نهاد، مسند، مفعول

ج) متمم، مسند، مفعول د) متمم، نهاد، متمم

۹. «مسند» در مصراع زیر، کدام است؟ (تأمین اجتماعی ۹۳ و ۹۴)

زنده بر گشتن ز کوی دوست، شرط عشق نیست،

الف) زنده برگشتن ب) شرط عشق

ج) شرط عشق نیست د) کوی دوست

۱۰. نقش «کمند» و «دو تا»، در مصراع زیر به‌ترتیب کدام است؟ (تأمین اجتماعی ۹۳ و ۹۴)

دقامتم شد چون کمند زلف مهرویان دو تا،

الف) مسند، نهاد ب) مضاف‌الیه، مسند

ج) متمم، مسند د) مسند، مضاف‌الیه

۱۱. در همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... «منادا» دیده می‌شود.
الف) هایلیلیان کجایید، قابیل دیگر آمد

ب) گویند مگو سعدی، چندین سخن از عشقش

ج) بی‌باوران عالم، با چشم دل ببینید

د) سعدی از آن‌جا که فهم اوست، سخن گفت

۱۲. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... «جمله‌ی اسمیه» هستند.
الف) گشت غمناک دل و جان عقاب

ب) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

جور و جفا را در این مبارک معدن

ب) برخیز که جان است و جهان است و جوانی

خورشید برآمد، بنگر نورفشانی

ج) توشه‌ی تو، علم و طاعت است در این راه

سفره‌ی دل را بدین دو توشه بیباگن

د) آینه آن روز که گیری به دست

خودشکن آن روز، مشو خودپرست

۳. در همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی... «امروز» قید واقع شده است.

الف) بکوبمت امروز زین‌گونه یال

ب) ما را امروز از قبول لغات علمی و فنی گریز نباشد.

ج) که امروز سالار و سرپنجه‌ای

د) چهره‌ی امروز از آینه‌ی فردا خوش است.

۴. «ز آوارگان کوی تو آواره‌تر کجاست؟» درباره‌ی مصرع فوق، همه‌ی گزینه‌ها، جز گزینه‌ی... درست است.

الف) یک جمله‌ی اسنادی است.

ب) «آواره‌تر» نهاد جمله است.

ج) دو مضاف‌الیه دارد.

د) یک متمم و یک قید دارد.

۵. «دکند هر آینه غیبت حسود کوتاه‌دست

که در مقابله گنگش بود زبان مقال،

درباره‌ی ارکان بیت فوق، همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... درست هستند.

الف) جمله‌ی اول مفعول ندارد و «حسود کوتاه‌دست» فاعل است.

ب) «گنگ» مسند است و «زبان» مسندالیه.

ج) فعل جمله‌ی دوم، اسنادی و فعل جمله‌ی اول، تام است.

د) «حسود» فاعل، «دکند» فعل و «بود» رابطه است.

۶. «یک دوست از برای تو نگذاشت دشمنی

یک مرد رزم‌جوی تو را در سپاه نیست،

باتوجه به بیت فوق، همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... درست است.

الف) «یک دوست» مفعول و «تو» در مصراع اول، مضاف‌الیه است.

ب) «دشمنی» حاصل مصدر است در نقش «فاعل».

۱۸. در هیچ گزینه‌ای جز گزینه‌ی... صفت جانشین اسم دیده نمی‌شود.

(الف) مُردی در آن زمان که شدی صید گرگ از
از بهره‌مُرده حاجت تخت و کلاه نیست
(ب) جمعی سیاه‌روز سیه‌کاری تواند

باور مکن که بهر تو روز سیاه نیست
(ج) حکم دروغ دادی و گفتی حقیقت است
کار تباه کردی و گفتی تباه نیست
(د) ویرانه شد ظلم تو هر مسکن و دهی

۱۹. در همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... دصفت فاعلی مرکب مرخم، جانشین اسم شده است.

(الف) خدای خوانان از خواب ناز برجستند.
(ب) آیین قالی‌شویان در مشهد اردهال برگزار می‌گردد.
(ج) در میان پاک‌بازان چون علی (ع) کسی وفا را به سر نمی‌برد.
(د) نیروی جنگاوران ایران در دوران مقاومت شگفت‌انگیز بودند.

۲۰. در کدام گزینه دصفت نسبی، و حاصل (مصدر، دیده می‌شود؟

(الف) کریمان جان فدای دوست کردند
سگی بگذار، ما هم مردمانیم
(ب) خبیث را چو تعهد کنی و بنوازی
به دولت تو گنه می‌کند به انبازی
(ج) چنان بستی آن طاق نیلوفری
که اندیشه را نیست زو برتری
(د) خامشی به که ضمیر دل خویش
با کسی گفتن و گفتن که مگو

۲۱. کدام واژه‌ها دصفت نسبی، هستند؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

(الف) زیبایی- خواب‌آلوده (ب) گذشته- فراموش‌کار
(ج) گل‌اندود- آب‌دیده (د) آسمانی- دروغین
۲۲. واژه‌های کدام مورد، "صفت لیاقت" محسوب می‌شوند؟
(آموزش و پرورش سال ۹۵)

(الف) بی‌خردی، دشمنی (ب) پوشیدنی، خوابیدنی
(ج) پاکدامنی، بزرگی (د) نویسندگی، تشنگی

(ج) گشتند یکی ز سنگی جدا

(د) جهان پیش چشم اندرش تیره گشت

۱۳. در کدام گزینه جمله‌ی اسمیه نیامده است؟

(الف) آن سوخته را جان شد و آواز نیامد
(ب) مرا سیر شد دل ز جنگ و بدی

(ج) این همان چشمه‌ی خورشید جهان‌افروز است
(د) فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر

۱۴. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... جمله‌ی اسنادی هستند.

(الف) در کيفر فلک غلط و اشتباه نیست.

(ب) میدان همت است جهان، خوابگاه نیست.

(ج) یغماگر چون تو کسی، پادشاه نیست.

(د) تحقیق حال گوشه‌نشینان گناه نیست.

۱۵. کدام عبارت، یک جمله‌ی اسنادی است؟ (دستگاه‌های

اجرائی، فراگیر دوم سال ۹۴)

(الف) از مردم روزگار، درس‌های مفید می‌آموزیم.

(ب) انسان، از عدالت بسیار سخن گفته است.

(ج) شهادت، برترین معراج عشق است.

(د) هاله‌ای از نور، کلمه‌ی شهید را فراگرفته است.

۱۶. روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست

بهر طلب طعمه پر و بال بیار است،

درباره‌ی تعداد اسم‌های موجود در بیت فوق، همه‌ی

گزینه‌ها جز گزینه‌ی... نادرست است.

(الف) ۹ اسم (ب) ۷ اسم

(ج) ۶ اسم (د) ۸ اسم

۱۷. در همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... صفت فاعلی مرکب

مرخم، جانشین اسم شده است.

(الف) ای هست کن اساس هستی

کوته ز درت درازدستی

(ب) آن جهان‌بینان که خود را دیده‌اند

خود گلیم خویش را بافیده‌اند

(ج) ای بی‌خبر بکوش که صاحب خیر شوی

تا راهرو نباشی، کی راهبر شوی؟

(د) آن یکی نحوی به کشتی در نشست

رو به کشتی‌بان نهاد آن خودپرست

۲۳. «الهی! ظاهری دارم بس شوریده و باطنی خراب و سینه‌ای پر آتش و چشمی پر آب، دربارهی عبارت بالا، همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... درست هستند.
- الف) یک قید و چهار ترکیب وصفی دارد.
 ب) پنج اسم و سه صفت مرکب است.
 ج) ترکیب اضافی ندارد و پنج «ی» وحدت دارد.
 د) یک قید و پنج اسم دارد.
۲۴. همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... (ترکیبات اضافی، هستند.
- الف) شاهد فایق (ب) کلاه شکوفه
 ج) فراش باد (د) خلعت نوروز
۲۵. «گوید یکی: منم به جهان حامی بشر خواند دگر که: دافع هر فتنه و شرم:»
- الف) دو مفعول و دو فاعل دارد.
 ب) چهار ضمیر و سه مضاف‌الیه دارد.
 ج) یک متمم و دو صفت دارد.
 د) دو مسند و دو مفعول دارد.
۲۶. در همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... بین موصوف و صفت بیانی فاصله افتاده است.
- الف) در دل شب، من نشسته‌ام تنها و متحیر و بهت‌زده
 ب) اسلام در سرزمینی ظهور کرد شمرپور و شاعرخیز
 ج) در اروپا از وی به‌عنوان شاعری یاد می‌کنند جهانی
 د) این دلق موسی است مرقع
۲۷. کدام ترکیب، اضافی است؟
- الف) سوگندان مغاظ (ب) بجزرتی سخت بزرگ
 ج) خادم خاص (د) فرود صفه
۲۸. در هیچ گزینه‌ای جز گزینه‌ی... ترکیب وصفی دیده نمی‌شود.
- الف) مشو غره بر حسن گفتار خویش
 ب) مگو هرگز به پیش ابلهان راز
 ج) از پس هر گریه آخر خنده‌ای است
 د) صحبت حکام، ظلمت شب یلداست
۲۹. همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... ترکیب وصفی هستند.
- الف) موسم خزان (ب) نخل باسق
 ج) فرش زمردین (د) ابر بهاره
۳۰. «نیت شرک در امت من از حرکت آرام یک مورچه‌ی سیاه بر روی صخره‌ی سخت، در شبی نیک تاریک، مخفی‌تر است.» دربارهی تعداد ترکیبات وصفی و اضافی عبارت بالا، همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... نادرست هستند.
- الف) ۶ ترکیب وصفی، ۴ ترکیب اضافی
 ب) ۷ ترکیب وصفی، ۳ ترکیب اضافی
 ج) ۵ ترکیب وصفی، ۳ ترکیب اضافی
 د) ۴ ترکیب وصفی، ۴ ترکیب اضافی
۳۱. از نظر دستوری، «عالم خاک، چه نوع ترکیبی است؟ (آموزش و پرورش سال ۸۹)
- الف) وصفی (ب) صفت و موصوف
 ج) متمم (د) اضافی
۳۲. در همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... فعل متعدی دیده می‌شود.
- الف) سینه در آتش دل در غم جانانه بسوخت
 ب) آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت
 ج) علی خراسان و ماوراءالنهر بکند و بسوخت
 د) چوب درختان بی‌بر باید که بسوخت
۳۳. در هیچ گزینه‌ای جز گزینه‌ی... همهی فعل‌ها متعدی نیستند.
- الف) زدش بر زمین بر به کردار شیر
 ب) بدانست کاو هم نماند به زیر
 ج) همی جانش از رفتن من بختست
 د) یکی مهره بر بازوی من بیست
۳۴. در هیچ گزینه‌ی جز گزینه‌ی... همهی فعل‌ها متعدی نیستند.
- الف) زده‌ی کلام ترکیب، اضافی است؟
 ب) سوگندان مغاظ (ب) بجزرتی سخت بزرگ
 ج) خادم خاص (د) فرود صفه
۳۵. در هیچ گزینه‌ای جز گزینه‌ی... ترکیب وصفی دیده نمی‌شود.
- الف) مشو غره بر حسن گفتار خویش
 ب) مگو هرگز به پیش ابلهان راز
 ج) از پس هر گریه آخر خنده‌ای است
 د) صحبت حکام، ظلمت شب یلداست
۳۶. همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... ترکیب وصفی هستند.
- الف) موسم خزان (ب) نخل باسق
 ج) فرش زمردین (د) ابر بهاره
۳۷. «نیت شرک در امت من از حرکت آرام یک مورچه‌ی سیاه بر روی صخره‌ی سخت، در شبی نیک تاریک، مخفی‌تر است.» دربارهی تعداد ترکیبات وصفی و اضافی عبارت بالا، همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... نادرست هستند.
- الف) ۶ ترکیب وصفی، ۴ ترکیب اضافی
 ب) ۷ ترکیب وصفی، ۳ ترکیب اضافی
 ج) ۵ ترکیب وصفی، ۳ ترکیب اضافی
 د) ۴ ترکیب وصفی، ۴ ترکیب اضافی
۳۸. از نظر دستوری، «عالم خاک، چه نوع ترکیبی است؟ (آموزش و پرورش سال ۸۹)
- الف) وصفی (ب) صفت و موصوف
 ج) متمم (د) اضافی
۳۹. در همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... فعل متعدی دیده می‌شود.
- الف) سینه در آتش دل در غم جانانه بسوخت
 ب) آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت
 ج) علی خراسان و ماوراءالنهر بکند و بسوخت
 د) چوب درختان بی‌بر باید که بسوخت
۴۰. در هیچ گزینه‌ای جز گزینه‌ی... همهی فعل‌ها متعدی نیستند.
- الف) زدش بر زمین بر به کردار شیر
 ب) بدانست کاو هم نماند به زیر
 ج) همی جانش از رفتن من بختست
 د) یکی مهره بر بازوی من بیست
۴۱. در هیچ گزینه‌ی جز گزینه‌ی... همهی فعل‌ها متعدی نیستند.
- الف) زده‌ی کلام ترکیب، اضافی است؟
 ب) سوگندان مغاظ (ب) بجزرتی سخت بزرگ
 ج) خادم خاص (د) فرود صفه
۴۲. در هیچ گزینه‌ای جز گزینه‌ی... ترکیب وصفی دیده نمی‌شود.
- الف) مشو غره بر حسن گفتار خویش
 ب) مگو هرگز به پیش ابلهان راز
 ج) از پس هر گریه آخر خنده‌ای است
 د) صحبت حکام، ظلمت شب یلداست
۴۳. همهی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... ترکیب وصفی هستند.
- الف) موسم خزان (ب) نخل باسق
 ج) فرش زمردین (د) ابر بهاره

۴۰. بیت زیر، چند جمله دارد؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

قضا گفت گیر و قدر گفت ده

فلک گفت احسنت و مه گفت زه،

(الف) پنج (ب) شش

(ج) هفت (د) هشت

۴۱. بیت زیر چند جمله است؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

ای صبا با بلبل خوش گوی، گوی

می‌نماید لاله خودروی، روی،

(الف) سه (ب) چهار

(ج) پنج (د) دو

۴۲. در همی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... (ضمیر، آمده است.

(الف) این صفات، بعضی، صفات دادگان و بعضی، صفات فرشتگان است.

(ب) سعادت و شقاوت چیست و در چیست؟

(ج) اندر این منزلگاه به چه کار آمده است و از بهر چه آورده است؟

(د) غذای ستور و سعادت ستور، در همین خوردن‌ها و خفتن‌هاست.

۴۳. در کدام عبارت، صفت مبهم به کار رفته است؟

(دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

(الف) ورود هشتمین پیشوای بزرگ شیعه، موجی از رضایت در میان ایرانیان ایجاد کرد.

(ب) هر شاعری در دوره‌ی مشروطه می‌کوشید تا آتش انقلاب را افزون‌تر کند.

(ج) تاریخ به چه بازی‌ها که دست نمی‌زند! چه مردانی که در خود نمی‌پرورد!

(د) کدام شاعر را می‌شناسید که هم‌چون ناصر خسرو، شعر برایش سلاح مبارزه باشد؟

۴۴. نوع (ی، در عبارت زیر، کدام است؟ (دستیاران ستادی

سال ۹۴)

(الف) نسبت (ب) مفعولی

(ج) لیاقت (د) مصدری

خطاست پنجه‌ی مسکین ناتوان بشکست

(د) گرگی اندر پوستین بره‌ای

هر زمان اندر کمین بره‌ای

۳۵. همی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهتی بارزتر و هم‌گون هستند.

(الف) یا جواب من بگو یا داده ده

(ب) نک بپرانیده‌ای مرغ مرا

(ج) می‌پذیری ظلم را چون داد از او

(د) آن یکی طوطی ز دردت بوی برد

۳۶. همی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از نظر تعداد جمله برابرند.

(الف) سهل را جستن در این دیر کهن

این دلیل آن‌که رفت جان از بدن

(ب) زیرکی از عشق گردد حق شناس

کار عشق از زیرکی محکم اساس

(ج) به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت

برای مرد کمال و برای زن، نقصان

(د) وعده‌ی دیدار هرکسی به قیامت

لیله‌السری شب وصال محمد

۳۷. بیت زیر از چند جمله تشکیل شده است؟

ده اندازه بود باید نمود

خجالت نبرد آن‌که ننمود و بود،

(الف) ۵ جمله (ب) چهار جمله

(ج) شش جمله (د) سه جمله

۳۸. همی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از چهار جمله ترتیب یافته است.

(الف) علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را

که به ما سوافکنندی همه سایه‌ی هما را

(ب) دل اگر خداشناسی، همه در رخ علی بین

به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

(ج) برو ای گدای مسکین، در خانه‌ی علی زن

که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

(د) نه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت

متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

۳۹. سروده‌ی زیر چند جمله دارد؟

دآه ای زندگی منم که هنوز با همه پوچی از تو لبریزم،

(الف) چهار (ب) یک

انواع بن فعل

۱. بن ماضی ۲. بن مضارع

۱. بن ماضی چگونه ساخته می‌شود؟ ابتدا فعل را به صورت مصدر درآورده، سپس «ن» را از انتهای مصدر، حذف می‌کنیم؛ به عبارت دیگر بن ماضی عبارت است از مصدر، بدون «ن» پایانی.

مثال: بن ماضی فعل رفته است:

(مصدر: رفتن حذف «ن» رفت ← بن ماضی)

۲. بن مضارع: بن مضارع، فعل «امر مفرد» است، بدون «ب» آغازین.

مثال: بن مضارع فعل خورده بودند:

(فعل امر مفرد: بخور، حذف «ب»: خور ← بن مضارع)

انواع تک‌واژ

تک‌واژ، واحد کوچک‌تر از «واژه» است؛ یعنی یک واژه می‌تواند یک یا چند تک‌واژ داشته باشد.

تک‌واژ به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) تک‌واژ آزاد یا مستقل

ب) تک‌واژ وابسته (وند)

تک‌واژ آزاد یا مستقل: تک‌واژی است که به‌طور مستقل دارای معنای مشخص است (یعنی جزء معنادار یک واژه، مثال: گل، درخت، نمک و...)

تک‌واژ وابسته: تک‌واژی است که به‌طور مستقل دارای معنای خاص نیست و معمولاً همراه با تک‌واژ یا مستقل می‌آید (یعنی جزء بی‌معنی یک واژه)

مثال: ده، در واژه‌ی «ساقه»، «بی»، در واژه‌ی «بی‌ادب»

انواع تک‌واژ وابسته (وند): ۱. پیشوند ۲. میان‌وند ۳. پسوند

۱. پیشوند: وندی که قبل از تک‌واژ آزاد (جزء معنادار) می‌آید.

مثال: «با» در «باهنر» و «نا» در «ناشناس».

۲. میان‌وند: وندی است که بین دو تک‌واژ آزاد (معنادار) در یک واژه می‌آید.

مثال: «ا» در «سراسر»، «ا» در «دوشادوش»، «و» در «گفتگو»

۳. پسوند: وندی است که پس از تک‌واژ آزاد (معنادار) در یک واژه می‌آید.

مثال: «ند» در «خواننده»، «ی» در «سبزی»

کلمه نکته: تمام بن‌ها، چه ماضی چه مضارع، از تک‌واژه‌های آزاد (معنادار) به‌شمار می‌آیند.

ساختمان واژه

هر واژه به جهت ساختمان، به ۴ دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شود.

الف) ساده (الف) مشتق (ب)

ج) مرکب (د) مشتق مرکب

واژه‌های مشتق، مرکب و مشتق مرکب، غیرساده محسوب می‌شوند)

الف) واژه‌ی ساده: واژه‌ای است که فقط از یک تک‌واژ ساخته شده و قابل تجزیه نیست.

مثال: خوب، درس، خیر، آینه و...

ب) واژه‌ی مشتق: واژه‌ای است که از یک تک‌واژ آزاد و یک یا چند تک‌واژ مستقل (وند) تشکیل شده باشد.

مثال: دانش (دان: تک‌واژ آزاد + ـش: تک‌واژ وابسته)

بی‌خرد (بی: تک‌واژ وابسته / خرد: تک‌واژ آزاد)

بانه‌ری (با: تک‌واژ وابسته / هنر تک‌واژ آزاد / ی: تک‌واژ وابسته)

ج) واژه‌ی مرکب: واژه‌ای است که از دو یا چند تک‌واژ آزاد تشکیل شده باشد (تک‌واژ وابسته در این نوع واژه‌ها وجود ندارد)

مثال: هنرجو (هنر: تک‌واژ آزاد / جو: تک‌واژ آزاد)

برف پاک‌کن (برف: تک‌واژ آزاد / پاک: تک‌واژ آزاد / کن: تک‌واژ آزاد)

د) واژه‌ی مشتق مرکب: واژه‌ای که از دو یا چند تک‌واژ آزاد و یک یا چند تک‌واژ وابسته (وند) تشکیل شده باشد.

(ویژگی‌های واژه‌های مرکب و مشتق را با هم داشته باشد).

مثال: دوچرخه (دو: تک‌واژ آزاد / چرخ: تک‌واژ آزاد / ه: تک‌واژ وابسته)

دانش‌آموز (دان: تک‌واژ آزاد / ـش: تک‌واژ وابسته / آموز: تک‌واژ آزاد)

در ساختمان واژه‌ها باید به الگوی سازنده‌ی آن‌ها و نتیجه‌ای که از الگو حاصل می‌شود، توجه کنیم. الگوهای سازنده‌ی واژه‌های غیر ساده بسیار هستند که ذکر تمامی آن‌ها، در این مقال نمی‌گنجد.

مثال: خط‌کش (خط + کش ← اسم + بن مضارع = اسم)

۵۰. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... اسم مشتق فارسی هستند.

(الف) ساختمان (ب) سازمان
(ج) رانده‌مان (د) زایمان

۵۱- همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهت‌ی شباهت و یکسانی دارند.

(الف) گل‌دسته (ب) گل‌بدن
(ج) گل‌پونه (د) گل‌شکر

۵۲. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهت‌ی هم‌گونی دارند.

(الف) گلنار (ب) گل‌بیکر
(ج) گل‌غذار (د) گل‌نفس

۵۳. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهت‌ی یکسان هستند.

(الف) چهار بالش (ب) چهار چوب
(ج) چهارراه (د) چهارشانه

۵۴. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهت‌ی شباهت دارند.

(الف) گل‌چهره (ب) گل‌اندام
(ج) گل‌مژه (د) گل‌رخ

۵۵. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهت‌ی مشابهت دارند.

(الف) تماشاخانه (ب) بزرگراه
(ج) سرخرگ (د) سخت‌افزار

۵۶. کدام‌یک از صفات مشتق زیر از «بن ماضی» ساخته شده است؟

(الف) ساختمان (ب) پرستار
(ج) کردار (د) گرفتار

۵۷. هر دو واژه، در همه‌ی گزینه‌ها، جز گزینه‌ی... هم‌گون هستند.

(الف) هنرپیشه، ماهرو (ب) مهمان‌دوست، دیوسیرت
(ج) گرگ‌خو، به‌آیین (د) اسلام‌مسلك، پری‌سیما

۵۸. هر دو واژه در همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... صفت هستند.

(الف) سیه‌چره، زردروی (ب) متناسب‌اندام، جوانمرد
(ج) نونوار، نوآیین (د) نوروز، سیه‌چشم

۵۹. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهت‌ی تشابه کامل دارند.

(الف) آسایش (ب) گشایش
(ج) پیرایش (د) ره‌ایش

واژه‌ی «خط‌کش» یک «اسم» است که از «اسم+ بن مضارع» ساخته شده است.

خوش‌اندام (خوش+ اندام ← صفت+ اسم= صفت)

واژه‌ی «خوش‌اندام» یک «صفت» است که از «صفت+ اسم» ساخته شده است.

دوراهی (دو+ راه+ ی ← صفت+ اسم+ پسوند= اسم)

واژه‌ی «دوراهی» یک «اسم» است که از «صفت+ اسم+ پسوند» ساخته شده است.

بالدب، (با+ ادب پیشوند+ اسم= صفت)

واژه‌ی «بالدب» یک «صفت» است که از «پیشوند+ اسم» ساخته شده است.

کله‌نکته: تمامی اعداد و رنگ‌ها، صفت به‌شمار می‌آیند: هفت، سه، سرخ، سیاه و...

■ اسم مصغّر (کوچک‌شده): از الگوی «اسم+ چه» ساخته می‌شود و مفهوم «کوچکی» را داراست؛ مثل گویچه (گوی کوچک).

سوالات بن فعل

۴۵. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... اسم مصغّر هستند.

(الف) پارچه (ب) کوچه
(ج) گویچه (د) پنجه

۴۶. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهت‌ی هم‌گون هستند.

(الف) سده (ب) پنجه
(ج) روزه (د) هفته

۴۷. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... با هم مشابهتی دارند.

(الف) نیستان (ب) دلستان
(ج) گلستان (د) کهستان

۴۸. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... اسم مصدر نیست.

(الف) روا (ب) سزا
(ج) یارا (د) پایا

۴۹. بگفتا: نیک‌مردی کن، نه چندان که گردد خیره‌گرگ تیزدندان درباره‌ی تعداد اسم‌های مرکب بیت فوق، هیچ گزینه‌ای جز گزینه‌ی... درست نیست.

(الف) اسم مرکب ندارد. (ب) یک اسم مرکب
(ج) دو اسم مرکب دارد. (د) سه اسم مرکب

۶۰. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... می‌تواند صفت باشد.
 الف) اخمو (ب) سرخرگ
 ج) برو (د) وزین
۶۱. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهتی هم‌گون هستند.
 الف) گلپر (ب) گل‌سنگ
 ج) گل‌رنگ (د) گل‌برگ
۶۲. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... اسم ابزار هستند.
 الف) قندشکن (ب) ناخن‌گیر
 ج) خاک‌انداز (د) کف‌بین
۶۳. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهتی هم‌گونی کامل دارند.
 الف) گوارشت (ب) کُشت (معبد)
 ج) برشت (د) کِشت (کردار)
۶۴. در همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... اسم مشتق دیده می‌شود.
 الف) دیدار (ب) کشتار
 ج) خواستار (د) کردار
۶۵. عشق او نه به آن چشمان جذاب و دل‌ریا، نه به آن گیسوان خرمایی بلند، نه به آن گفتار شیرین است، با توجه به عبارت بالا، همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... اسم مشتق نیست.
 الف) دل‌ریا (ب) گفتار
 ج) جذاب و دل‌ریا (د) هر سه گزینه
۶۶. در کدام گروه کلمه، ساختمان واژه‌ها متفاوت است؟
 (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم، سال ۹۵)
 الف) هنرستان، سروستان (ب) نمک‌زار، لاله‌زار
 ج) سازگار، آفریدگار (د) سحرگاه، خوابگاه
۶۷. کاربرد کدام پسوند با همه‌ی واژه‌های دبو، گل، تاک، مناسب و معمول است؟ (وزارت نیرو سال ۹۶)
 الف) ستان (ب) زار
 ج) کده (د) گاه
۶۸. ساختمان واژه‌های کدام گروه متفاوت است؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)
 الف) سروستان، لارستان (ب) گلستان، بهارستان
 ج) هنرستان، نیستان (د) دادستان، جان‌ستان
۶۹. در کدام مصراع، واژه مرکب وجود دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر دوم، سال ۹۴)
 الف) هم صغیر و خدعه‌ی مرغان تویی
 ب) ای زبان، تو بس زبانی مر مرا
 ج) مرد غرقه گشت جانی می‌کند
 د) ای درینا مرغ خوش‌الجان من
۷۰. ساخت دستوری کدام کلمه، با کلمه‌های دیگر تفاوت دارد؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)
 الف) زد و خورد (ب) سوز و گداز
 ج) نشست و برخاست (د) داد و ستد
۷۱. در کدام گروه واژه‌ها، نوع واژه‌ها متفاوت‌اند؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم، سال ۹۵)
 الف) بی‌سواد، نشکن، ناکام
 ب) بالادب، ناشکر، نسوز
 ج) سپیده، کشتی‌بان، نمایشگاه
 د) تهرانی، خواندنی، پوشیدنی
۷۲. به‌کار گرفتن کدام پسوند، با همه‌ی واژه‌های دسرو، قلم، هنر، مناسب و معمول است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)
 الف) ستان (ب) دان
 ج) زار (د) گاه
۷۳. در کدام مصراع، دو واژه‌ی مرکب وجود دارد؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
 الف) گلعداری و گلستان جهان ما را بس
 ب) شرمش از چشمان می‌پرستان باد
 ج) شرار رشک و حسد در دل گلاب انداز
 د) بیار زان می گلرنگ و مشک‌بو جامی
۷۴. در همه‌ی مصراع‌ها واژه‌ی مرکب وجود دارد به‌جز؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
 الف) که من بعد بی‌آبرویی مکن
 ب) به از ما سخن گوی دانا یکی است
 ج) نرنجید از او حیدر نام‌جوی
 د) بر سنگدل برد یک مشت سیم
- انواع اسم از جهت تعداد و شمارش**
 هر اسمی از جهت تعداد به دو دسته تقسیم می‌شود: مفرد و جمع.
الف) مفرد: اسمی است که به یک‌نفر یا یک چیز دلالت می‌کند.
 مثال: خانه، معلم، کوچه و...

گویی عزای اشرف اولاد آدم است

(د) صدی که ز هر چه بود برتر او بود

مقصود ز اعراض و ز جوهر او بود

۷۶. همی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... درست هستند.

(الف) شئونات (ب) فضولات

(ج) وجوهات (د) جواهرات

۷۷. همی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهتی هم‌گون هستند.

(الف) ارباب (ب) کوبه

(ج) عرایض (د) ادویه

روابط معنایی میان واژه‌ها

بین هر دو واژه، یکی از چهار رابطه‌ی زیر می‌تواند برقرار باشد:

۱. مترادف: ۲. تضاد: ۳. تناسب: ۴. تضمین

۱. مترادف: اگر دو واژه با هم مترادف (هم‌معنی) باشند، با هم رابطه‌ی مترادف دارند.

مثال: سرخ و قرمز، خشم و عصبانیت

۲. تضاد: واژه‌هایی که از نظر معنا، مخالف و متضاد یکدیگر هستند.

مثال: شاد و غمگین، آباد و ویران

۳. تناسب: واژه‌هایی که از نظر معنایی، در یک مجموعه قرار می‌گیرند.

مثال: ابر، خورشید، ماه (این سه واژه همگی در یک مجموعه به‌نام «آسمان» قرار دارند).

شنا، کشتی، شطرنج (این سه واژه همگی در یک مجموعه به‌نام «ورزش» قرار دارند).

کلم، هویج، کدو (این سه واژه همگی در یک مجموعه به‌نام «سبزیجات» قرار دارند).

۴. تضمین (شامل شدن): به این معنا که یک مجموعه به همراه یکی از اعضای خودش ذکر شود.

مثال: حبوبات و نخود، میوه و سیب، آسمان و خورشید

(ب) جمع: اسمی که به دو نفر یا دو چیز یا بیشتر دلالت می‌کند و خود به سه دسته‌ی «جمع سالم، جمع مسکر و اسم جمع» تقسیم می‌شود.

۱. جمع سالم: جمعی است که یک واژه‌ی مفرد با یکی از نشانه‌های جمع «ها، ان، ات، ون، ین» جمع بسته می‌شود.

مثال: برگ‌ها، درختان، اطلاعات، روحانیون، معلمین و...

۲. جمع مکسر: این نوع از جمع، ویژه‌ی واژه‌های عربی است و قاعده و قانون خاصی برای جمع بستن واژه‌های مفرد به این شیوه وجود ندارد. فقط شکل ظاهری واژه مفرد، عوض می‌شود و جمع مکسر می‌گردد.

مثال: مدرسه، مدارس (مدرسه‌ها)، قوم، اقوام (قوم‌ها)، ملت: ملت (ملت‌ها) و...

۳. اسم جمع: اسم‌هایی که هیچ‌یک از نشانه‌های جمع را ندارند. یعنی نمی‌توانیم برای آن‌ها واژه‌ای مفرد ذکر کنیم؛ اما خود این واژه‌ها، در معنا و ذاتاً جمع هستند.

مثال: مردم، ملت، کاروان، گله، رمه (گله)، دسته، گروه و...

جمع‌الجمع: برخی از واژه‌های جمع عربی، در فارسی در معنای مفرد به‌کار می‌روند. مثل واژه‌ی «جواهر» که در عربی جمع کلمه‌ی «جوهر» است. اما این واژه در فارسی معنای مفرد دارد. یا واژه‌ی «اسلحه» که در عربی جمع واژه‌ی «سلاح» است اما این واژه در فارسی در معنای مفرد به‌کار می‌رود.

این‌گونه واژه‌ها در زبان فارسی دوباره جمع بسته می‌شوند که اصطلاحاً به آن‌ها «جمع‌الجمع» گفته می‌شود؛ مانند جواهرات، شئونات، اسلحه‌ها

سوالات انواع اسم از جهت تعداد شمارش

۷۵. در هیچ گزینه‌ای جز گزینه‌ی... همی اسم‌ها مفرد نیست.

(الف) یارب! ای سیدی! به حق رسول

دور گردان دل مرا ز فضول

(ب) چون لوح آزمون که نقاش چرب‌دست

الوان گونه‌گون را بر وی بیاموزد

(ج) جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند

سوالات روابط معنایی میان واژه‌ها

۷۸. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی..... از جهتی هم‌گون هستند.

- الف) ضیق و جرح
ب) فضیلت و رذیلت
ج) موجب و مقتضی
د) اکفا و اقران
۷۹. باتوجه به مفهوم در مصراع، دگرچه بیرون تیره بود و سرد، هم‌چون ترس، و دتو را ترسی شفاف فرامی‌گیرد، بین دو کلمه‌یترس کدام رابطه برقرار است؟
الف) تشابه
ب) تضاد
ج) تناسب
د) ترادف
۸۰. رابطه‌ی معنایی کدام واژه‌ها متفاوت است؟ (قوه‌ی قضائیه سال ۹۶)

- الف) فرتوت و پیر، رزق و روزی
ب) کهن و مهین، بعید و قریب
ج) فروزان و تابان، گران‌مایه و بالرزش
د) مهر و خورشید، لطیف و نیکو

واژه‌های هم‌آوا

واژه‌های هم‌آوا به دو نوع تقسیم می‌شوند:

الف) واژه‌هایی که هم از نظر شکل نوشتاری و هم از نظر شکل گفتاری و تلفظ با هم یکسان هستند. اما از نظر معنا، با هم متفاوت می‌باشند.

مثال: خویش (خود)، خویش (قوم و خویش، خویشاوند)
سیر (یکی از سبزیجات)، سیر (مقابل گرسنه)، سیر (واحد وزن)
ب) واژه‌هایی که از نظر شکل تلفظ و گفتار، یکسان هستند؛ اما از نظر شکل املائی و نوشتار، متفاوت هستند.

مثال: حیات (زندگی)، حیات (بخشی از یک ساختمان)
چذر (ریشه‌ی دوم یک عدد)، چزر (پایین رفتن آب دریا)

سوالات واژه‌های هم‌آوا

۸۱. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهتی مشابهت دارند.

- الف) منکر و معروف
ب) سور و سوگ
ج) صالح و طالح
د) متعسر و متأثر
۸۲. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از جهتی هم‌گون هستند.

- الف) نثر و نسر
ب) عصیر و اسیر
ج) زهر و ظهر
د) صواب و ثواب

۸۳. کدام واژه‌ها صفت مفعولی است؟ (فراگیر هفتم)

- الف) آفریدگار - رسیده
ب) شنونده - خندان
ج) ریخته - آموزگار
د) شکفته - گرفتار

۸۴. نوع کدام ترکیب با دیگر ترکیب‌ها، متفاوت است؟ (فراگیر هفتم)

- الف) هیئت موزون
ب) انگشت تعجب
ج) عارض جمیل
د) پیکر زخم‌خورده

۸۵. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده زیر، به ترتیب، کدام است؟ (فراگیر هفتم)

د به بازوان توانا و قوت سردست

خطاست پنجه‌ی مسکین ناتوان بشکست،

- الف) متمم - نهاد - مسند
ب) نهاد - متمم - مفعول
ج) متمم - مسند - مفعول
د) مسند - متمم - مفعول

۸۶. ساختمان کدام واژه‌ها، متفاوت است؟ (فراگیر هفتم)

- الف) دست بوسی - کارشناسی
ب) خوشبختانه - گفت و گو
ج) خویشتن‌دار - نفرت‌بار
د) ناخوشایند - دانش‌پژوه

۸۷. در بیت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟ (فراگیر هفتم)

د آن آبرو چو جوی بود رنج و غصه سنگ

سنگش به جای ماند و آبش زجو رود،

- الف) نهاد - مضاف‌الیه
ب) مضاف‌الیه - نهاد
ج) مسند - نهاد
د) نهاد - مسند

۸۸. در عبارت زیر، به ترتیب، زمان افعال کدام است؟ (فراگیر هفتم)

ملاطم می‌کردند که با این تصدیق گران قدر، چرا در ایل مانده‌ای؟

- الف) ماضی مستمر - ماضی ساده
ب) ماضی مستمر - ماضی نقلی
ج) مضارع اخباری - ماضی بعید
د) ماضی استمراری - ماضی نقلی

فصل دوم:
ویرایش و نگارش

مثال: مدیرهی مدرسه (نادرست)، شاعرهی معاصر (نادرست) و نکتهی دیگر این که اگر اسمی مونث باشد، در زبان عربی، صفت هم به پیروی از اسم، مونث می‌آید؛ ولی در زبان فارسی این گونه نیست. برای اسم مونث هم، صفت مذکر کاربرد دارد.

مثال: بانوی محترمه (نادرست)، بانوی محترم (درست) ۶ «جمع مکسر» ویژهی واژه‌های عربی است و واژه‌های فارسی نباید به این شیوه جمع بسته شوند.
مثال: مکتب (عربی): مکاتب (جمع مکسر)

واژه‌های مثل «استاد» که واژه‌های فارسی است، نباید به شکل «استاید» نوشته شود. این واژه باید با نشانه‌های جمع «ها» یا «ان» جمع بسته شود.

۷. واژه‌های فارسی، فقط با نشانه‌های جمع «ها» و «ان»، جمع بسته می‌شوند و کاربرد آن‌ها با نشانه‌های جمع «ات، ون، ین» که ویژهی زبان عربی هستند، نادرست است.

مثال: آزمایش (فارسی)، آزمایشات (نادرست)
بازرس (فارسی)، بازرسین (نادرست)
گزارش (فارسی)، گزارشات (نادرست)
۸. «تنوین». مخصوص واژه‌های عربی است و واژه‌های فارسی و غیرعربی نباید با این نشانه به کار روند.

کاربرد واژه‌هایی مثل «اولاً، حتماً، مثلاً و...» درست است. زیرا این واژه‌ها عربی هستند؛ اما کاربرد واژه‌هایی نظیر «گاهاً، زیناً، تلفناً، دوماً و...» نادرست است؛ زیرا واژه‌هایی فارسی و غیرعربی هستند.

مثال: دوستم را تلفناً دعوت کردم. (نادرست)
دوستم را تلفنی دعوت کردم. (درست)
گاهاً به او سر می‌زنم. (نادرست)
گاهی به او سر می‌زنم. (درست)

۹. پسوند «یت» که یک پسوند مصدرساز است، ویژهی زبان عربی است و واژه‌های فارسی نباید با این پسوند به کار بروند.

هنگام نوشتن، باید نکات بسیاری را موردتوجه داشته باشیم؛ در این فرصت به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.
۱. برخی از واژه‌ها، معمولاً به اشتباه به جای یکدیگر به کار می‌روند. هنگام نوشتن باید دقت داشته باشیم، باتوجه به مفهوم جمله، واژگان درست را انتخاب نماییم.

چند مثال:
مس: دست‌مالی، سایش / مسح: پاک کردن، یکی از اعمال وضو استیفا: حق خود را به تمامی گرفتن / استعفا: تقاضای معافیت از انجام کار
افراط: زیاده‌رو در کار / تفریط: کوتاهی کردن در کار
احسن: نیکوتر، به بهترین شیوه / احسن: آفرین به تو
۲. در نوشتن، از «حشو» بپرهیزیم. (حشو، کلام زاید و بیهوده)

چند مثال:
شب لیلۃ‌القدر (لیل: شب)
آخرین فینال مسابقه (فینال: آخرین)
سوابق گذشته (سوابق: گذشته)
بر علیه (علیه: علی (بر) + ه (او))
سنگ حجرالاسود (حجر: سنگ)
۳. نشانه‌ی مفعول «را». در زبان فارسی، بعد از «اسم» قرار می‌گیرد و باید دقت داشته باشیم این نشانه، بعد از فعل به کار نرود.

مثال:
کفشی که دیروز دیده بودم را خریدم. (نادرست)
کفشی را که دیروز دیدم، خریدم. (درست)
۴. «صفت تفضیلی» عربی، با نشانه‌های «تر» و «ترین» همراه نمی‌شود. زیرا صفت‌های تفضیلی عربی، در معنا «تر» دارند.

مثال: اعلم: دان‌تر، اکثر: بیشتر
پس، کاربرد واژه‌های «اعلم‌تر» یا «ارجح‌تر» و از این قبیل، نادرست است.

۵. نشانه‌ی تأنیث (مونث بودن) عربی (ة). فقط در زبان عربی کاربرد دارد و استفاده‌ی آن در زبان فارسی، شایسته نیست. واژه‌های مونث فارسی بدون «ة» به کار می‌روند.

مثال:

متفاوت بودن (با)، رسیدن (به)، گذشتن (از)، پس جمله‌ی «نظر من از نظر او متفاوت است» نادرست است و باید با حرف اضافه‌ی «با» به کار رود. (نظر من با نظر او متفاوت است)

۱۵. دقت کنیم حذف فعل در صورتی شایسته است که قرینه‌ای در جمله داشته باشد و باید از حذف بی‌قرینه بپرهیزیم.

مثال: بازرس‌ها از اداره دیدن و مشاهدات خود را نوشتند. (نادرست)

زیرا فعل «کردند» بدون قرینه از جمله حذف شده است. (دیدن کردند); اما در عبارت «بازرس‌ها از اداره دیدن و با مدیر گفت و گو کردند» حذف فعل «کردند» جایز است. زیرا با قرینه حذف شده است و برای جلوگیری از تکرار، از ذکر آن خودداری شده است.

۱۶. گذاشتن نقش‌نمای اضافه «ب» در یک ترکیب، ضروری نیست؛ مگر در مواردی که حذف آن، سبب تغییر یافتن معنا شود.

مثال: داسب سواری، با داسب سواری، تفاوت دارد، یا دلب تشنه، با دلب تشنه، متفاوت است.

۱۷. از به‌کار بردن جملاتی که «ابهام» یا «کژتابی» دارند، بپرهیزیم.

«ابهام» به این معناست که از یک جمله، بتوان چندین برداشت کرد.

مثال: او دوست هفت‌ساله‌ی من است.

او هفت‌سال است که با من دوست است. / او دوست من است و هفت‌سال دارد.

به پدرِ استادم هدیه دادم.

استادِ من، پدری دارد، من به او هدیه دادم. / پدر من، استاد است، به او هدیه دادم.

سوالات ویرایش و نگارش

۸۹. از نظر نگارش فارسی، به‌کار بردن کدام کلمه درست است؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

- (الف) پیشنهادات (ب) تأثیرات
(ج) فرمایشات (د) گزارشات

کاربرد واژه‌های «احدیت، هویت و شخصیت» درست است. زیرا واژه‌هایی عربی هستند؛ اما کاربرد واژه‌هایی نظیر «دویت، مَنیت و خَریت» نادرست است. زیرا واژه‌های «دو، من، خر» همگی فارسی هستند.

۱۰. دقت داشته باشیم از عبارت «به قول معروف» زمانی استفاده کنیم که واقعاً قول معروف یا مثل‌گونه‌ای را بیان کنیم.

مثال:

به قول معروف از دست تو خسته شدم. (نادرست)

به قول معروف این قدر تکرار کردم که زبانم مو درآورد. (درست)

۱۱. حروف همراهی «و، با» از نظر دستوری با هم متفاوت هستند.

اگر یک نهاد مفرد با «با» همراه شود، فعل هم مفرد می‌آید.

مثال:

مریم با علی به خانه رفت.

اما اگر این نهاد مفرد با «و» همراه شود، فعل جمع می‌آید.

مثال:

مریم و علی، به خانه رفتند.

در واقع، در مثال اول نهاد جمله «مریم»، و در مثال دوم «مریم و علی» است.

۱۲. بهتر است که از واژه‌های کوتاه ولی کامل استفاده کنیم.

به‌طور مثال به‌جای «به‌وسیله‌ی» از «با»، به‌جای «به‌چه

علت» از «چرا» و... استفاده کنیم.

مثال:

نامه را به‌وسیله‌ی پست برایش فرستادم. (نادرست)

نامه را با پست برایش فرستادم. (درست)

۱۳. دقت داشته باشیم که وقتی فعل جمله به‌صورت «مجهول»

به‌کار می‌رود، به این معناست که «نهاد» یا «فاعل» جمله نامشخص است.

پس اگر نهاد یا فاعل جمله مشخص است، نباید از فعل مجهول (صفت مفعولی + شد) استفاده کرد.

مثال:

این تابلو توسط استاد کمال‌الملک، کشیده شده است. (نادرست)

نهاد جمله «استاد کمال‌الملک» است و از طرفی هم با فعل

مجهول (کشیده‌شده) همراه شده است.

استاد کمال‌الملک، این تابلو را کشیده است. (درست)

۱۴. هر فعلی با حرف اضافه ویژه‌ی خود به‌کار می‌رود.

الف) حسن به برادرش گفت که مقالات منتشر شده است.
ب) شاعری را از نوجوانی آغاز و تا پایان عمر ادامه داد.
ج) من به او گواهی می‌دهم.

د) فکر خود را به آن چه می‌بیند، می‌سپارد.
۹۶. کدام عبارت نیاز به ویرایش دارد؟ (قوه قضائیه سال ۹۶)

الف) آخرین مسابقه‌ی فینال را دیدم.
ب) هنگام مد، آب دریا بالاتر است.
ج) خورشید هنوز برنیا آمده است.
د) او هیچ وقت دست از پا خطا نمی‌کند.

۹۷. کدام عبارت نیاز به ویرایش دارد؟ (قوه قضائیه سال ۹۶)

الف) زبان متون ادبی گذشته، اندکی دشوار است.
ب) زبان نوشته، باید ساده و قابل فهم باشد.
ج) او روز گذشته، از سمت خود استیفا داد.
د) تمهیدنامه، از اسناد رسمی است که بین دو نفر یا بیشتر منعقد می‌گردد.

۹۸. کدام عبارت نیاز به ویرایش دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

الف) در هنگام مطالعه، باید مطالب موردنظر را به دقت مورد بررسی قرار دهیم.
ب) ملت ایران، علیه رژیم سلطنتی قیام کرد.
ج) شعر، آفرینش زیبایی به وسیله‌ی رنگ و سنگ و فلز است.

د) گاهاً دوست فاضلی را می‌بینیم و از او برای همکاری شخصاً دعوت می‌کنم.

۹۹. کدام عبارت نیاز به ویرایش دارد؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

الف) برای نوشتن مقاله، نخست باید موضوع مناسب و جالبی پیدا کرد.
ب) وقتی شما یکی از روزنامه‌های عصر را باز می‌کنید، دهها مقاله‌ی کوتاه و بلند در آن می‌بینید.
ج) با شعارهای روزنامه‌نویسان و فرمایشات خطیبان حرفه‌ای هیچ کاری نمی‌توان انجام داد.

د) آثار ادبی ایران، آینه‌ی اندیشه‌ها، باورها، هنرمندی‌ها و عظمت روحی و معنوی ملت ایران است.

۹۰. کدام عبارت، فاقد غلط نگارشی است؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

الف) مس سر و یا از اعمال وضو است.

ب) او روز گذشته از طرف خود استیفا داد.

ج) عده‌ای با خرید نان بیش از حد، افراط می‌کنند.

د) همه‌ی بچه‌ها به او احسن گفتند.

۹۱. کدام عبارت به ویرایش نیاز دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سال ۹۴)

الف) هنر، آدمی را به شناخت چشمه‌ی زیبایی‌ها فرامی‌خواند.

ب) از فرمایشات جناب‌عالی در طول سال، بسیار بهره بردیم.

ج) نوع بیماری پس از تحقیقات و آزمایش‌های متعدد شناخته شد.

د) گاهی که دوست فاضلی را می‌بینیم، از او برای همکاری، شخصاً دعوت می‌کنم.

۹۲. جمع کدام گزینه نادرست است؟ (فراگیر ششم ۹۷)

الف) لبنیات

ب) دخانیات

ج) شیلات

د) دستورات

۹۳. کدام عبارت، فاقد حشو (تکرار زاید) است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر اول سال ۹۴)

الف) دکتر محمد معین، در سن پنجاه‌سالگی به‌دروود حیات گفت.

ب) آخرین مسابقه‌ی فینال را در خانه‌ی دوستم مشاهده کردم.

ج) در شب لیلۃ‌القدر، دو رکعت نماز حاجت را به‌جای آوردم.
د) کودک با کوشش فراوان، بوته‌ی ذرت را از زمین کند.

۹۴. کدام عبارت، فاقد عیب نگارشی است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

الف) در بین دوستان، محمد از نظر علمی، اعلم‌تر است.

ب) خانم مدیره‌ی محترمه، در جلسه حضور به‌هم رسانید.

ج) مبارزه برای آزادی، پیشینه‌ی تاریخی دارد.

د) روز جمعه، تلفناً از دوستم دلجویی کردم.

۹۵. نگارش کدام مورد صحیح نیست؟ (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور سال ۹۴)

ج) نوع بیماری، پس از تحقیقات و آزمایشات متعدد، شناخته شد.

د) زبان علمی، صرفاً برای انتقال مستقیم مفاهیم دقیق علمی، به کار می‌رود.

۱۰۵. کدام عبارت نیاز به ویرایش دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر دوم سال ۹۴)

الف) کفشی را که خریده بودی، پسندیدم.

ب) منطق الطیر؛ توسط عطار نیشابوری سروده شد.

ج) دیدگاه او با دیدگاه روان‌شناسان، متفاوت است.

د) در کلاس، هم میز هست و هم تخته.

۱۰۶. کدام عبارت، از نظر نگارشی غلط است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

الف) معلم و دانش‌آموزان در جلسه شرکت کردند.

ب) معلم با دانش‌آموز، اردوی مطالعاتی را ترک کردند.

ج) معلم و دانش‌آموزان به عیادت مدیر مدرسه رفتند.

د) معلم با دانش‌آموز، به اردوی چند روزه رفت.

۱۰۷. به‌کارگیری حرف نشانه‌ی در، در کدام گزینه دد، صحیح است. درست است؟ (آموزش و پرورش سال ۸۹)

الف) رونوشت نامه‌ی شما را که به رئیس آموزشگاه نوشته بودید، به دقت خواندیم.

ب) گزارش ارسالی از معاونت آموزشی که درباره‌ی کاهش افت تحصیلی دانش‌آموزان بود را دیدم.

ج) ماکت مدرسه که ساخت آن دیروز تمام شد را دیدم.

د) تمام مطالبی که درباره‌ی این نگارش اداری گردآوری کرده بودید را با خود به مدرسه بردم.

۱۰۸. کدام عبارت نیاز به ویرایش دارد؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

الف) کمیت آثار او زبان‌زد خاص و عام است و از نظر کیفی هم جایگاه والایی دارد.

ب) در عشق هم ایثار است، هم اخلاص؛ به عشق حقیقی روی آرید تا کامیاب شوید.

ج) برای همکاری با این سازمان، تلاش شبانه‌روزی او نتیجه‌بخش بود.

د) کسی به تراوشات ادبی او توجه نداشت و از آن استفاده نمی‌کرد.

۱۰۰. کدام عبارت نیاز به ویرایش دارد؟ (دستیاران ستادی سال ۹۴)

الف) ممکن است بسیاری از واژه‌های گزیده‌شده، نامأنوس باشد.

ب) آن‌چه آینده‌ی زبان فارسی را تهدید می‌کند، از درون است نه از بیرون.

ج) در غرب، داستان‌های کوتاهی که قهرمانان آن‌ها، جانوران هستند را «فابل» می‌نامند.

د) معمولاً قصه‌ها را با این عبارت برای کودکان آغاز می‌کنند: «یکی بود، یکی نبود»

۱۰۱. در کدام عبارت دکزتابی، وجود دارد؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

الف) با خواندن هر متن داستانی، باید به درون‌مایه و محتوای آن بیندیشیم.

ب) دخترک مانند پدرش تصویری از چهره‌ی مادرش کشید.

ج) جوانان نیک‌بخت، اندرز خیرخواهان را می‌پذیرند.

د) ادبیات داستانی، همه‌ی آثار روایی را در برمی‌گیرد.

۱۰۲. کدام عبارت دکزتابی، دارد؟ (قوه قضائیه ۹۶)

الف) آفتاب روشن در پرده نخواهد ماند.

ب) هیچ دورانی از آدم‌های بزرگ خالی نیست.

ج) برترین نیروی آدمی، توانایی شناخت دنیاست.

د) به دوست همسایه‌ام سلام کردم.

۱۰۳. در همه‌ی عبارات زیر، غلط ویرایشی یافت می‌شود، به‌جز گزینه‌ی.... (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر اول سال ۹۴)

الف) سارق را دستگیر کردند و به زندان بردند.

ب) کفشی که برادرم خریده بود را پدرم پسندید.

ج) بسته‌ی سفارشی پدرم را به‌وسیله‌ی پست، برایش فرستادم.

د) گلستان و بوستان، توسط شیخ اجل، سعدی شیرازی نوشته شد.

۱۰۴. کدام عبارت نیاز به ویرایش دارد؟ (وزارت نیرو، سال ۹۶)

الف) حاصل پریشان‌فکری، بی‌گمان، پریشان‌گویی است.

ب) آن‌ها برای پیشبرد اهداف خود، خیلی وقت صرف کرده‌اند.

(ب) آقای... به ریاست هیئت‌مدیره‌ی شرکت... برگزیده شد.
 (ج) آقای احمدی مسئول ثبت نامه‌های وارده بر اداره شد.
 (د) پرونده‌ی مختومه‌ی یک جنایت، بار دیگر در دادگاه مطرح می‌گردد.
 ۱۱۴. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از نظر نگارشی نادرست نیستند.

(الف) پدرم پارسال به زیارت مکه معظمه توفیق یافتند.
 (ب) گزارش‌های معاملات اخیر را به هیئت‌رئیس‌هی شرکت، تقدیم نمودم.
 (ج) هر انسانی باید کارهای لازمه‌ی زندگی خویش را انجام دهد.
 (د) انسان، اندیشه‌ی خود را در مدینه‌ی فاضله‌ی علم به جولان درآورده بود.

علامت‌های نگارشی

نشانه‌های نگارشی، نشانه‌هایی هستند که برای درک بهتر و خوانش رساتر جمله، به کار می‌روند. اکنون به برخی از پرکاربردترین نشانه‌های نگارشی و کاربرد آن‌ها اشاره می‌کنیم.
 ۱. نقطه (.)؛ نشانه‌ی درنگ کامل است.

موارد کاربرد:

(الف) پایان جمله‌های خبری؛ حافظ از شاعران قرن هشتم است.
 (ب) پایان جمله‌های امری، پنجره را ببند.
 (ج) به‌عنوان نشانه‌ی اختصار؛ هجری شمسی (ه ش)، قبل از میلاد (ق. م)

۲. ویرگول (،)؛ نشانه‌ی درنگ کوتاه است و ادامه‌دار.

موارد کاربرد

(الف) پایان جمله‌های ناقص و عبارت‌هایی که از نظر معنا به هم وابسته هستند، ولی درنگ کوتاهی در میان آن‌ها هست.

مثال: آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست، هر کجا هست، سلامت باشد.

(ب) در جمله‌هایی که یک فعل، به چند کلمه نسبت داده می‌شود.

مثال: معلمان، مربیان، استادان و پژوهش‌گران، به‌سوی یک هدف حرکت می‌کنند.

(ج) بعد از منادا هم، گاهی ویرگول به کار می‌رود.

۱۰۹. در متن زیر چند غلط نگارشی وجود دارد؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
 درج، آن است که آدمیت را فراموش نکنیم و برای بقای بشریت بکوشیم و قلباً و دروناً در حقیقت روی آریم و از شیاطین بپرهیزیم،

(الف) دو (ب) یک

(ج) چهار (د) سه

۱۱۰. نوشتن نقش‌نمای اضافه، در کدام گروه واژه‌ها الزامی است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

(الف) اسب‌سواری، شعر شاعر

(ب) لب تشنه، توپ بازی

(ج) قد بلند، حقوق کار

(د) سخن معلم، جناب‌عالی

۱۱۱. در متن زیر چند غلط نگارشی یافت می‌شود؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

بی‌شک و تردید، شما خود در زندگی بارها نیاز برای نوشتن را احساس کرده‌اید. حتی شاید برایتان پیش آمده باشد که به قول معروف، نیاز به درد دل پیدا کرده باشید و شاید از شدت ناراحتی، برعلیه کسی، نامه‌ای محرمانه نوشته باشید.

(الف) سه (ب) چهار

(ج) پنج (د) دو

۱۱۲. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از نظر نگارشی نادرست هستند.

(الف) در دانشگاه‌های ایران اساتید دانشمندی تربیت می‌نمایند.

(ب) انباشتگی کالا، در بنادر ایران، صنعت حمل و نقل را با مشکل روبه‌رو کرده است.

(ج) مخترعین رسانه‌های گروهی، حقی بزرگ بر گردن جامعه‌ی بشریت دارند.

(د) بازرسین وزارت بازرگانی، نرخ کالاهای مصرفی را در فروشگاه‌ها کنترل خواهند کرد.

۱۱۳. همه‌ی گزینه‌ها جز گزینه‌ی... از نظر نگارشی نادرست هستند.

(الف) خانم رئیس‌هی دبیرستان بنت‌الهدی، مدیر بسیار لایقی است.

مثال: ای ایران، ای مرز پرگهر

۳. نقطه - ویرگول (:): نشانه‌ی درنگ متوسط است و در پایان جمله‌های می‌آید که ظاهراً مستقل و کامل هستند؛ اما ارتباط تنگاتنگی با جمله‌هایی پس از خود ارتباط دارند. این‌گونه جمله‌ها معمولاً پیش از «اما، یعنی، مثلاً، بنابراین، زیرا و ولی» می‌آیند.

مثال: هرگز از رحمت خدا ناامید نمی‌شوم؛ زیرا رحمت او همیشگی است.

۴. دو نقطه (:):

موارد کاربرد

(الف) پیش از نقل قول.

مثال: خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: به پدر و مادر خود نیکی کنید.

(ب) هنگام معنی کردن یک واژه.

مثال: آلم: درد و رنج

(ج) هنگام شمردن اجزای یک چیز.

مثال: قالب‌های شعری عبارتند از: قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و...

۵. گیومه یا دو کمانک ("): نشانه‌ی نقل قول مستقیم است. یعنی وقتی مطلبی را عیناً از کسی نقل می‌کنیم، مطلب را داخل گیومه می‌گذاریم.

مثال: او را چنان گفت که: «امروز، ای کدو با تو مرا هنوز نه هنگام داوری است»

این نشانه برای بیان تأکید نیز به کار می‌رود. یعنی نکته‌ی مورد تأکید، اصطلاحات علمی و کلمات و عباراتی که معنا و مفهوم خاصی داشته باشند، داخل گیومه قرار می‌گیرند.

مثال: یکی از اندیشه‌های نظامی گنجوی، جست و جوی «ناکجا آباد» است.

۶. پرانتز یا دو کمان ([]): نشانه‌ی توضیح است. هرگونه توضیح درباره‌ی یک واژه یا عبارت یا جمله، معمولاً در داخل پرانتز قرار می‌گیرد.

مثال: سوره‌ی دوم قرآن (بقره)، بلندترین سوره به‌شمار می‌رود.

۷. قلاب یا کروشه ([]): نشانه‌ی الحاق و افزایش است. یعنی وقتی پژوهش‌گر در ضمن نقل یک متن، بنابه دلایلی کلمه یا کلماتی را در مواردی خاص بر متن می‌افزاید، آن را داخل قلاب می‌گذارد تا مطلب الحاقی از مطلب اصلی، قابل تشخیص باشد.

مثال: دیگر روز، خواجه [احمدحسن میمندی] بیامد و بوسهل [زوزنی] و بونصر [مشکان]، مواضعه پیش او بردند (تاریخ بیهقی).

۸. نشانه‌ی پرسش (?):

موارد کاربرد:

(الف) پایان جمله‌های پرسشی: پرسید از آن چنان: «که که تو چند ساله‌ای؟»

(ب) برای استهزا و تمسخر: او نابغه (?) است.

(ج) برای بیان شک و تردید: او در سال ۶۲۵ هجری قمری (?). وفات یافت.

۹. نشانه‌ی تعجب (!):

موارد کاربرد

(الف) پایان جمله‌های عاطفی و احساسی و تعجبی، عجب هوای دل‌پذیری!

(ب) بعد از شبه‌جمله‌ها: (آفرین، به‌به، آه، آی، آخ، احسنت و...)

مثال: معلم گفت: «به‌به! چه زیبا نوشتی!»

(ج) بعد از منادا: «یارب! مکن از لطف، پریشان ما را»

کلمه نکته: بعد از منادا، هم «ویرگول» و هم «علامت تعجب» می‌تواند قرار بگیرد.

سوالات علامت‌های نگارشی

۱۱۵. پیش از نقل قول، از کدام یک از علائم نگارشی استفاده می‌شود؟ (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سال ۹۳)

(الف) ویرگول (ب) گیومه

(ج) دو نقطه (د) نقطه - ویرگول

۱۱۶. برای جدا کردن جمله‌هایی که از جهت ساختمان و مفهوم، مستقل به‌نظر می‌رسند، ولی در یک عبارت طولانی با یکدیگر وابستگی معنایی دارند، از کدام علامت نگارشی استفاده می‌شود؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر اول سال ۹۴)

(الف) خط فاصله (ب) ویرگول

(ج) نقطه - ویرگول (د) دو نقطه

۱۱۷. هنگام آوردن کلمه یا عبارت یا جمله‌ای برای توضیح بیشتر آن رعایت کدام علامت نگارشی توصیه می‌گردد؟ (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور سال ۹۴)

- الف) کمانک
ب) قلاب
ج) گیومه
د) ممیز

۱۱۸. در ذکر عنوان مقاله‌ها، رساله‌ها، اشعار، روزنامه‌ها، آثار هنری، و بخش‌های مختلف یک کتاب یا نوشته، معمولاً از کدام علامت نگارشی استفاده می‌شود؟ (دستیاران ستادی سال ۹۴)

- الف) گیومه
ب) خط فاصله
ج) ستاره
د) قلاب

۱۱۹. کدام علامت نگارشی، برای نشان دادن اسامی و عناوین و اصطلاحات علمی یا فنی کاربرد دارد؟ (وزارت نیرو، سال ۹۶)

- الف) ستاره
ب) کمانک
ج) قلاب
د) گیومه

۱۲۰. در عبارت زیر، قبل از باشکوه و عظمتی، کدام نشانه را باید گذاشت؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

دغروب ده در کویر باشکوه و عظمتی به یادماندنی فرا می‌رسد.

- الف) نقطه- ویرگول
ب) نقطه
ج) دو نقطه
د) ویرگول

۱۲۱. در عبارت زیر، بعد از دید، کدام علامت نگارشی کاربرد دارد؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

هنگام نگارش باید خوب دید یعنی، دقت داشت و هوشیار بود.

- الف) ویرگول
ب) نقطه- ویرگول
ج) دو نقطه
د) نقطه

۱۲۲. به‌کار بردن نشانه‌ی نقطه (.) در کدام گزینه ده، صحیح است. رست است؟ (آموزش پرورش سال ۸۹)

- الف) وقتی باران بارید، سیل جاری شد.
ب) افسوس که این عمارت ویران شده است.
ج) محل کار شما کجاست.
د) صبح زود در محل کار حاضر شوید.

۱۲۳. برای نشان دادن مفهوم تردید یا استهزاء، کدام علامت نگارشی کاربرد دارد؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

- الف) نقطه- ویرگول؛
ب) تعجب!
ج) دو نقطه؛
د) سوال؟

۱۲۴. کدام عبارت، نیاز به ویرایش دارد؟ (فراگیر هفتم)

الف) هرکه خواری تو را خواهد، خوار شود و هرکه عزیت تو را طلبد، عزیز گردد.

ب) گفت: ای نور دیدگانم، همه خوشی من دیدن موفقیت توست.

ج) تو که در قلب من جای داری، هرگز از وجودم بیرون نخواهی رفت.

د) چون دوری تو برایم سخت و طاقت‌فرساست خواهشاً مرا ترک مکن.

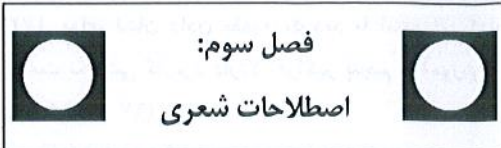
۱۲۵. به کار بردن کدام ترکیب از نظر نگارش درست است؟ (فراگیر هفتم)

- الف) درس گرفتن
ب) آرام گرفتن
ج) کار گرفتن
د) حمام گرفتن

۱۲۶. در بیت زیر چند غلط نگارشی وجود دارد؟ (فراگیر هفتم)

دارج قرآن است که آدمیت را فراموش نکنیم و برای بقای بشریت بکوشیم زبناً و قلباً در حقیقت روی آوریم و از شیاطین بپرهیزیم.

- الف) دو
ب) یک
ج) چهار
د) سه



کله مثال: از آن مرد دانا دهان دوخته است
که بیند که شمع از زبان سوخته است

در بیت بالا، واژه‌های «است» ردیف و «سوخته و دوخته» و «دهان و زبان» واژه‌های قافیه هستند و چون دارای دو قافیه است، این بیت اصطلاحات «ذوقافیتین» می‌باشد.

کله نکته: کلماتی را که عیناً در پایان مصراع‌ها تکرار می‌شوند، در صورتی می‌توان ردیف به حساب آورد که علاوه بر صورت گفتاری و نوشتاری، دارای معنای یکسان نیز باشند.

مثال: گلاب است گویی به جویش روان

همی شاد گردد ز بویش روان

تکرار واژه‌ی «روان» در هر دو مصراع، ردیف به حساب نمی‌آید، چون دارای معنای متفاوت هستند. (روان در مصراع اول جاری و رونده، و در مصراع دوم روح و روان)
پس این کلمات، قافیه به‌شمار می‌روند. از طرفی واژه‌های «جویش» و «بویش» نیز قافیه هستند؛ پس این بیت هم، «ذوقافیتین» محسوب می‌شود.

سوالات ردیف و قافیه

۱۲۷. واژه‌های قافیه در بیت زیر کدام است؟ (قوه قضائیه سال ۹۶)

احوال گل ز خار پیرس و ز من مهرس

نالیدن از هزار پیرس و ز من مهرس،

الف) من پیرس، من پیرس (ب) پیرس، پیرس

ج) خار، هزار (د) ز من پیرس، ز من پیرس

۱۲۸. در کدام بیت ردیف وجود دارد؟

الف) درون دلت شهر بند است راز

نگر تا نبیند در شهر باز

ب) زان یار دنوازم شکری است با شکایت

گر نکته‌دان عشقی، بشنو تو این حکایت

ج) تا چند عمر در هوس و آرزو رود

ای کاش این نفس که برآمد فرو رود

د) آتش است این بانگ نای و نیست باد

هر که این آتش ندارد نیست باد

فصل سوم:

اصطلاحات شعری

ردیف و قافیه

الف) ردیف: واژه یا چند واژه‌هایی که در پایان مصراع‌ها، عیناً تکرار می‌شود.

وجود ردیف در شعر الزامی نیست.

مثال: دوش دیدم که ملائک در میخانه زدند

گل آدم بسرشتند و به پیمانہ زدند

در بیت بالا، واژه‌ی «زدند» در مصراع‌ها اول و دوم، ردیف هستند که عیناً در پایان مصراع تکرار شده‌اند.

کله نکته: گاهی ردیف می‌تواند بیش از یک واژه باشد.

مثال: احوال گل ز خار پیرس و ز من مهرس

نالیدن از هزار پیرس و ز من مهرس

در این بیت، عبارت «پیرس و ز من مهرس» ردیف است که بیش از یک واژه است.

ب) قافیه: واژه‌های هم‌آهنگ که در پایان مصراع‌ها تکرار می‌شوند و دارای مدها و حروف پایانی مشترک هستند.

وجود قافیه در شعر سنتی، الزامی است و این قافیه‌ها هستند که باعث تفاوت قالب‌های شعری می‌شوند.

مثال: سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

تا بگویم شرح درد اشتیاق

در بیت بالا، واژه‌های «فراق» و «اشتیاق» واژه‌های قافیه محسوب می‌شوند که در پایان مصراع‌ها آمده‌اند و حروف پایانی مشترک آن‌ها عبارت است از «اق».

کله نکته: اگر بیتهی دارای ردیف باشد، کلمات قافیه، قبل از ردیف قرار می‌گیرند.

مثال: بشنو از نی چون حکایت می‌کند

از جدایی‌ها شکایت می‌کند

واژه‌ی «می‌کند» ردیف و «حکایت و شکایت» قافیه هستند که قبل از ردیف قرار گرفته‌اند.

کله نکته: گاهی ممکن است یک بیت دارای دو قافیه پشت سرهم باشد که در اصطلاح ادبی، به آن «ذوقافیتین» می‌گویند.

*.....

*.....

۱۲۹. واژه‌های قافیه در بیت زیر کدام‌اند؟ (فراگیر ششم

(۹۷)

کهنه‌نکته: تعداد ابیات قصیده معمولاً ۱۲ تا ۶۰ بیت است. البته، به‌ندرت شعری هم پیدا می‌شود که تا ۳۰۰ بیت هم داشته باشد.

ساختمان قصیده

(الف) به چند بیت آغازین قصیده، «تشبیب» یا «تغزل» می‌گویند. این مقدمه، در مدح معشوق و توصیف زیبایی‌های طبیعت و وصف مجلس بزم و از این قبیل است که ممدوح به شنیدن شعر و دنبال کردن آن، رغبت پیدا کند.

(ب) «تخلص» که به معنی «رهايي» از «تغزل» است و در یک یا دو بیت، مقدمه‌ی شعر (تغزل) به قسمت اصلی یا تنه‌ی اصلی قصیده، یعنی مدح، می‌پیوندد.

کهنه‌نکته: تخلص یکی از (اجزای قصیده) با تخلص (نام شعری شاعر که در بیت پایان غزل یا قصیده می‌آید) تفاوت دارد.

(ج) تنه‌ی اصلی (قسمت اصلی قصیده) که مدح است. شاعر در این قسمت به مدح ممدوح می‌پردازد.

(د) پایان شعر یا «شرطیه و دعا» که شاعر در آن ممدوح را دعا می‌کند و معمولاً برای او عمر ابدی می‌خواهد و این دعا را به‌صورت شرطی بیان می‌کند.

مثال: تا زمانی که خورشید در آسمان می‌تابد، ممدوح در جهان زندگی کند.

بزرگ‌ترین شاعران قصیده‌سرا عبارتند از: «رودکی، عنصری،

معزی، منوچهری دامغانی، ناصرخسرو و کسایی مروزی»

۲. غزل: این قالب شعری، در قرن ششم که در ارکان قصیده، خللی وارد شده بود، شکل گرفت و در قرن هفتم، قصیده را به عقب راند و خود، قالب رایج شعر فارسی گردید.

منشأ غزل را «تغزل» قصیده می‌دانند. به این معنا که «تغزل» قصیده، به‌طور جداگانه در شکل قالب «غزل» به‌کار می‌رود.

موضوعات اصلی غزل: بیان احساسات و عواطف و ذکر جمال معشوق و شکایت از روزگار است.

دبا من بگو تا کیستی؟ مهری بگو ماهی بگو

خوابی خیالی چیستی؟ اشکی بگو آهی بگو،

(الف) بگو - بگو (ب) مهری - اشکی

(ج) ماهی - آهی (د) آهی - آهی

فصل چهارم:

قالب‌های شعری

آنچه قالب‌های شعری را از یکدیگر متمایز می‌کند، شکل قرار گرفتن قافیه، تعداد ابیات و مفهوم و موضوع شعر است. تعداد قالب‌های شعر فارسی، بسیار است که رایج‌ترین آن‌ها عبارتند از: «غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، دوبیتی، رباعی و چهارپاره» قالب‌هایی نظیر مسمط و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند نیز، دیگر قالب‌های شعری هستند.

۱. قصیده: «قصیده» یعنی «قصه کرده‌شده» و «مقصود خاص»: یعنی شعری که در آن قصه خاصی باشد و آن قصه، در اصل، مدح است.

قصیده، قالب رایج و مسلط شعر فارسی، از آغاز (اوایل قرن چهارم) تا پایان قرن ششم است. اما اوج آن، سرتاسر قرن پنجم و نیمه‌ی اول قرن ششم بوده است، این نوع شعر، به تقلید از شعر عرب پدید آمده است.

موضوعاتی نظیر «مدح ممدوح، وصف طبیعت، توصیف خمر و گاهی پند و اندرز» در قالب قصیده می‌گنجند.

نحوه‌ی قرار گرفتن کلمات قافیه در قصیده به این شکل است که در بیت اول شعر، هر دو مصراع، قافیه دارند و بیت‌های بعدی، فقط در مصراع‌های زوج (دوم)، کلمات قافیه قرار گرفته‌اند که این قافیه‌ها، با واژه‌های قافیه‌ی بیت‌های قبل، هماهنگ هستند.

شکل هندسی

.....

.....

د) طرح مطالب تعلیمی و اخلاقی، مثل «بوستان» سعدی.

ک نکته: این قالب شعری، مخصوص شعر فارسی است و در ادبیات عرب، رواج چندانی ندارد.

۴. رباعی: این قالب شعری به معنی چهارتایی است؛ زیرا شعری است که از چهار مصراع تشکیل شده که مصراع‌های اول، دوم و چهار هم‌قافیه هستند.

به این شکل:

.....

.....

البته گاهی، مصراع سوم نیز، با سایر مصراع‌ها هم‌قافیه می‌شود.

رباعی، بر وزن «لا حول و لا قوة الا بالله» یعنی «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلن فع» است.

سه مصراع اول رباعی، مقدمه است و نتیجه‌ی کلام، در مصراع چهارم گفته می‌شود.

شاعرانی هم‌چون «خیام نیشابوری، عطا و مولانا» رباعی سروده‌اند.

موضوعاتی که در قالب رباعی می‌گنجد، عبارتند از: «نکات فلسفی، حکمی، صوفیانه و گاهی عاشقانه»

۵. دو بیتی: «دوبیتی» یا ترانه هم مانند رباعی است؛ با این تفاوت که وزن آن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است.

دوبیتی‌های اصیل به لهجه‌های محلی (فهلوی) است و از این‌رو به آن‌ها «فهلویات» نیز گفته می‌شود. دو بیتی‌های «باباطاهر» و «فائز دشتستانی» معروف است. سراینده‌ی بسیاری از دوبیتی‌ها که معمولاً روستاییان و شبانان بوده‌اند، معلوم نیست.

۶. قطعه: نوعی شعر است که فقط مصراع‌های سمت چپ (مصراع‌های زوج) با هم، هم‌قافیه هستند. (مصراع اول آن قافیه ندارد) نام‌گذاری «قطعه» بدین سبب است که گویی پاره‌ای از میان یک قصیده است. قطعه، بیشتر در بیان مطالب اخلاقی، تعلیمی، مناظره و شکایت و تقاضا به‌کار می‌رود.

از قطعه‌سرایان سنتی می‌توان «انوری» و «ابن یمین» و از قطعه‌سرایان جدید، «پروین اعتصامی» را نام برد.

شکل هندسی:

.....

.....

با ظهور سنایی در قرن ششم، «غزل» وارد شعر فارسی می‌شود و «غزل عارفانه» با مولانا، «غزل عاشقانه» با سعدی و «غزل تلفیقی از عشق و عرفان» با حافظ اوج می‌گیرد.

تعداد ابیات غزل معمولاً ۵ تا ۱۲ بیت است.

در بیت اول آن، هر دو مصراع قافیه دارند، و بیت‌های بعدی، فقط مصراع‌های زوج (دوم) دارای قافیه هستند و نکته‌ی مهم این‌که شکل قافیه‌ی بیت‌ها، یکسان است.

شکل هندسی:

.....

.....

.....

.....

تفاوت غزل با قصیده: این دو نوع شعر، در تعداد ابیات و موضوع شعر، با هم تفاوت دارند.

۳. مثنوی: «مثنوی» به معنی «دوتایی» است. زیرا در هر بیت، دو قافیه‌ی مستقل آمده است. یعنی در هر بیت، هر دو مصراع قافیه دارند و این قافیه‌ها، با بیت‌های بعدی فرق می‌کنند.

به این شکل:

.....

+.....+

x.....x

.....

از آن‌جا که قالب مثنوی، به لحاظ قافیه، محدودیت‌های سایر قالب‌ها را ندارد، مناسب اشعار طولانی و موضوعات طولانی است و در داستان‌سرایی‌ها از آن استفاده می‌شود. از این‌رو، «مثنوی»، هم قالب حماسه و هم داستان‌های غنایی و عاشقانه‌ی بلند، نظیر «لیلی و مجنون» است و نیز مناسب آموزه‌های عرفانی صوفیه مانند «منطق‌الطیر» عطار.

مثنوی را می‌توان در موضوعات زیر دسته‌بندی کرد:

الف) داستان‌های حماسی و تاریخی، مثل «شاهنامه فردوسی» و «گرشاسب‌نامه» اسدی توسی.

ب) داستان‌های عاشقانه یا صوفیانه، مثل «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» نظامی.

ج) طرح آموزه‌های عرفانی، مثل «حدیقه‌الحدیقه» سنایی، «منطق‌الطیر» عطار و «مثنوی» مولانا.

ج) وجه شبه: ویژگی مشترک یا وجه شباهت میان مشبه و مشبه‌به.

د) ادات تشبیه: واژه‌ای که همانندی میان دو چیز به کمک آن‌ها صورت می‌پذیرد.

مثال: به خوبی، باغ، چون خلد برین بود.

در مصراع بالا: «باغ» مشبه، «چون» ادات تشبیه، «خلد برین» مشبه‌به، و «خوبی» وجه شبه است. یعنی باغ مثل خلد برین (بهشت)، زیبا بود.

ادات تشبیه عبارتند از: مثل، مانند، همچون، برسان، به‌سان، به کردار و...

به‌طور کلی هر واژه‌ای که در معنای «مثل و مانند» باشد، ادات تشبیه است.

مثال: دسر از تن بکندش به کردار شیر،

«به کردار» در معنای «مثل» ادات تشبیه است.

کلمه نکته: ممکن است ارکان تشبیه، جابه‌جا شوند. به‌عنوان مثال، «مشبه» آخرین رکن قرار بگیرد؛ اما همیشه بعد از ادات تشبیه، «مشبه‌به» می‌آید.

مثال: چون زلف درازش، غم هجرانش، دراز است.

در مصراع فوق، «چون» ادات تشبیه، «زلف دراز» مشبه‌به، «غم هجرانش» مشبه و «دراز» وجه شبه است.

کلمه نکته: گاهی ممکن است «ادات تشبیه» یا «وجه شبه» محذوف باشند.

مثال: ای دشمن، از تو سنگ خارهای، من آنهم.

در شعر بالا، ادات تشبیه محذوف است.

(اگر تو مثل سنگ خاره هستی، من مثل آهن هستم)

مثال: عقل مانند رئیس در ری است.

در مثال بالا، «عقل» مشبه، «مانند» ادات تشبیه، و «رئیس» در ری «مشبه‌به» است. در این شعر وجه شبه محذوف است.

تشبیه بلیغ

تشبیه‌ی که در آن فقط «مشبه» و «مشبه‌به» ذکر شود، تشبیه بلیغ نام دارد.

تشبیه بلیغ بر دو نوع است: تشبیه بلیغ اسنادی، تشبیه بلیغ اضافی.

تشبیه بلیغ اسنادی: مشبه + مشبه‌به + فعل اسنادی

..... *

..... *

..... *

۷. چهارپاره: این نوع شعر، هم‌زمان با رواج شعر نو به‌وجود آمد و از بندهای دوبیتی ایجاد شده است و در هر دوبیتی، فقط مصراع‌های دوم و چهارم هم‌قافیه هستند.

اولین چهارپاره را «جعفر خامنه‌ای تبریزی» سرود و بعدها «بهار، حبیب یغمایی و حمیدی شیرازی» از او تقلید کردند.

شکل هندسی:

..... *

..... *

+.....

+.....

X.....

X.....

فصل پنجم:

آرایه‌های ادبی

«آرایه‌های ادبی» برای زیباتر کردن کلام به‌کار می‌روند که هم در شعر و هم در نثر کاربرد دارند که خود به دو دسته‌ی آرایه‌های «معنوی» و «لفظی» تقسیم می‌شوند.

آرایه‌های معنوی عبارتند از: تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، حسن تعلیل، اسلوب معادله، تلمیح، ایهام، ایهام تناسب، تضاد و مراعات نظیر و پارادوکس و لف و نشر.

آرایه‌های لفظی عبارتند از: واج‌آرایی، جناس، سجع و تکرار.

۱. تشبیه

«تشبیه» عبارت است از ادعای همانندی میان دو چیز به شرطی که این ادعا، مبتنی بر تخیل باشد. (من و تو مثل دو تا رود موازی بودیم).

ارکان تشبیه

هر تشبیه چهار پایه یا رکن دارد:

الف) مشبه: چیزی که به چیز دیگر تشبیه شود.

ب) مشبه‌به: چیزی که چیز دیگر به آن تشبیه شده است.

«چنگال» ندارد. در واقع شاعر به جای این که بگوید: «مرگ، مانند گرگ است» فقط «مشبه» یعنی «مرگ» را ذکر کرده و «مشبه‌به» را، خواننده از طریق واژه‌های که ذهن را متوجه معنای استعاری می‌سازد، (چنگال) درمی‌یابد.

تشخیص، شخصیت‌بخشی یا جان‌بخشی

اگر شاعر یا نویسنده، به چیزی که انسان نیست، ویژگی انسانی ببخشد و آن چیز را به انسان تشبیه کند، آرایه‌ی «تشخیص» ایجاد شده است.

مثال: نه دست هوس رسید و نه پای امید

در این مثال، شاعر برای «هوس»، «دست» قائل شده و برای «امید»، «پا» در واقع «هوس» و «امید» را انسانی فرض کرده که دست و پا دارند.

نکته: «تشخیص» همیشه استعاره است از نوع استعاره مکنیه.

به عبارت دیگر، هر تشخیص، استعاره‌ی مکنیه است؛ اما هر استعاره‌ی مکنیه‌ای، تشخیص نیست.

مثال: زمانه بسی پندت دادت ولیکن

تو در می نیابی زبان زمانه،
در مثال بالا، در مصراع اول شاعر «زمانه» را انسانی فرض کرده که به تو «پند» داده است.

در واقع این چنین بوده که: «زمانه مانند یک انسان، به تو پند داده است» که از میان ارکان این تشبیه، فقط «زمانه»، (مشبه) باقی مانده است و «مشبه‌به» آن (انسان) را خواننده باید از طریق «پند داد» دریابد.

می‌توان گفت که «مشبه‌به» هر تشخیصی، «انسان» است. **نکته:** هر واژه‌ای به جز «خداوند» و «انسان»، مورد خطاب گیرند، آرایه‌ی «تشخیص» ایجاد می‌شود. زیرا شاعر، آن چیز را به انسانی تشبیه کرده که می‌توان با او سخن گفت.

مثال: امشب ای ماه به درددل من تسکینی

در این مثال: شاعر «ماه» را به انسانی تشبیه کرده که می‌توان با او سخن گفت و درددل کرد.

۳. مجاز

«مجاز» در حقیقت و در لغت، به معنای «غیرحقیقت» است و هر واژه‌ای که در معنای غیرحقیقی به کار رود، «مجاز» است.

مثال: دلش دریاست (دل، مشبه؛ دریا، مشبه‌به)

تشبیه بلیغ اضافی: طبق دو الگو ساخته می‌شود:

الف) مشبه + + مشبه‌به

ب) مشبه‌به + + مشبه

یعنی «مشبه» به «مشبه‌به» اضافه می‌شود یا بالعکس. ولی صورت دوم (مشبه‌به + + مشبه) رایج‌تر است.

مثال: قد سرو و قد: مشبه، سر: مشبه‌به)

ادات تشبیه (مثل) و وجه شبه (بلندی) محذوف است.

مثال دیگر: لعل لب (لعل: مشبه‌به، لب: مشبه)

ادات تشبیه (مثل) و وجه شبه (سرخی) محذوف است.

نکته: گاهی «مشبه» به صورت کوتاه‌شده‌ی فعل اسنادی به کار می‌رود.

مثال: مثل افسانه‌ی مهتاب و پلنگیم انگار

(مثل: ادات تشبیه، افسانه‌ی مهتاب و پلنگ: مشبه‌به، یم: مشبه (ما))

۲. استعاره

«استعاره» همان تشبیه است؛ البته تشبیه‌ی که تمامی پایه‌های آن حذف شده باشد و فقط یک رکن باقی بماند (یا مشبه و یا مشبه‌به)

انواع استعاره

۱. استعاره‌ی مصرحه، ۲. استعاره‌ی مکنیه

الف) استعاره‌ی مصرحه: استعاره‌ای است که از میان تمامی ارکان تشبیه، فقط «مشبه‌به» باقی مانده است.

مثال: دبه عشوه، گوشه‌ی بادام بشکست،

در مثال بالا: می‌توان فهمید که «بادام شکستن»، عشوه نیاز ندارد؛ پس منظور از «بادام» چیز دیگری است و آن «چشم» است. در واقع شاعر «چشم معشوق» را به «بادام» تشبیه کرده و از میان تمامی ارکان تشبیه (چشم معشوق، مانند بادام، کشیده است) فقط «مشبه‌به» آن ذکر شده و «مشبه» را باید خود خواننده دریابد.

ب) استعاره‌ی مکنیه: استعاره‌ای است که از میان تمامی ارکان تشبیه، فقط «مشبه» ذکر شده است.

مثال: چنگال مرگ، دامن گیرد،

در مثال بالا، از طریق واژه‌ی «چنگال» می‌توان فهمید که «مرگ» در معنای واقعی به کار نرفته است. زیرا «مرگ»،

مثال: دیدی که خون ناحق پروانه، شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند.

در مثال فوق، واژه‌ی «خون» در معنای «کشتن» به کار رفته است و چون «خون» و «کشتن» با هم همراه هستند، مجاز به علاقته‌ی لازمیه ایجاد شده است. (و مجاز به علاقته‌ی آلیه (ابزار) شاعر یا نویسنده، ابزاری را ذکر می‌کند و عمل مربوط به آن ابزار را در نظر دارد.

مثال: دهخدا قلم خوبی داشت.

در این مثال، منظور از قلم «نویسندگی» است و چون نویسنده ابزار (قلم) را ذکر کرده و «نویسندگی» را اراده کرده، مجازی است به علاقته‌ی آلیه (قلم، ابزاری است برای نویسندگی).

۴. کنایه

در لغت به معنای «پوشیده سخن گفتن» است و در اصطلاح ادبی، عبارتی است که دارای یک معنای نزدیک و یک معنای دور باشد؛ ولی شاعر یا گوینده، معنای دور را مدنظر داشته باشد.

مثال: آب در هاون کوبیدن.

معنای نزدیک: آب را داخل هاون کوبیدن

معنای دور: کار بیهوده انجام دادن (چون کوبیدن آب در هاون، هیچ نتیجه‌ی مفیدی ندارد).

مثال دیگر، در خانه‌ی فلانی همیشه باز است.

معنای نزدیک: در خانه‌ی فلانی، هیچ قفل و بندی ندارد و همیشه باز است.

معنای دور: فلانی مهمان‌نواز است (همیشه در خانه‌ی او رفت و آمد هست).

۵. تکرار

آرایه‌ای است که در یک بیت یا مصراع، واژه‌ای عیناً تکرار شود.

مثال: قیامت است قیامت، شبی که بی تو نشستم.

در این مثال، واژه‌ی «قیامت»، به جهت تأکید، تکرار شده است.

۶. واج‌آرایی یا نغمه‌ی حروف

تکرار یک واج است (صامت یا مصوت)، به نحوی که تکرار آن احساس شود.

مثالی از تکرار صامت‌ها:

«منم آن نیازمندی که به تو نیاز دارم

غم چون تو نازنینی به هزار ناز دارم»

مثال: دو عالم از تو حیران مانده امروز

در مثال بالا: «دو عالم» نمی‌تواند حیران بماند. بلکه «مردم دو عالم» می‌توانند حیران بمانند.

انواع مجاز

الف) مجاز به علاقته‌ی کلیه: یعنی شاعر یا نویسنده، کل چیزی را که ذکر می‌کند؛ ولی مقصودش، کل آن چیز نبوده است.

مثال: از فکر، سرم سپید کردی.

در این مثال، «سر» مجاز از «سوی سر»، به علاقته‌ی «کلیه» است زیرا کل (سر) را ذکر کرده و جزء (موی سر) را اراده کرده است.

ب) مجاز به علاقته‌ی جزئیه یعنی شاعر یا نویسنده جزء را می‌گوید و معنای کل را در نظر می‌گیرد.

مثال: شبی به یاد دارم که چشمم نخفت.

در این مثال، «چشم» مجاز از «کل وجود» است، به علاقته‌ی جزئیه؛ یعنی شاعر، جزئی از یک انسان (چشم) را ذکر کرده ولی منظور او «کل انسان» بوده است.

ج) مجاز به علاقته‌ی محلیه: یعنی شاعر محل را ذکر می‌کند ولی مقصود او محتوای آن محل است.

مثال: تویی که عاشق عهد بقای توست، جهان.

در مثال بالا، واژه‌ی «جهان» مجاز از «مردم جهان» به علاقته‌ی محلیه است. زیرا «جهان» نمی‌تواند عاشق چیزی باشد. شاعر، «محل» (جهان) را ذکر کرده و «مردم جهان» را اراده کرده است. د) مجاز به علاقته‌ی سببیه: یعنی شاعر یا نویسنده، علت و معلول را به جای یکدیگر به کار می‌برد.

مثال: گریزان و از خویشتن گشته سیر.

در مثال بالا، «سیر» در معنای مجازی «دل‌زده» به کار رفته است. زیرا هیچ‌کس از خودش سیر یا گرسنه نمی‌شود. و چون علت (سیری) را ذکر کرده و معلول (دل‌زدگی) را اراده کرده، مجاز به علاقته‌ی سببیه ایجاد شده است. (سیری، سبب دل‌زدگی است)

مثال دیگر، شیر ندارد دل و بازوی ما در این مصراع، «بازو» مجاز است به علاقته‌ی سببیه، در معنای «قدرت» (شیر، دل و قدرت ما را ندارد)؛ یعنی «بازو» سبب «قدرت» است.

هـ) مجاز به علاقته‌ی لازمیه: به کار بردن لازم و ملزوم به جای یکدیگر. «لازم بودن» به معنای «همراه بودن» است.

در این مثال، واژه‌های «سگ» و «سنگ» نسبت به هم، جناس ناقص افزایشی دارند.

۸. سجع

همان قافیه است در آخر جمله‌های نثر؛ یعنی کلمات هم‌آهنگی که در پایان جمله‌های نثر می‌آید.

مثال: گفתי خردی مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا در تاکش آویخته.

در این مثال، واژه‌های «ریخته» و «آویخته» دارای آرایه‌های ادبی «سجع» هستند.

به نثری که دارای آرایه‌ی «سجع» باشد، نثر «مسجع» می‌گویند.

«مناجات‌نامه» خواجه عبدالله انصاری و «گلستان» سعدی از نمونه‌های اعلای نثر مسجع هستند.

۹. مراعات نظیر یا تناسب

آوردن واژه‌هایی که از نظر معنی با هم تناسب داشته باشند.

مثال: شیر و گرگ و روبهی بهر شکار

رفته بودند از طلب در کوهسار،

در این مثال، واژه‌های «شیر، گرگ و روباه» از نظر معنی با هم تناسب دارند و ذکر آنها با یکدیگر، آرایه‌ی «مراعات نظیر» را ایجاد کرده است.

۱۰. تضاد

آوردن واژه‌هایی که از لحاظ معنا با یکدیگر در تضاد هستند.

مثال: در نو میدی بسی امید است

پایان شب سیه، سپید است،

در این مثال، بین واژه‌های «نومیدی و امید» و «سیه و سپید» آرایه‌ی ادبی «تضاد» برقرار است.

۱۱. تلمیح

در لغت به معنای «با گوشه‌ی چشم اشاره کردن»، «چشم برهم زدن» است و در اصطلاح ادبی، آن است که شاعر یا نویسنده، به داستان، مثل، آیه، حدیث یا شعری اشاره کند.

مثال: دیار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد

آن که یوسف به زر ناسره بفروخته بود،

این بیت، اشاره دارد به داستان مشهور حضرت یوسف که برادرانش او را فروختند.

در بیت بالا، صامت «ز» برجسته است و بعد از آن تکرار «م» و «ن».

مثال دیگر:

خیال خال تو با خود به خاک خواهیم برد

که تا ز خال تو خاکم شود عبیرآمیز»

(تکرار صامت «خ»)

مثالی از تکرار مصوت‌ها:

«بوی جوی مولیان آید همی» (تکرار مصوت «و»)

«ز باغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید

کلید باغ ما را ده که فردامان به کار آید»

۷. جناس

این نوع از آرایه، بر دو گونه است. جناس تام، جناس ناقص (الف) جناس تام: واژه‌هایی که صورت گفتاری و نوشتاری آن‌ها، یکسان است، اما در معنا متفاوت هستند.

مثال: برادر که در بند خویش است، نه برادر نه خویش است،

در این مثال، «خویش» اول، در معنی ضمیر «خود» و «خویش» دوم در معنای «قوم و خویش»، «خویشاوند» است.

ب) جناس ناقص که خود دو گونه است: جناس ناقص اختلافی، جناس ناقص افزایشی

۱) جناس ناقص اختلافی: آن است که دو واژه در شعر یا جمله به کار روند و تعداد حروف آن دو واژه با هم برابر باشند؛ اما فقط در یک واج (حرف) با هم تفاوت داشته باشند.

مثال: به شبگیر گاه خروش خروس

ز هر سو همی خاست آوای کوس،

در این مثال، واژه‌های «خروش» و «خروس» جناس ناقص اختلافی دارند. زیرا فقط در دو حرف «ش» و «س» با هم تفاوت دارند.

نوعی دیگر از جناس اختلافی هم وجود دارد و آن «جناس ناقص حرکتی» است؛ بدین معنی که دو واژه، فقط در یکی از مصوت‌های کوتاه (ـَ ـِ ـُ) با هم تفاوت داشته باشند.

مثال: مهر و مَهر، بَحسْت و بَچسْت.

۲) جناس ناقص افزایشی: جناسی است که دو واژه، یکی نسبت به دیگری یک واج (صامت یا مصوت بلند)، بیشتر داشته باشد. مثال: «چه حرام‌زاده مردمانند، سگ را گشوده و سنگ را بسته».

مثال دیگر: دپرویز به هر خوانی زرین تره آوردی

زرین تره کو بر خوان؟ رو دکم ترکوا، برخوان

«کم ترکوا» اشاره دارد به آیهی شریفه «کم ترکوا من جنات و

عیون و زروع و مقام کریم» سوره دخان، آیه ۲۵

۱۲. لف و نشر

آن است که نخست چند چیز را با هم ذکر کنند و بعد، وابسته‌های مربوط به آن را بیاورند.

مثال: زلف و روی تو در اسلام، صلیب و صنم‌اند،

در این شعر، «زلف» به «صلیب» و «روی» به «صنم» تشبیه شده است. به عبارتی دیگر، شاعر باید می‌گفت: زلف تو صلیب و روی تو صنم است» ولی میان آن‌ها فاصله انداخته است.

مثال: «پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت

افروختن و سوختن و جامه دریدن»

(پروانه، سوختن راه، شمع، افروختن راه و گل جامه دریدن را

از من آموخت)

۱۳. متناقض‌نما، تناقص، پارادوکس

جمع کردن دو امر متضاد با هم در یک چیز، به‌گونه‌ای که عقل نتواند آن را بپذیرد.

مثال: از تهی سرشار، جویبار لحظه‌ها

در این مثال، از تهی، سرشار بودن (از خالی پر بودن)، پارادوکس دارد. زیرا «تهی» و «سرشار» با هم متضاد هستند که در این شعر با هم، در یک‌جا به‌کار رفته‌اند.

مثال دیگر، «آن دست‌های ستم‌کار معصوم»

در این مثال، «ستم‌کار» و «معصوم» دو مفهوم متضاد هستند؛ ولی چون در یک‌چیز جمع شده‌اند، آرایه‌ی پارادوکس ایجاد شده است (دستی که در عین ستم‌کار بودن، معصوم نیز هست).

۱۴. مبالغه (اغراق)

زیاده‌روی در توصیف کسی یا چیزی است.

مثال: دواز ای که در غم تو ما را

چشمی و هزار چشمه آب است،

در این مثال، شاعر در میزان اشک، از دوری معشوق زیاده‌روی کرده است. (از چشم ما، به اندازه‌ی هزار چشمه، اشک می‌بارد).

مثال دیگر، شود کوه آهن چو دریای آب

اگر بشنود نام افراسیاب

در این مثال، شاعر در بزرگی و هیبت نام افراسیاب، مبالغه کرده است؛ به نحوی که حتی اگر کوهی از آهن هم نام افراسیاب را بشنود، از ترس آب می‌شود.

نکته: مبالغه یا اغراق، از آرایه‌های مهم «حماسه»، هم‌چون «شاهنامه» فردوسی است.

۱۵. ایهام

سخنی که دارای دو معنا باشد: معنای دور که معنای اصلی است و دیگری، معنای نزدیک.

مثال: دور از تو مرا چهره‌ی زردی است.

عبارت «دور از تو» ایهام دارد: ۱. به‌خاطر دوری تو، ۲. از جان تو دور باشد (دعایی).

مثال دیگر: دآن آب که دوش تا کمر بود

امشب بگذشت خواهد از دوش،

مصراع دوم، محتمل بر دو معناست:

۱. امشب از دوش (دیشب) هم بیشتر خواهد شد.

۲. امشب از دوش (شانه) بالاتر می‌رود.

۱۶. ایهام تناسب

آرایه‌ای است که یک واژه، دارای دو معناست و یکی از آن‌ها، با واژه‌های دیگر در بیت، تناسب معنایی دارد و منظور شاعر از واژه‌ای که ایهام دارد، واژه‌ای است که با واژه‌های دیگر تناسب معنایی ندارد.

مثال: دچنان سایه گسترده بر عالمی

که زالی نیندیشد از رستمی،

در این بیت، واژه‌ی «زال» ایهام دارد:

۱. زال، پدر رستم، ۲. زال، به معنی پیر.

که معنی اول با واژه‌ی «رستم» در مصراع دوم، تناسب معنایی دارد. پس معنای موردنظر شاعر، «زال» به معنی «پیر» است.

۱۷. حسن تعلیل

آوردن دلیل شاعرانه و خیال‌انگیز برای امری که دلیل واقعی دارد.

مثال: دچوب را آب فرو می‌نبرد، حکمت چیست؟

شرمش آید ز فرو بردن پرورده‌ی خویش،

در این شعر، شاعر می‌گوید که «آب، چوب را فرو نمی‌برد» که این امر، یک علت واقعی و علمی دارد؛ ولی شاعر، یک دلیل

۱۳۱. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

دکاکل مشک‌فشان بر مه شب‌پوش مهوش

سنبل غالیه‌سا بر گل خود روی مسا،

الف) تشبیه، حسن تعلیل (ب) استعاره، واج‌آرایی

ج) جناس، تلمیح (د) مجاز، حسن تعلیل

۱۳۲. در کدام بیت آرایه‌های، تشبیه، تلمیح و جناس تام،

یافت می‌شود؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال

۹۶)

الف) کنون که می‌دمد از بوستان نسیم بهشت

من و شراب فرح‌بخش و یار خورس‌رشت

ب) نه من از پرده‌ی تقوا به در افتادم و بس

یدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

ج) عالم بهشت گشته، عنبرس‌رشت گشته

کاشانه زشت گشته، صحرا چو روی حورا

د) قیامت کسی بینی اندر بهشت

که معنی طلب کرد و دعوی بهشت

۱۳۳. بیت زیر فاقد کدام آرایه‌ی ادبی است؟ (دستگاه‌های

اجرای، فراگیر سوم سال ۹۵)

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی،

الف) تشبیه (ب) کنایه

ج) استعاره (د) ایهام

۱۳۴. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

داز این شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم،

که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد،

الف) حس‌آمیزی، واج‌آرایی، جناس

ب) ایهام، کنایه، مجاز

ج) کنایه، حس‌آمیزی، ایهام

د) واج‌آرایی، اسلوب معادله، جناس

۱۳۵. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟ (فراگیر چهارم و آموزش

و پرورش سال ۹۶)

بار هجران، تن چون پاره‌ی کوهی خواهد

من تن و بال تنک چون پر کاهی دارم،

الف) کنایه، تشبیه، تضمین (ب) تشبیه، جناس، تضاد

ج) کنایه، تضاد، تلمیح (د) تلمیح، تشبیه، جناس

غیرواقعی و تخیلی ذکر می‌کند و آن این است: «آب، چوب را در خود فرو نمی‌برد، زیرا از فرو بردن پرورده‌ی خویش، شرم دارد».

۱.۸ اسلوب معادله

«معادله» به معنی «برابری» است. به این معنی که دو مصراع از نظر معنا و مفهوم، یا هم برابر هستند؛ یعنی شاعر، در یک مصراع، یک مفهوم کلی را ذکر می‌کند و در مصراع دیگر، برای آن مفهوم کلی، مثالی می‌زند.

مثال: «بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود

پسته‌ی بی‌مغز، چون لب واکنند، رسوا شود،

مصراع دوم این بیت، مثالی برای مصراع اول است.

در واقع می‌توان بین دو مصراع، علامت تساوی (=) یا عبارت

«همان‌گونه که» قرار داد.

مثال دیگر: «عیب پاکان زود بر مردم هویدا می‌شود،

موی اندر شیر خالص، زود پیدا می‌شود،

۱.۹ حس‌آمیزی

به معنی آمیختن دو یا چند حس با یکدیگر، همان‌گونه که می‌دانیم، حواس ظاهری انسان عبارتند از: «بینایی، شنوایی، چشایی، لامسه و بویایی»

هرگاه در یک عبارت دو حس با یکدیگر آمیخته شوند، آرایه‌ی «حس‌آمیزی» شکل می‌گیرد.

مثال: «بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم،

در این بیت، برای «بو» فعل «می‌شنوم» آمده است. در حالی که «بو» مربوط به حس «بویایی» است ولی با حس «شنوایی» آمیخته شده است.

مثال دیگر: سکوتِ سرد

«سکوت» را حس شنوایی درک می‌کند و «سرد بودن» را حس «لامسه»، که نویسنده این دو حس را با هم آمیخته است.

سوالات بخش آرایه‌های ادبی

۱۳۰. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟ (آموزش و پرورش سال

۹۴)

یک عمر هم‌چو غنچه در این بوستان‌سرا

خون خورده‌ایم تا گره از دل گشاده‌ایم،

الف) تشبیه، استعاره

ب) تشبیه، تلمیح

ج) کنایه، ایهام

د) استعاره، تلمیح

۱۳۶. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر دوم سال ۹۴)
 ای حلقه زده افعی مشکین تو بر دوش
 وی خنده زده شکر شیرین تو بر نوش،
 الف) استعاره، جناس (ب) ایهام، مراعات نظیر
 ج) تشبیه، حسن تعلیل (د) مجاز، حسن تعلیل
۱۳۷. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)
 آن کس که به دینار و درم خیر نیندوخت
 سر، عاقبت اندر سر دینار و درم کرد،
 الف) جناس تام، مجاز (ب) کنایه، تشبیه
 ج) تشبیه، استعاره (د) تلمیح، کنایه
۱۳۸. آرایه‌های بیت زیر کدامند؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
 دخت وجود مرا خرد کن ای غم چو گرد
 تا بکنم هم چو گرد، گرد سوارم طواف،
 الف) تشبیه، حسن تعلیل، تشخیص، جناس
 ب) تشبیه، جناس، کنایه، تشخیص
 ج) کنایه، مجاز، حسن تعلیل، استعاره
 د) استعاره، تشبیه، تلمیح، مجاز
۱۳۹. چه صفت بدیعی در بیت زیر به کار رفته است؟
 ای خرد در راه تو طفلی به شیر
 گم شده در جستجوی عقل پیر،
 الف) تشبیه (ب) کنایه
 ج) استعاره (د) ایهام
۱۴۰. مفهوم کنایی کلاه از سر کودک عقل می‌افتد، چیست؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)
 الف) حسرت خوردن عقل
 ب) تحیر و سرگشتگی خرد
 ج) بازماندن خردسال از تقل
 د) بر حذر بودن خردمند از کودک
۱۴۱. در عبارت «بوسهل را صفرآ بجنبید و بانگ برداشت، صفرآ جنبیدن، کنایه از چیست؟ (آموزش و پرورش سال ۸۹)
 الف) برخاستن (ب) تکان خوردن
 ج) خشمگین شدن (د) برهم خوردن مزاج
۱۴۲. در بیت زیر، معنای کنایی دست به دندان گزیدن، چیست؟ (دیوان محاسبات سال ۹۴)
 دحذر کن ز آن چه دشمن گوید آن کن
 که بر دندان گزی دست تغابن،
 الف) اقدام نکردن (ب) پشیمان شدن
 ج) نیازمند بودن (د) متحیر شدن
۱۴۳. در بیت زیر کدام واژه ایهام دارد؟
 دکیست حافظ تا نوشد باده بی‌آواز رود
 عاشق مسکین چرا چندین تجمل بایدش،
 الف) باده (ب) بی‌آواز
 ج) رود (د) تجمل
۱۴۴. باتوجه به بیت زیر، کدام واژه معنای ایهامی دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سال اول ۹۴)
 دگفتم غم تو دارم، گفتا غمت سر آید
 گفتم که ماه من شو، گفتا اگر بر آید،
 الف) ماه (ب) غم
 ج) سرآید (د) بر آید
۱۴۵. در بیت زیر کدام واژه ایهام دارد؟ (قوه قضائیه سال ۹۶)
 دمسکین دلم به زحمت مردم رضا نبود
 دوشم نخفت دیده به بالین دل ولی،
 الف) رضا (ب) دیده
 ج) دوش (د) مردم
۱۴۶. در بیت زیر کدام واژه ایهام دارد؟ (وزارت نیرو، سال ۹۶)
 دگل است باده گلرنگ، باده خوار آن را
 مدام فصل بهار است می‌گساران را،
 الف) مدام (ب) گل
 ج) باده (د) بهار
۱۴۷. باتوجه به بیت زیر کدام واژه ایهام دارد؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
 دچشم آن دم که ز شوق تو نهد سر به لحد
 تا دم صبح قیامت نگران خواهد بود،
 الف) دم (ب) نگران
 ج) شوق (د) قیامت

۱۵۲. در کدام یک از ابیات زیر آرایه‌ی «تلمیح» به کار نرفته است؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

الف) به مهلتی که سپهرت دهد ز راه مرو
تو را گفت که این زال ترک‌دستان گفت
ب) که گفت حافظ از اندیشه‌ی تو آمد باز

ج) شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت
د) گره به باد مزین گرچه بر مراد رود

۱۵۳. در کدام گزینه، نوعی تعبیر «حس آمیزی» به کار رفته است؟

الف) بامزه نوشتن (ب) با تواضع راه رفتن
ج) گوش به فرمان بودن (د) خوش خرامیدن

۱۵۴. در کدام گزینه، «حس آمیزی» وجود دارد؟

الف) لطافت زیبایی گل، زیر انگشت‌های تشریح می‌پژمرد.
ب) آسمان، هم‌نژاد کویر شد.
ج) آن عالم پرشگفتی و راز، سرابی سرد شد.
د) آسمان، فریبی آبی‌رنگ شد.

۱۵۵. تعریف کدام یک از اصطلاحات بدیعی، این چنین است؟
«کلمات هم‌آهنگ که در آخر جمله‌های یک عبارت آورده می‌شود».

الف) قافیه (ب) سجع
ج) ردیف (د) وزن

۱۵۶. باتوجه به مفهوم «لای این شب‌بوها، پای آن کاج بلند، چه رابطه‌ی معنوی برقرار شده است؟

الف) تشابه (ب) مراعات نظیر
ج) کنایه (د) تضاد

۱۵۷. در کدام بیت تشخیص موجود است؟

الف) چرا گوید آن چیز در خفیه، مرد
که گر فاش گردد شود روی زرد
ب) عشق، دریایی کرانه ناپدید
کی توان کردن شنا، ای هوشمند

ج) مهمان سراسر خانه‌ی دنیا که اندرو
یک روز این بیاید و یک روز آن رود
د) من خفته بدم به ناز در کتم عدم

حسن تو به دست خویش، بیدارم کرد

۱۴۸. کدام بیت دارای آرایه‌ی متناقض‌نما (پارادوکس) است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

الف) شادی ندارد آن که ندارد به دل غمی
آن را نیست عالم غمی، نیست عالمی
ب) کی شود این روان من ساکن
این چنین ساکن روان که منم

ج) ز خاک من اگر گندم برآید
از آن گر نان پزی، مستی فزاید
د) بشوی ای خردمند از آن دوست دست
که با دشمنانت بود هم‌نشست

۱۴۹. در کدام بیت آرایه‌ی پارادوکس مشهود است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر اول سال ۹۴)

الف) آن که روی دوست دید او را به کفر و دین چه کار
وان که مست عشق گشت از باده و جامش بگو
ب) ورق تا نگردانده باد خزانی
غنیمت شمر نوبهار جوانی

ج) چرخ مردم‌خوار اگر روزی دو مردم‌پرورست
نیست از شفقت مگر پروری او لاغر است
د) همین که چشم تو صفت‌های غمزه برهم زد
نخست قلب سلیم شکستگان بشکست

۱۵۰. کدام بیت، دارای آرایه‌ی پارادوکس (متناقض‌نما) است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

الف) کار دوران چیست؟ جمعیت پریشان ساختن
سیل مجبور است در معموره ویران ساختن
ب) شمع دل دمسازم بنشست چو او برخواست
افغان ز نظر بازان برخاست چو او بنشست

ج) این که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را
روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع
د) شادی ندارد آن که ندارد به دل غمی
آن را که نیست عالم غمی، نیست عالمی

۱۵۱. آرایه‌ی شاخص بیت زیر کدام است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

«گلستان کند آتشی بر خلیل
گروهی بر آتش زند آب نیل»

الف) تشبیه (ب) تمثیل
ج) تلمیح (د) تضمین

ج) گاه درخشید و گهی تیره ماند
 گاه نهان گشت و گهی شد پدید
 د) من گهر ناب و تو یک قطره آب
 من از ازل پاک، تو پست و پلید
 ۱۶۴- کدام ترکیب‌ها، همگی اضافه تشبیهی‌اند؟ (فراگیر هفتم)

الف) تیر مژگان - غنچه لب
 ب) قوانین خرد - جمال عشق
 ج) درو گر زمان - عصاره پاک
 د) روی تعظیم - موسم ربیع

۱۶۵- بیت زیر فاقد کدام آرایه ادبی است؟ (فراگیر هفتم)
 کدام زهره جبین بی‌نقاب گردیده است
 که آتش از عرق شرم آب گردیده است

الف) ایهام
 ب) استعاره
 ج) تضاد
 د) حسن تحلیل
 ۱۶۶- کدام بیت از آرایه تشبیه، بی‌بهره است؟ (فراگیر هفتم)

الف) گفتا برون شدی به تماشای ماه نو
 از ماه ابروان منت شرم باد رو
 ب) از عقل و عاقبت آن روز برگران ماندم
 که روزگار حدیث تو در میان انداخت

ج) مفروش عطر عقل به هندوی زلف ما
 کان جا هزار نافه مشکین به نیم جو
 د) تخم وفا و مهر در این کهنه کشتزار
 آن که میان شود که بود موسوم درو

۱۶۷- در کدام مصراع آرایه تضاد وجود دارد؟ (فراگیر هفتم)

الف) کاهش سپهرم چو تو برمی‌گزید
 ب) من گهر روشن گنج دل
 ج) من به نظر قطره به معنی یم
 د) من سفر دیده زدل کرده‌ام

۱۶۸- در بیت زیر تشبیه به، کدام کلمه است؟ (فراگیر هفتم)

دنه این ریسمان می‌برد با منش
 که احسان کمندی است در گردنش،

الف) گردن
 ب) احسان
 ج) ریسمان
 د) کمند

۱۵۸. در کدام گزینه، تشخیص، وجود ندارد؟

الف) اختر شب از کنار کوه‌ساران سر غم می‌کند تا صدای تو را بشنود.

ب) صدای تو، صدای دره‌ای است که در سایه خفته است.
 ج) گل‌ها به سوی زمین خم شده‌اند.

د) چشمه‌سار آواز می‌خواند تا صدای تو را خاموش سازد.
 ۱۵۹- ابیات زیر در کدام قالب سروده شده است؟ (فراگیر هفتم)

از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد
 صدفتنه و شور در جهان حاصل شد
 سر نشتر عشق بزرگ روح زدند
 یک قطره فروچکید و نامش دل شد

الف) رباعی
 ب) دوبیتی
 ج) چهارپاره
 د) مثنوی

۱۶۰- در بیت زیر چند تشبیه وجود دارد؟ (فراگیر هفتم)
 مرغ دل تا دام زلف و دانه خال تو دید

طایر اندیشه‌ام افتاد در دام هوس
 الف) چهار
 ب) پنج
 ج) دو
 د) سه

۱۶۱- در کدام عبارت استعاره، یافت می‌شود؟ (فراگیر هفتم)

الف) توانگر فاسق کلوخ زرانود است.
 ب) علم، سلاح جنگ شیطان است.
 ج) در زیر این طاق بلند، سخن از عدالت بسیار گفته‌اند.
 د) چراغ حیات به وزش باد ممت فرو می‌برد.

۱۶۲- بیت زیر فاقد کدام آرایه ادبی است؟ (فراگیر هفتم)

هرچند زمین گیر ود دانه امید
 دست کرم ابرگهر بار بلند است

الف) استعاره
 ب) جناس
 ج) تشبیه
 د) حسن تحلیل

۱۶۳- در همی ابیات آرایه تضاد به چشم می‌خورد به جز ... (فراگیر هفتم)

الف) دوست نگردند فقیر و غنی
 باز نباشد شقی و سعید

ب) آن نشنیدید و که یک قطره اشک
 مسجدم از چشم یتمی چکید

اگر واژه در معنای «بنیان نهادن، تأسیس کردن و بنانهادن» باشد، با «ذ» نوشته می‌شود.

مثال: بنیان‌گذار انقلاب اسلامی

اگر واژه‌ای در معنای «انجام دادن، ادا کردن، به‌جای آوردن» و نظایر آن باشد، با «ز» نوشته می‌شود.

مثال: نماز گزار، سپاس گزار، حق گزار، کار گزار.

نکته‌ی دیگر این‌که، کلمات «هم‌آوا» و معنای هریک را در نظر بگیریم.

واژه‌های هم‌آوا در زبان فارسی، بسیارند که در این‌جا، به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

* امارت: فرمان‌روایی؛ عمارت: ساختمان، بنا، آبادان، تعمیر

سفیر: فرستاده، نماینده‌ی یک کشور در کشوری دیگر؛

صفیر: بانگ و فریاد، صوت

نقض: شکستن، از بین بردن؛ نغز: خوب، نیکو، بدیع

غزا: جنگ، پیکار، غزوه؛ غذا: خوردنی؛ قضا: داورى، تقدیر، سرنوشت

قدر: اندازه، ارزش؛ قدر: قریب، حيله، مکر

سیف: شمشیر، صیف: تابستان

مغلوب: شکست‌خورده، غلبه‌شده؛ مقلوب: وارونه‌شده، برعکس شده

غریب: ناآشنا، دورافتاده، بیگانه؛ قریب: نزدیک

هرس: بریدن شاخه‌های زاید درخت؛ حرس: نگهبانی، حراست

جزر: پایین رفتن آب دریا؛ جذر ریشه دوم یک عدد

سورت: شدت، تندى، تیزی؛ صورت: شکل، ظاهر، رخسار

سمین: چاقی، فربه، ثمین: گران‌بها، گران‌قیمت

سمن: چاقی، فربهی، گل یاسمن؛ ثمن: ارزش، بها

قالب: شکل، پیکر؛ غالب: غلبه‌کننده، پیروز

عزم: قصد، اراده؛ عظم: استخوان

علیم: دانا، آگاه؛ الیم، دردناک

نواحی: جمع ناحیه؛ نواهی: جمع ناحیه (نهی‌شده)

ظن: گمان، حدس؛ زن: جنس مقابل مرد

ثواب: پاداش، اجر، مزد؛ صواب: شایسته، درست، مصلحت

برائت: پاک شدن از عیب، تبرئه، بی‌زاری؛ براعت: برترى، نیکویی

بحر: دریا، وزن شعری (بحر متقارب)؛ بهر: برای

۱۶۹- در عبارت «این افلاک را برپای داشت و این املاک را بر جای داشت، کدام صنعت ادبی وجود دارد؟ (فراگیر هفتم)

الف) ترصیع ب) تضمین

ج) تشبیه د) آدم‌نمایی

فصل ششم:

املا و معنی واژه‌ها

نکات مربوط به املاء و معنی واژه‌ها

هنگام نوشتن املاء و انتخاب واژه‌ها، به‌ویژه واژه‌هایی را که می‌توان به چند صورت نوشت، باید به واژگان قبل و بعد از آن واژه، توجه نمود.

مثال: در ترکیب «مرگ و حیات، شکل نوشتاری واژه‌ی «حیات، به معنی «زندگی»، با استفاده از واژه‌ی قبل از آن (مرگ) که با هم رابطه‌ی «تضاد» دارند، مشخص می‌شود (حیات، به «مرگ» ارتباطی ندارد) یا در ترکیب «الیم و دردناک، شکل نوشتاری واژه‌ی «الیم، با استفاده از واژه‌ی بعد از آن (دردناک) مشخص می‌شود که با هم رابطه‌ی «ترادف» دارند. (علیم، به معنای «دانا، ارتباطی با واژه‌ی دردناک ندارد)

نکته‌ی دیگر این‌که، اگر واژه، واژه‌ای عربی است، حتماً ریشه یا سه حرف اصلی واژه را در نظر بگیریم.

مثال: در جمله‌ی «عمارت بسیار بلندی در این محله وجود داشت، واژه‌ی «عمارت» را به شکل «امارت، ننویسیم؛ زیرا «امارت» از ریشه‌ی «امر» به معنی «دستور و فرمان» است و «عمارت» از ریشه‌ی «ع م ر» هم خانواده با «عمران» به معنای «آبادی، تعمیر» است. پس «عمارت» در معنای «ساختمان» بنا است.

نکته دیگر، «گزار» و «گذار» را به‌جای یکدیگر به‌کار نبریم. اگر واژه‌ای در معنای اصلی «گذاشتن»، یعنی «قرار دادن» باشد، با «ذ» نوشته می‌شود.

مثال: کیف را در اتاق گذاشتم (قرار دادم).

۱۷۳. معنی واژه‌های «مقدم» و «انوشه» به ترتیب کدام است؟

(دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

(الف) قدم نهادن - ماندگار (ب) باز آمدن از سفر - جاوید

(ج) پیش‌افتاده - باقی (د) وقت آمدن - باقی‌مانده

۱۷۴. معنی واژه‌های «امارت» و «تمکین» زاد و لواء به ترتیب در

کدام مورد درست آمده است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر

سوم سال ۹۴)

(الف) آباد کردن - بزرگداشت - زیاد بودن - درفش

(ب) پادشاهی - جا و مکان - تولد - علم

(ج) حکومت - احترام - توشه - پرچم

(د) سلطنت - محل اقامت - زیادی - سایه

۱۷۵. معنای کلمات، «تفرغ» و «سخته» در کدام گزینه، صحیح

است؟ (دستیاران ستادی سال ۹۴)

(الف) پرداختن از کاری - سنجیده

(ب) جدایی - سنجیده

(ج) پراکنده شدن - سنجیده گفتن

(د) واپرداختن - آسودگی

۱۷۶. معنی واژه‌های «ساری» و «شاذ» به ترتیب کدام است؟

(دستگاه‌های اجرایی، فراگیر دوم سال ۹۴)

(الف) بانشاط - تیز (ب) نفوذکننده - نادر

(ج) مسرور - طرب‌جوی (د) سروری - تیزی

۱۷۷. معنی واژه‌های «صغیر» و «عظمت» به ترتیب کدام است؟

(دیوان محاسبات سال ۹۴)

(الف) بانگ و صدا - پند دادن

(ب) فرستاده - نصیحت دادن

(ج) فغان و فریاد - بزرگ شمردن

(د) فرستاده - عظیم دانستن

۱۷۸. در کدام مورد املاي واژه، باتوجه به معنی مقابل آن،

غلط است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

(الف) معلوف: خوگرفته (ب) سیاع: درندگان

(ج) نقض: شکستن (د) نعت: وصف کردن

۱۷۹. معنی واژه‌ی «استمالت» کدام است؟ (آموزش و

پرورش سال ۹۴)

(الف) برانگیختن (ب) بی‌نیازی

(ج) دل‌جویی (د) دل‌جویی

مستغلات: جمع مستقل، زمینی که از آن غله برداشت کنند؛

مستقل: آزاد، مختار، دارای استقلال

هایل: هولناک، ترسناک؛ حایل: جداکننده، مانع میان دو چیز

خواستن: خواهش کردن، طلب کردن؛ خاستن، برپا شدن، بلند

شدن

اجل: آینده، آخرت؛ عاجل: شتاب‌کننده، سریع، اکنون

بعضی واژه‌ها نیز هستند که به جهت املاي یا تلفظ، شباهت

زیادی با یکدیگر دارند؛ اما با یکدیگر هم‌آوا نیستند. زیرا صورت

گفتاری یکسانی ندارند، دقت داشته باشیم که این واژه‌ها را درست

به کار ببندیم.

چند مثال:

عزت: سربلندی و سرافرازی؛ عظمت: موعظه، نصیحت

ذلت: خواری، پستی؛ زلت: خطا، لغزش

تَبَع: پیروی، تبعیت؛ طبع: ذات، سرشت

مُنْكَر: ناپسند، زشت، ناشایست؛ مُنْكَر: انکارکننده

ضیا: نور، روشنی؛ ضیاع: (جمع ضیعه) آب و زمین، دارایی

مَحْمِل: کجاوه، مه‌د؛ مَهْمَل: بیهوده، بی‌کار

صلاح: مصلحت، نیکی کردن؛ سلاح: ابزار جنگ

قرض: وام، بدهی؛ غَرَض: هدف، مقصود، دشمنی

فِرَاق: دوری، جدایی؛ فِرَاق: آسوده شدن، دست از کار کشیدن

سوالات بخش املاء و معنی واژه‌ها

۱۷۰. معنی واژه‌های «سائل» و «دُرُج» به ترتیب کدامند؟

(آموزش و پرورش سال ۹۵)

(الف) گدا، صندوقچه (ب) پرسنده، درجه‌دار

(ج) گدا، درجه‌بندی (د) سعی‌کننده، صندوقچه

۱۷۱. معنی کدام واژه، در مقابل آن «غلط» آمده است؟ (قوه

قضائیه ۹۶)

(الف) مستخّر: دشوار

(ب) گردون: فلک

(ج) کنام: محل زندگی جانوران وحشی

(د) فرتوت: پیر

۱۷۲. معنی واژه‌های «وصلت» و «شب‌رو» به ترتیب کدام

است؟ (قوه قضائیه سال ۹۶)

(الف) ارتباط - نگهبان (ب) محکم - شب‌بیدار

(ج) پیوند - کشیک (د) پیوستگی - راهنم

۱۸۰. املاي کدام کلمه با توجه به معنی مقابل آن صحیح نیست؟ (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور سال ۹۳)
- (الف) بارقه: جلوه (ب) متفرع: وابسته
(ج) غیض: خشمگین (د) خدعه: دستان
۱۸۱. معنی واژه‌ها دخواستگاه، غزا، نژاده، به ترتیب کدام است؟ (وزارت نیرو، سال ۹۶)
- (الف) مبدأ- پیکار- اصل
(ب) تقاضا کردن- سرنوشت- با اصل و نسب
(ج) محل پیدایش- تقدیر- نجیب
(د) اراده نمودن- جنگ کردن در راه خدا- نجیب
۱۸۲. معنی کدام واژه در مقابل آن غلط است؟ (وزارت نیرو سال ۹۶)
- (الف) کافه: همه (ب) زی: شیوه
(ج) طوع: سرپیچی (د) خیر: جا و مکان
۱۸۳. معنی واژه‌ی میغ در بیت زیر کدام است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر اول سال ۹۴)
- ریش بر می کند و می گفت ای دریغ
کآفتاب نعمتم شد زیر میغ،
- (الف) ابر سیاه (ب) خورشید
(ج) رنگین کمان (د) سایه
۱۸۴. معنی واژه‌های دخیب، مشحون، ایما، به ترتیب کدام است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
- (الف) بی‌بهره- افزایش- کنایه
(ب) ناامید- مملو- رمز
(ج) سرگشته- پر- اشاره
(د) بی‌نصیب- سرشار- اکنون
۱۸۵. معنی هریک از واژه‌های دجلباب، بدسگال، استیفا، به ترتیب کدام است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
- (الف) دستار- بدخواه- طلب عفو نمودن
(ب) سربند- شرور- مفید بودن
(ج) جامه‌ی فراخ- بدذات- عفو کردن
(د) چادر زنان- بداندیش- تمام فراگرفتن
۱۸۶. در عبارت زیر، معنی واژه‌ی دغدر، کدام است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
- یکی را از آنان که غدر کردند با من دمی دوستی بود،
- (الف) اسیر (ب) بی‌ارزش
(ج) حيله (د) دشمن
۱۸۷. در بیت زیر، معنی واژه‌ی دزلت، کدام است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
- به پاکان کز آلايشم دور دار
و گر زلتي رفت، معذور دار،
- (الف) خطا و لغزش (ب) گمراهی و نادانی
(ج) خفت و خواری (د) هوا و هوس
۱۸۸. معنی واژه‌های دجولاهه، حلیه، اهمال، به ترتیب کدام است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
- (الف) عنکبوت- آرایش- بی‌نظیر و بی‌همتا
(ب) بافنده- زیور- فرو گذاشتن
(ج) بافته- شیرینی- سستی کردن در کاری
(د) نساج- زینت- همتا و نظیر
۱۸۹. املاي کدام واژه باتوجه به معنی مقابل درست است؟
- (الف) اواید: درآمدها (ب) غیض: دربند کردن
(ج) قریو: هیاهو (د) سیاف: شمشیرزن
۱۹۰. دبرنشستن، یعنی؟
- (الف) کناره گرفتن (ب) دور شدن
(ج) سود بردن (د) سوار شدن
۱۹۱. معنی کدام واژه غلط است؟ (علوم پزشکی سال ۹۶)
- (الف) حضيض: نشیب (ب) مالهی: آلات لهُو
(ج) هزار: بلبل (د) مقهور: مقلوب
۱۹۲. معنی واژه‌های دمغبر، عشاء، به ترتیب کدام است؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)
- (الف) تیرگی- درماندگی (ب) تیره‌بخت- شامگاه
(ج) غبارآلود- پوشیدگی (د) تیره- خوراک شبانه
۱۹۳. در عبارت زیر، دورد، به کدام معناست؟ (دیوان محاسبات سال ۹۴)
- در فصل ربیع که صولت برد آرمیده بود و ایام دولت ورد
رسیده،
- (الف) اردیبهشت (ب) فروردین
(ج) گل سرخ (د) دعا

(د) عابدان جزای طاعت خواهند و بازرگانان، بهای بظاعت، من بنده امید آورده‌ام نه طاعت و بدویوزه آمده‌ام نه به تجارت.

۱۹۹. در کدام عبارت، غلط املائی یافت می‌شود؟ (دیوان محاسبات سال ۹۴)

(الف) جباری که در فطرت کاینات به وزیر و مشیر و معونت و مظاهرت محتاج نگشت.

(ب) برای هدایت و ارشاد، رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت جهل و ظلالت برهانند.

(ج) اکنون شمتی از محاسن عدل که پادشاهان را سمین تر حلیتی است، یاد کرده شود.

(د) درود و سلام و تحیت و صلوات ایزدی بر ذات معظم مصطفی و اصحاب و اتباع و یاران.

۲۰۰. در کدام گروه کلمه، غلط املائی وجود دارد؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

(الف) حشر و رستخیز- طره سنبل

(ب) صحیفه و دفتر- مقهور و مقلوب

(ج) رقت و نازک‌دلی- نسیان و فراموشی

(د) تعارض و تفاوت- سیره و فاخته

۲۰۱. در کدام گروه اسمی، غلط املائی وجود دارد؟ (دیوان محاسبات سال ۹۴)

(الف) صله‌ی ارحام- خواستگاه اجتماعی

(ب) انیس و مألوف- قصر امل

(ج) ایا و امتناع- غلیان درونی

(د) ساطع و درخشان- محظور و رودربایستی

۲۰۲. در کدام بیت، غلط املائی وجود دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر اول سال ۹۴)

(الف) چون موسم حج رسید برخاست

اشتر طلبید و محمل آراست

(ب) ز هر جای خواهش‌گران خاستند

ز زابل مر او را همی خاستند

(ج) از خون رگ خویش است گر رنگ به رخ دارم

مشاطه نمی‌خواهد زیبایی رخسارم

(د) بر ساقه‌ی خود ثابت، فارغ ز مددکارم

نی در طلب یارم، نی در غم اغیارم

۱۹۴. در کدام گروه کلمه غلط املائی یافت می‌شود؟ (قوه قضائیه سال ۹۶)

(الف) مضامین بدیع، عزلت و انزوا

(ب) تأثیرگزاری و تأثیرپذیری

(ج) درخواست المثنی، قواعد و ضوابط

(د) طبقه‌ی مرفه، تعهد

۱۹۵. در کدام عبارت غلط املائی وجود دارد؟ (قوه قضائیه سال ۹۶)

(الف) گفت: شیر را با تو چه مناسبت است و تو را بدو چه مشابهت؟

(ب) در این هفته که مژده سلامت حجاج برسید، از بند گرانم خلاص کرد.

(ج) در آن قربت، مرا با طایفه‌ای یاران اتفاق سفر افتاد.

(د) پس مصلحت آن بینم که ملک قناعت را هراست کنی و ترک ریاست گویی.

۱۹۶. در کدام گروه کلمه، غلط املائی وجود دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

(الف) هرم آفتاب- بختر و خودخواهی

(ب) نسیان و غفلت- فلق و شفق

(ج) غمین و محزون- آراسته و مزین

(د) قرب و بعد- جذر و مدّ

۱۹۷. در متن زیر، املائی کدام واژه غلط است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

تا دفع مضرت خصم می‌توان کرد، خصومت روا نباشد که

خون از مال شریف‌تر، مصاف وقتی روا باشد که تدبیر و حزم

دیگر نماند. به حزیمت پشت دادن به که با شمشیر مشت

زدن،

(الف) حزیمت (ب) حزم

(ج) مصاف (د) مضرت

۱۹۸. در کدام عبارت، غلط املائی وجود دارد؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

(الف) صحرا که معرکه وحوش و طیور را بر بساطی چیده.

(ب) خارکنی را دیدم، گفتمش به مهمانی حاتم چرا نروی

که خلقی بر بساط او گردآمده‌اند.

(ج) او چون سورت آن شییران و صولت آن دلیران مشاهده

کرد، انگشت ندامت گزیدن گرفت.

۲۰۳. در کدام عبارت، غلط املائی وجود دارد؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

(الف) خطیبی کربیه‌الصوت، خود را خوش‌آواز پداشتی و فریاد بیهده برداشت.

(ب) جوانی خردمند از فنون فضایل، حظی وافر داشت و طبعی نافر.

(ج) ملوک و اغنیا را در چشم همت او شوکت و هیبت نمانده.

(د) گفتیم: عقل نفسیت را چه شد تا نفس خسیس قالب آمد؟ زمانی به فکرت فرورفت.

۲۰۴. در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟ (دستیاران ستادی سال ۹۴)

(الف) راحت عاجل به تشویش محنت اجل منقص کردن، خلاف رأی خردمند است.

(ب) دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند، ترک مناصت گرفتم.

(ج) فسق و فجور آغاز کرد. مبدّری پیشه گرفت؛ فی‌الجملة نمائد از معاصی منکری که نکرد و مسکری که نخورد.

(د) فکیف مرا که در صدر مروّت نشسته‌ام و عقد فتوت بسته‌ام و ذکر انعام در افواه عوام افتاده.

۲۰۵. در کدام بیت، غلط املائی وجود دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر دوم سال ۹۴)

(الف) بر سر کوت گر از باد اجل خاک شوم

شعله‌ی آتش عشق تو زند عظم رمیم

(ب) گرچه از بهشت نگارم عنان بگرداند

به روز حشر من و دوزخ و عذاب علیم

(ج) اگرچه پشه نیارد شدن ملازم باز

مرا به منزل طاووس، رغبت است عظیم

(د) من از این ورطه‌ی هجران نبرم جان به کنار

زان که غرقاب غم عشق تو بحری است عظیم

۲۰۶. در کدام عبارت، املائی دگرآوردن، غلط است؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

(الف) هر که صلت دهد، حق مهتری گزارد.

(ب) از قضا عفو خواست و به حج رفت و حج گزارد.

(ج) فرمانی که خدای تعالی بر تو کرده بود، نگزاردی.

(د) دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند، به یک خطا نگزارند.

۲۰۷. در کدام عبارت غلط املائی وجود دارد؟ (وزارت نیرو سال ۹۶)

(الف) عزّت و اوقات نماز را نگاه دارد و به هیچ از ملامی و مناهی در آن وقت مشغول نشود.

(ب) نخست اندیشه کند پس مشورت، چون غالب ظنّش ثواب نماید، ابتدا کند به نام خدای.

(ج) تفویض کارهای بزرگ به مردم ناآزموده نکند که پشیمانی آرد.

(د) قطع دزدان قصاص خونیان به شفاعت دوستان در نگذارد.

۲۰۸. در کدام گروه کلمه، غلط املائی وجود دارد؟ (وزارت نیرو سال ۹۶)

(الف) خلط مبحث، افراد تقه

(ب) فقر و فاقه، عادت معلوف

(ج) مرشح و آماده، زرق و افترا

(د) جدال و مناقشت، رفیع و وضع

۲۰۹. در کدام عبارت، غلط املائی یافت می‌شود؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

(الف) اندر وقت، دو غلام سربایی به راه کرد با فرمان‌ها به شحنگان نواحی تا ضیاع و عقار آن مرد باز دادند.

(ب) تو را توانتم گفتن که به سیم سخی باش، باری دون همت مباح و جهد کن تا از صبوح پادشاهی مست نگردی.

(ج) حکیمان گفته‌اند: چشمه‌ی امارت و خرّمی پادشاه دادگر است و چشمه‌ی دژمی عالم، پادشاه بیدادگر است.

(د) بعد از آن کس را زهره نبود که بر فرمان کار نکردی و امرها نافذ گشت و مردمان در راحت افتادند.

۲۱۰. در کدام عبارت، غلط املائی یافت می‌شود؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

(الف) پیر را از مال و مودّت فرزند در کار آورد تا جانب دین و مروّت مهمل گذاشت.

(ب) پادشاهان حازم، بسیار کس را برای هنر و اخلاص، نزدیک گردانند.

ج) اگر از روی دین و همیت، کوششی پیوسته آید، برکات و ثواب‌های آن را نهایت صورت نبندد.

د) براثت ساحت و فرط مناصحت و صدق اشارت و برکت دیدار من معلوم خواهد شد.

۲۱۱. کدام بیت فاقد غلط املائی است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

الف) به قدر غیرت همکار گیرد اوج هر کاری
ز من دارند صائب عندلیبان، خوش سفیری را

ب) چون سایه که سر در قدم سرو گزارد
محو است سراپا به سراپای تو ما را

ج) بیار باده که عمری است تا من از سر امن
به کنج عافیت از بحر عیش ننشستم

د) عشق سوزد حسن عالم‌سوز را در خون دلیر
ذوالفقار شمع باشد بال و پر پروانه را

۲۱۲. در کدام عبارت، غلط املائی وجود دارد؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

الف) همه شب در لجه لجاج خویش غوطه ندامت و غصه آن حالت می‌خورد.

ب) خوش‌آوازی که به حنجره داوودی آب از جریان و مرغ از تیران باز دارد.

ج) به عذر ماضی در قدمش افتادند و بوسه چندی به نفاق بر سر و چشمش دادند.

د) گروهی مردمان را دید، هر یک به قراضه‌ای در معبر نشسته و رخت سفر بسته.

۲۱۳. کدام گروه کلمه، فاقد غلط املائی است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

الف) اعزاز و اکرام، ثقت و اطمینان، تضاد و تعارض
ب) سیلی و قفا زدن، قصد عظیمت، غریب و آواره

ج) خضوع و خشوع، یاری و معونت، تعسی و پیروی
د) آزمند و حریص، قریو شادی، پناه و ملجا

۲۱۴. در متن زیر، چند غلط املائی یافت می‌شود؟

«اگر پیش از این نسیم این راحت به دماغ من رسیده بودی و لذت فراغت و حلاوت قناعت به کام من پیوسته بودی، هرگز خویشتن بدان ملک بسیار طبعت اندک منفعت آلوده نگردانید می.»

الف) دو (ب) سه
ج) چهار (د) یک
۲۱۵. در کدام گروه کلمه، غلط املائی وجود دارد؟ (علوم پزشکی سال ۹۶)

الف) مالیات مستغلات، ظن صلاح

ب) فرزند صاحب فراصت، حیز انتقال

ج) مفاصای عوارض، رزم صعب

د) اخذ غرامت، حائز اهمیت

۲۱۶. در کدام عبارت، غلط املائی وجود دارد؟ (علوم پزشکی سال ۹۶)

الف) اتفاقاً از او حرکتی در نظر سلطان ناپسند آمد، مصادره فرمود و عقوبت کرد.

ب) یکی را از ملوک، مرضی حایل بود که عادات ذکر آن تا نکردن اولی.

ج) اکنون پدر و مادر به علت حطام دنیا مرا به خون درسپردند.

د) وزیر را با وی غرضی بود و اشارت به کشتن فرمود.

۲۱۷. در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

الف) روا مدار که سر به دنبال هوس بگذارم و در ظلمات جهل و ضلال، ببقوله از شاهراه باز نشناسم.

ب) روا مدار که به خاطر هوس خویش، پای بطلان بر عنوان حق گزارم و باطل را بر حق برگزینم.

ج) به تو پناه می‌برم از این که مظلومی را در چنگال ستم‌کاران وابگذارم و از حمایتش مضایقت کنم.

د) به تو پناه می‌برم که راه‌جویان را هم‌چون خویشستن در تپه گمراهی و ضلالت سرگردان سازم.

۲۱۸. املائی کدام کلمه در عبارت «کار او کاری عجیب بود و واقعات غریب که خاص، او را بود، که هم در غایت سوز و اشتیاق بود و هم در شدت لهب فراغ، جد و جهدی عظیم داشت و ریاضتی و کرامتی عجیب، غلط است؟

الف) غریب (ب) فراغ

ج) غایت (د) لهب

۲۱۹. در عبارت «غم و ضجرتی بزرگ بر من دست یافت. یافتم افشین را بر گوشه‌ی صدر نشسته و نطعی فرود صفه

فصل هفتم: سوالات
قرباب معنایی، معنی و
مفهوم شعر و نثر

باز کشیده و صیاف شمشیر برهنه به دست ایستاده، املائی
کدام کلمه غلط است؟

(الف) صَفَه (ب) صیاف

(ج) ضجرت (د) نطع

۲۲۰- در کدام گروه کلمه غلط املائی وجود دارد؟ (فراگیر
هفتم)

(الف) رشته نامرئی - سفر و حذر

(ب) خصایل و سجایا - اشاعه و ترویج

(ج) لمعه و لحظه - قدیس و پاک

(د) هیبوط و صعود - فراست و زیرکی

۲۲۱- در کدام عبارت (غلط املائی، وجود دارد؟) (فراگیر
هفتم)

(الف) نویسنندگی هم مانند شعر تا حدی موقوف استعداد
ذاتی و طبع خدادادی است و انسان فریفته هر هیأت موزون
می‌شود.

(ب) رفع این عیوب تا حدی به مدد تتبع آثار و ممارست و به
حفظ سپردن گفته‌های فصیح و بلیغ امکان دارد.

(ج) خود را مضحکه و مسخره مردم می‌سازد و همه بر
سبکی عقل و اختلال حواس او اتفاق می‌کنند.

(د) از درک ننگ و عار بی‌نصیب هستند و مطالب آنها نیز
سخیف و مهووع و بر ذوق ناگوار است.

۲۲۲- املائی کدام عبارت کاملاً درست است؟ (فراگیر
هفتم)

(الف) خداوندا به سرباز فداکار اسلام نشاط دل عطا کن و از
وحشت و حراس ایمنش ساز.

(ب) الهی در آن هنگام که غریو مصاف میدان را بلرزاند وی
بتواند روزگار را بر دشمن تباه سازد.

(ج) الهی توفیق ده که تو را ثنا گوید و مزه فتح را بچشد و
دشمنان تو را به زلت و اسارت در اندازد.

(د) پروردگارا به روز مبارزه و جهاد یاری کن تا غم فراغ
دلش را نشکنند و عزمش را ضعیف نسازد.

۲۲۳. کدام بیت فاقد مفهوم بیت زیر است؟

دکاسه چشم حریصان پر نشد

تا صدف قانع نشد، پُر دُر نشد،

(الف) رودی تنگ به یک نان جوین پر گردد

نعمت روی زمین پر نکند دیده‌ی تنگ

(ب) حریف ترش‌روی ناسازگار

چو خواهد شدن دست پیشش مدار

(ج) قناعت توانگر کند مرد را

خبر کن حریص جهان‌گرد را

(د) چنین بود تا بود این تیره‌روز

تو دل را به آرزوی مسوز

۲۲۴. کدام عبارت با ضرب‌المثل زیر، تقابل مفهومی دارد؟

دروغ مصلحت‌آمیز، به از راست فتنه‌انگیز،

(الف) گفت این غوری بدگهر چه گران‌بندی است. رها کن
تا هر جا که خواهد برود.

(ب) وصیت دروغ عظیم است و نزدیکان پادشاه را تحرز و
تجنب از آن، لازم و فریضه باشد.

(ج) می‌بینم که کارهای زمانه، میل به ادبار دارد و دروغ موثر
و مثمر و راستی مهجور و مردود.

(د) صدق را اگرچه به مضرت تو سرایت خواهد کرد بر کذبی
که منفعت تو راجح باشد، اختیار کن.

۲۲۵. در کدام بیت شاعر توصیه به «ترک تعلقات دنیوی»،
می‌کند؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

(الف) یکی پند گویم تو را از نخست

دل از مهر گیتی بیایدت شست

(ب) به گردون فتد سرکش تندخوی

بلندیت باید، بنلدی مجوی

(ج) به دریا مرو گفتمت زینهار

و گر می‌روی، تن به توفان سپار

(د) حریص و جهان‌سوز و سرکش مباش

ز خاک آفریدنت، آتش مباش

ج) گداخت جان که شور کار دل تمام و نشد
 بسوخیم در این آرزوی خام و نشد

د) یاری اندر کس نمی‌بینم یاران را چه شد
 دوستی کی آخر آمد؟ دوست‌داران را چه شد؟

۲۳۰. مفهوم کنایی «سیر را از گرسنه چه غم، در کدام بیت نهفته است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر اول سال ۹۴)

الف) ما عبث در سینه‌ی دریا نفس را سوختیم
 گوهر مقصود در دامان ساحل بوده است

ب) جان و هر چه در او هست با نعیم بهشت
 نه نعمتی است که باز آورد فقیر از دست

ج) ملامت‌گوی عاشق را چه گوید مردم دانا
 که حال غرقه بر دریا، نداند خفته بر ساحل

د) ستایش‌سرایان نه یار تواند
 ملامت‌کنان دوست‌دار تواند

۲۳۱. بیت زیر، با کدام عبارت قرابت مفهومی دارد؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

دگریمان را به دست اندر درم نیست
 خداوندان نعمت را کرم نیست،

الف) آن که بر دینار دسترس ندارد، در همه دنیا کس ندارد.
 ب) عالم بی‌عمل، درخت بی‌بر است و زاهد بی‌علم، خانه‌ی بی‌در.

ج) درویش را دست قدرت بسته است و توانگر را پای ارادت شکسته.

د) تلمیذ بی‌ارادت عاشق بی‌زر است و رونده‌ی بی‌معرفت، مرغ بی‌پر.

۲۳۲. مصراع «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ ضمیر، با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

الف) نیکم نظر افتاد بر آن منظر مطبوع
 کاول نظرم هر چه وجود از نظر افتاد

ب) در سوخته پنهان نتوان داشتن آتش
 ما هیچ نگفتیم و حکایت به در افتاد

ج) با هر که خبر گفتم از اوصاف جمیلش
 مشتاق چنان شد که چو من بی‌خبر افتاد

د) صاحب‌نظران، این نفس گرم چو آتش
 دانند که در خرمن من بیشتر افتاد

۲۲۶. مفهوم «شهادت، گله‌ی عروج مردان حق است، از کدام بیت دریافت می‌شود؟ (دستگاه‌های اجرایی فراگیر اول سال ۹۴)

الف) هر سری در خور اقبال کلاهی دارد
 سایه‌ی دار فنا، تاج سر مردان است

ب) در عشق اگر دمی قرات باشد
 با صحبت این و آن چه کارت باشد

ج) سخن سرا شود چو بریده شد سر او
 اگرچه هیچ سخن سر بریده نسراید

د) پاک‌دل را زبان به تن رسد
 و رسد جز به پیرهن نرسد

۲۲۷. در بیت زیر، معنای «دم در کشیدن، کدام است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

دمرا مگوی که خاموش و دم در مکش
 که در چمن نتوان یافت مرغ را خموش،

الف) فراموش کردن ب) صبور بودن
 ج) سکوت کردن د) بی‌قراری نکردن

۲۲۸. مفهوم «کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

الف) کنون باید این مرغ را پای بست
 نه آن که سررشته بردت ز دست

ب) سر گرگ باید هم اول برید
 نه چون گوسفندان مردم درید

ج) مگو مرغ دولت ز قیدم بجست
 هنوزش سر رشته داری به دست

د) کنون گوش کآب از کمر درگذشت
 نه وقتی که سیلابت از سر گذشت

۲۲۹. بیت زیر، با کدام بیت قرابت معنایی دارد؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

حجاب چهره‌ی جان می‌شود غبار تنم
 خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم،

الف) دل رمیده‌ی ما را که پیش می‌گیرد
 خبر دهد به مجنون خسته از زنجیر

ب) میان عاشق و معشوق، هیچ حایل نیست
 تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیر

۲۳۳. مفهوم بیت زیر با کدام بیت تناسب دارد؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

دکه گفته در رخ زینانظر خطا باشد

خطا بود که نبینند روی زیبا را،

الف) پیر دردی کش ما گرچه ندارد زر و زور

خوش عطابخش و خطاپوش خدایی دارد

ب) ای که گفتی نه صواب است نظر بر رخ خوبان

از صواب، اهل نظر باز شناسند خطا را

ج) ما چون نشانه پای به گل در بمانده‌ایم

خضم آن حریف نیست که تیرش خطا رود

د) خطای بنده‌گیری که مهتران ملوک

شئیده‌اند نصیحت ز کهتران خدم

۲۳۴. کدام بیت، مفهومی نظیر بیت زیر را دارد؟ (قوه قضائیه سال ۹۶)

دغواص اگر اندیشه کند کام نهنگ

هرگز نکند درّ گران‌مایه به چنگ،

الف) ای دل غم‌دیده حالت به شود، دل بد مکن

وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور

ب) دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت

دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور

ج) هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سر غیب

باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور

د) در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

۲۳۵. عبارت «پروردگارا، از خصلت طمع که دنائت آورد و

آبرو ببرد، به درگاه تو پناه می‌آورم، با کدام بیت قرابت

مفهومی دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

الف) دست طمع چو پیش کسان می‌کنی دراز

پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش

ب) عدل سلطان گر نبرد حال مظلومان خویش

گوشه‌گیران را ز آسایش طمع باید گسیخت

ج) پیش راه حرص پیری چوب نتواند گذاشت

بیشتر دست طمع کار از عصا گردد بلند

د) طمع در آن لب شیرین نکردیم اولی است

ولی چگونه مگس از پی شکر نرود

۲۳۶. بیت زیر با کدام بیت، ارتباط مفهومی دارد؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

دافتادگی آموز اگر طالب فیضی

هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است،

الف) صبوری کن در این غم روزگی چند

نماد هیچ‌کس جاوید در بند

ب) افسری کان نه دین نهد بر سر

خواهش افسر شمار و خواه افسار

ج) افکنده هم‌چو سفره مباش برای نان

هم‌چو تنور گرم مشو از پی شکم

د) مضمون سرنوشت دو عالم جز این نبود

آن سر که خاک شود به ره از آسمان گذشت

۲۳۷. باتوجه به بیت زیر، معنی کلمات «تا، نوا، به‌ترتیب

کدام است؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

«تالشکر غمت نکند ملک دل خراب

جان عزیز خود به نوا می‌فرستمت،

الف) آگاه باش - شعر و غزل (ب) برای این که - آواز

ج) تا وقتی که - گروگان (د) برای این که - گروگان

۲۳۸. بیت زیر، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

(دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

در نیابد حال پخته هیچ‌خام

پس سخن کوتاه باید والسلام،

الف) درد بی‌درمان عشقم کشت و کرد آسوده‌خاطر

هم ز تأثیر مداوا، هم ز تدبیر طبیبم

ب) سینه نهادم به دم تیغ عشق

دیده گشادم به تماشای تو

ج) ای شهسوار چالاک، احوال ما چه دانی

کز حالت پیاده، غافل بود سواره

د) منم آن عاشق دیوانه که از غایت شوق

خم زنجیر تو را بر دل شیدا زده‌ام

۲۳۹. کدام بیت، فاقد مفهوم عبارت زیر است؟ (فراگیر

چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

دبا بی‌خردان دوستی مکن که بی‌خرد، از دشمن با خرد، بتر

بود،

الف) خصم دانا که دشمن جان است

بهتر از دوستی که نادان است

ب) ز نادان نیایی جز از بدتری

نگر سوی بی‌دانشان ننگری

(ج) دوستی ابله بتر از دشمنی است

او به حيله که دانی راندنی است

(د) دوست خواهی که تا بماند دوست

آن طب زو که طبع و عادت اوست

۲۴۰. کدام بیت، با بیت زیر ارتباط مفهومی دارد؟ (فراگیر

چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

(حجاب راه تویی، حافظ از میان برخیز

خوشا کسی که در این راه بی‌حجاب رود،

(الف) ز هستی پُری، زان تهی می‌روی

تهی آی تا پرمعانی روی

(ب) چشمت به غمزه، خانه‌ی مردم خراب کرد

مخموریت مباد که خوش مست می‌کند

(ج) ای نسیم کوی معشوق، این چه باد خرم است

تو کجا بودی که جانم تازه می‌گردد به بوی

(د) گر بیارند کلید همه درهای بهشت

جان عشاق، به تماشاگاه رضوان نرود

۲۴۱. مفهوم کدام بیت، با سایر ابیات، تفاوت دارد؟ (قوه

قضائیه سال ۹۶)

(الف) نخواستم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت

که آب دیده‌ی سرخم بگفت و چهره‌ی زردم

(ب) ای بی‌نشان محض، از که جویمت

گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت

(ج) چه حاجت است به اظهار عشق پیش تو ما را

که اشک گوید و رخسار زرد و رنگ پریده

(د) سر سودای تو در سینه بماندی پنهان

چشم تر دامن اگر فاش نکردی رازم

۲۴۲. بیت زیر، با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟ (قوه

قضائیه سال ۹۶)

دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست

جای چشم، ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است،

(الف) سعدی از سرزنش غیر تترسد هیئات

غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را

(ب) بر سیه‌دل چه سود خواندن و عطا

نرود میخ آهنین در سنگ

(ج) نه هر که صدرنشین شد عزیز شد که غبار

اگر به دیده رسد، توتیا نخواهد شد

(د) باغ را بین چه غم که شاخ شکست

باغبان راست غصه‌ای گر هست

۲۴۳. بیت زیر، با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟ (وزارت

نیرو سال ۹۶)

فراوان سخن باشد آکنده گوش

نصیحت نگیرد مگر در خموش،

(الف) نباید سخن گفت ناساخته

نشاید بریدن نینداخته

(ب) کمال است در نفس انسان سخن

تو خود را به گفتار، ناقص مکن

(ج) چو خواهی که گویی نفس بر نفس

نخواهی شنیدن مگر گفت کس

(د) از آن مرد دانا دهان دوخته است

که ببند که شمع از زبان سوخته است

۲۴۴. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟ (وزارت

نیرو سال ۹۶)

(الف) به یک ناتراشیده در مجلسی

برنجد دل هوشمندان بسی

(ب) تو نیکوروش باش تا بدسگال

به نقض تو گفتن نیابد مجال

(ج) شنیدستی که گاوی در علفزار

بیالاید همه گاوان ده را

(د) اگر برکه‌ای پر کنند از گلاب

سگی در وی افتد، کند منجلات

۲۴۵. معنی آیه‌ی «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» از کدام بیت دریافت

می‌شود؟ (دیوان محاسبات سال ۹۴)

(الف) بس گرہ کاو کلید پنهانی است

بس درشتی که در وی آسانی است

(ب) چون تو عهد خدای نشکنی

عهد به بر من کز این و آن رستی

(ج) خویشتن را چو خضر بازشناس

تا خوری آب زندگانی به قیاس

(د) عهد خود را با خدای محکم‌دار

دل ز دیگر علایق بی‌غم‌دار

۲۴۶. محور اندیشه شاعر در بیت زیر کدام است؟ (وزارت نیرو سال ۹۶)

دباور مکن که صورت او عقل من ببرد

عقل من آن ببرد که صورت نگار اوست،

(الف) ناتوانی عقل

(ب) رخسار عشق

(ج) آفرینش عقل

(د) زیباآفرین

۲۴۷. مفهوم کدام بیت پرهیز از جاه دنیوی و بی‌اعتنایی به نام و ننگ، است؟ (تأمین اجتماعی سل ۹۳ و ۹۴)

(الف) هر سر موی مرا با تو هزاران کار است

ما کجاییم و ملامت‌گر بیکار کجاست؟

(ب) مرید پیر منانم ز من مرنج ای شیخ

چرا که وعده تو کردی و او به‌جا آورد

(ج) حافظ ار بر صدر نشیند ز عالی مشربی است

عاشق دردی‌کش اندر بند مال و جاه نیست

(د) زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست

تا در میانه خواسته، خواسته‌ی کردگار چیست؟

۲۴۸. کدام بیت، بیانگر مفهوم «کم‌گوی و گزیده‌گوی چون دُرّ» است؟ (فراگیر چهارم و آموزش و پرورش سال ۹۶)

(الف) تا ندانی که سخن عین صواب است مگوی

و آن‌چه دانی که نه نیکوش جوابست مگوی

(ب) دین ورز و معرفت که سخن‌دان سجع‌گوی

بر در سلاح دارد و کس در حصار نیست

(ج) سخن گفت و دامان گوهر فشانند

به نطقی که شاه، آستین برفشانند

(د) ز صاحب غرض تا سخن نشنوی

که گر کار بندی پشیمان شوی

۲۴۹. مفهوم بیت زیر با کدام بیت هم‌معنی است؟ (دستیاران ستادی سال ۹۴)

دبر در شاهم گدایی نکته‌ای در کار کرد

گفت بر هر خوان که بنشینم خدا رزاق بود،

(الف) بزن که قوت بازوی سلطنت داری

که دست همت مردانت می‌دهی یاری

(ب) بی‌مگس هرگز نماند عنکبوت

رزق را روزی‌رسان، پر می‌دهد

(ج) روزی‌نگر که طوطی جانم سوی لب

بر بوی پسته آمد و بر شکر اوفتاد

(د) قانع به خیالی ز تو بودیم چو حافظ

یارب، چه گدا همت و بیگانه نهادیم

۲۵۰. کدام مورد، مفهوم عبارت زیر را در بردارد؟ (سازمان

ثبت اسناد و املاک کشور سال ۹۳)

دهر صناعت که تعلق به فکر دارد، صاحب صناعت باید که

فارغ دل و مرفه باشد،

(الف) وقت‌شناسی در تفکر

(ب) دوراندیشی در امور

(ج) مناعت طبق

(د) تفکر بدون آسوده‌خاطری ممکن نیست.

۲۵۱. کدام مورد می‌تواند مکمل جمله‌ی زیر باشد؟ (سازمان

ثبت اسناد و املاک کشور سال ۹۳)

دیدیم که دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند،

(الف) من سرد و گرم زندگی را بسیار چشیده‌ام.

(ب) ترک مناصحت گرفتم و روی از مصاحبت بگردانیدم.

(ج) پسر از لذت نای و نوش این سخن در گوش نیاورد و بر

قول من اعتراض کرد.

(د) از چگونگی حالش خبر پرسیدم. گفتند به زندان شحنه

دُرّست.

۲۵۲. مفهوم عبارت زیر از چه چیزی حکایت می‌کند؟

(سازمان ثبت اسناد و املاک کشور سال ۹۳)

دجبه صوف خود را به موی ستر بخشید تا برگ عروسی کند

و خود برهنه ماند.

(الف) ملاطفت و مهربانی (ب) خشوع، فروتنی و افتادگی

(ج) سخاوت و ایثار (د) قناعت و خرسندی

۲۵۳. مفهوم بیت زیر با کدام مورد ارتباط معنایی دارد؟

دز خاک آفریدت خداوند پاک

پس ای بنده افتادگی کن چو خاک،

(الف) به بد گفتن خلق، چون دم زدی

اگر راست گویی سخن هم بدی

(ب) تو گر شکر کردی که با دیده‌ای

وگرنه تو هم چشم پوشیده‌ای

(ج) نداند کسی قدر روز خوشی

مگر روزی افتد به سختی کشی

(د) طریقت جز این نیست درویش را

که افکنده دارد تن خویش را

(ب) دمنه گفت: چنین است و کوتاهی پادشاه در گرمی داشت او، باعث ناخوشی اش گشته است.

(ج) دمنه گفت: این شبیه است به اکرام پادشاه وقتی او را در خوشی غرق می‌بینی.

(د) دمنه گفت: چنین است و بخشندگی پادشاه، باعث خجالت او گردیده است.

۲۵۸. مصراع زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟
(فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز،

(الف) او را به چشم پاک توان دید چون هلال

هر دیده جای جلوه‌ی آن ماه‌پاره نیست

(ب) دور از رخ تو دم به دم از گوشه چشمم

سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت

(ج) دیده‌ی امید را کردی سفید از انتظار

دوستان را خود نبود این چشم از دلداریت

(د) آب چشمم که بر او منت خاک در توس

زیر صد منت او خاک دری نیست که نیست

۲۵۹. مفهوم عبارت «همه‌کس را عمل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال، از کدام بیت دریافت می‌شود؟ (فراگیر

پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

(الف) هر که در او جوهر دانایی است

بر همه چیزیش توانایی است

(ب) در میان جاهل و عاقل بود فرقی سلیم

مدعی گر با تو بد باشد تو با او خوب باش

(ج) گر از بسیط زمین، عقل منعدم گردد

بر خود گمان نبرد هیچ‌کس که نادانم

(د) از خود را به زیر پای در آر

عقل خود را جوی و چهل را بگذار

۲۶۰. بیت زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

می‌بهشت ننوشم ز دست ساقی رضوان

مرا به باده چه حاجت که مست بوی تو باشم،

(الف) گر بیارند کلید همه درهای بهشت

جان عاشق به تماشاگاه رضوان نرود

(ب) شنیده‌ام که بهشت آن کسی تواند یافت

که آرزو برساند به آرزومندی

۲۵۴. مفهوم مصراع اول بیت دکی شعر تر انگیزد، خاطر که حزین باشد / یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد، کدام گزینه است؟ (آموزش و پرورش سال ۸۹)

(الف) شعر ناب، کی می‌تواند خاطر افسرده را شاد کند؟

(ب) شعر تر و تازه کی می‌تواند خاطر غمناک را تسکین دهد؟

(ج) خاطری که غمگین و محزون است کی می‌تواند شعر روان با طراوت بسراید؟

(د) شعر خوب قادر است خاطر افسرده و غمگین را شاد کند.

۲۵۵. معنی مصراع دوم بیت «آن‌کس نه آدمی است گرگ است / آهوکشی، آهوپی بزرگ است، کدام گزینه است؟ (آموزش و پرورش سال ۸۹)

(الف) کشتن آهو، کاری بزرگ است.

(ب) کشتن آهو بسیار ناپسند است.

(ج) کشتن آهو عیب و گناه بزرگی است.

(د) آهوپی فریه را کشتن خطاست.

۲۵۶. مفهوم بیت زیر با کدام بیت یکسان است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر دوم سال ۹۴)

داز بهر غم به کسی گر بری پناه

هم غم به جای ماند و هم آبرو رود،

(الف) به دست من و توس نیک‌اختری

اگر بد نجویم، نیک‌اختریم

(ب) آدمی گرچه بر زمانه مه است

ز آدمی خام، دیو پخته به است

(ج) دست طمع چو پیش کسان می‌کنی دراز

پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش

(د) به دشمن رسد هر چه باشد به گنج

بده تا روانت نباشد به رنج

۲۵۷. معنی صحیح عبارت زیر در کدام مورد آمده است؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

دمنه گفت: هم‌چنین است و فرط اکرام ملک، این بطر بدو راه داده است،

(الف) دمنه گفت: چنین است و زیادی بزرگداشت پادشاه،

باعث بی‌باکی و گردن‌کشی او شده است.

- (ج) رضوان مگر سراچه‌ی فردوس برگشاد
کاین حوریان به ساحت دنیا خزیده‌اند
- (د) چه لطف بود رقیبا که رفتی از کویش
بدین ثواب که کردی بهشت جای تو باد
۲۶۱. بیت زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟ (فراگیر
پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
اگر ژاله هر قطره‌ای دُر شدی
- چو خر مهره بازار از او پُر شدی،
الف) آبیگینه همه‌جا یابی از آن قدرش نیست
لعل دشخوار به‌دست آید از آن است عزیز
ب) نه منعم به مال از کسی بهتر است
خر از جل اطلس ببوشد خر است
ج) اگر باران به کوهستان نبارد
به سالی، دجله گردد خشک رودی
د) چو گردد کوزه‌ی خام از نمی خُرد
دُرُست از قمر دریا چون توان برد
۲۶۲. مفهوم کنایی «شرم و حیا داشتن»، از کدام بیت، دریافت
می‌شود؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)
الف) هر جا که بنگری رخ او در تجلی است
مجنون اگر شوی، همه آفاق لیلی است
ب) عشق بی‌جلوه حسنی نکشد ناز وجود
یوسفی هست هر جا که زلیخایی هست
ج) یوسف از گرگ چو کند نالش
که به چاهش برادر اندازد
د) زلیخا رخ بدان فرخ‌لقا داشت
ولی یوسف نظر بر پشت پا داشت
۲۶۳. مفهوم بیت «نبايد سخن گفت ناخواسسته / شاید بریدن
نینداخته، با کدام گزینه متناسب است؟
الف) گزاف از خود یافته کی سزد
ب) بریدی تو ناکرده گز جامه را
ج) سخن تا نپرسند، لب بسته‌دار
د) سخن بسیار دانی، اندکی گوی
۲۶۴. «دیری است که تو را چشم می‌داشتم، یعنی:
الف) زمان طولبی است که به تو نگاه می‌کردم.
ب) دور زمانی است که به امید کمک تو بودم.
- (ج) مدت مدیدی است که منتظر تو بودم.
(د) مدتی است که نظاره‌گر رفتار تو هستم.
۲۶۵. معنای مصراع اول بیت زیر، چیست؟
این راه را نهایت، صورت کجا توان یافت
کش صد هزار منزل بیش از در بدایت،
الف) در نهایت، گرفتار عشق، راه بازگشت ندارد.
ب) طبق عشق و سلوک به‌سوی حق را چگونه می‌توان
پیمود؟
ج) پایان سیر و سلوک به‌سوی حق، دیدار چهره‌ی معبود
است.
د) پایان راه عشق و سیر به‌سوی حق، غیرقابل تصور است.
۲۶۶. معنی «بگفت آشفته از مه دور بهتر، چیست؟
الف) گفت از زیبارو، نصیبی جز آشفستگی نیاید، دوری از او
هرچه بهتر.
ب) گفت دوری پریشان‌حال، از شاهد زیباروی بهتر.
ج) گفت سزاست که آشفته و پریشان‌حال از محضر بزرگان
دوری گزیند.
د) گفت دیوانه هرچه در ماه ننگرد و از آن دور باشد، بهتر
است.
۲۶۷. معنی «حذر کن ز نادان ده مرده‌گوی، در کدام گزینه
آمده است؟
الف) از نادانی که به اندازه‌ی ده تن سخن می‌گوید، پرهیز.
ب) از نادانی که ادعا می‌کند از ده مرد، گوی سبقت می‌برد،
پرهیز.
ج) از نادان پرهیز و او را به همه بشناسان.
د) به دیگران بگو که از نادان پرگو پرهیزید.
۲۶۸. بیت «اگر در دیده‌ی مجنون نشینی / به غیر از خوبی
لیلی نبینی، با کدام بیت، قرابت معنایی دارد؟
الف) دیده‌ی عقل‌بین، گزیند حق
دیده‌ی رنگ‌بین، نبیند حق
ب) ستایش سرایان نه یار تواند
ملاحت‌کنان دوست‌دار تواند
ج) ور هنری دارد و هفتاد عیب
دوست نبیند مگر آن یک هنر
د) دوست آن است که معايب دوست
هم‌چو آینه روبه‌رو گوید

۲۷۳. باتوجه به عبارت «آواز دادم به خدمت کاران تا شمع برافروختند و به گرمای رفته و دست و روی بشستم و قرار

نمود، مفهوم جمله‌ی پایانی چیست؟

(الف) پیش از آن سابقه نداشت.

(ب) در حالی که آرام و قرار نداشتیم.

(ج) در حالی که ضرورت هم نداشت.

(د) ولی آمادگی قبلی نداشتیم.

۲۷۴. باتوجه به عبارت «هنوز بیست سال نداشتیم که پا در معرکه گذاشتیم و اکنون سالیان عمرم از شصت فزون است، اما آن را که فرمان نبرند، سر رشته‌ی کار از دستش بیرون است، به نظر امام علی (ع) شرط موفقیت یک فرمانده چیست؟

(الف) کسب تجربه‌ی فراوان در جنگ‌آوری

(ب) پذیرفتن وظایف خطیر در سنین بالای عمر

(ج) برخورداری از نیرو و نشاط جوانی

(د) اجرای کامل اوامرش از طرف زیردستان

۲۷۵. بدو گفت مهتر به روی دژم

که بر گوی تا از که دیدی ستم،

یعنی ضحاک...

(الف) با اندوه فراوان، درباره‌ی ظلمی که در حق او روا داشته بودند، گفت‌وگو کرد.

(ب) با خوشحالی و اظهار شادمانی از کاوه بازجویی کرد.

(ج) دوستانه به او گفت که از هر کسی آزرده شده است، بازگوید.

(د) خشمگینانه، نام کسی را که به کاوه ظلم کرده بود، از او پرسید.

۲۷۶. مضمون بیت زیر یادآور کدام بیت است؟

«باد صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم

که شهیدان که اند این همه خونین کفن‌ان،

(الف) به آوای نای و به آهنگ چنگ

خروشد ز سرو و سمن تارها

(ب) به خون وضو گرفته، تا برادر شهید من

ز اشک شویم این زمان، ز چکمه‌اش غبار را

(ج) صبح‌دم چون کله بندد آه دوداسای من

چون شفق در خون نشیند چشم خون‌بالای من

(د) به خون خود آغشته و رفته‌اند

چه گل‌های رنگین، به جویبارها

۲۶۹. در عبارت «ناله‌های گریه‌آلود آن امام راستین که هم‌چون این شیعه‌ی گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه‌ی پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. چه فاجعه‌ای است در آن لحظه که یک مرد می‌گرید!» به کدام امام شیعه اشاره شده است؟

(الف) امام علی (ع) (ب) امام حسن (ع)

(ج) امام حسین (ع) (د) امام سجاد (ع)

۲۷۰. مفهوم بیت زیر به مفهوم کدام گزینه نزدیک‌تر است؟
عشق را خواهی که تا پایان بری

پس که بپسندید باید ناپسند،

(الف) هر که در سایه گشت گوشه‌نشین

تابش ماه و خور کجا یابد

(ب) عشق او باز اندر آوردم به بند

کوشش بسیار نامد سودمند

(ج) نپندارم ای در خزان کشته جو

که گندم ستانی به وقت درو

(د) در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

۲۷۱. «تو را بر همه چیزها، حکم است تا در ضیافت مایی،

یعنی:

(الف) تا هر وقت که اراده کنی، می‌توانی مهمان ما باشی.

(ب) تا وقتی مهمان ما هستی، هر دستوری بدهی لازم‌الاجرا است.

(ج) به ما امر شده است که تو را به‌عنوان مهمان بپذیریم.

(د) برای پذیرایی از شما، بسیار نعمت‌ها فراهم آورده‌ایم.

۲۷۲. مفهوم کامل بیت زیر، چیست؟

«بی‌دل این کم‌همتان، بر عز و جاه

فخرها دارند و عاری بیش نیست،

(الف) این‌ها که خواهان احترام هستند، نمی‌دانند که کار ننگین می‌کنند.

(ب) این بیچاره‌ها نمی‌دانند که زندگی نکبت‌باری دارند.

(ج) سرافرازی و سربلندی این ساده‌اندیشان، شرم‌آور است.

(د) نازش این افراد سست‌اراده، به مقال و مقام دنیایی، ننگ‌آور است.

۲۸۲. منظور از «چوک» در مصراع «چوک ز شاخ درخت،
خویشتن آویخته، کدام پرنده است؟

- الف) زاغ (ب) شباویز
ج) عندهلیب (د) قمری

۲۸۳. باتوجه به داستان گذر سیاوش از آتش، مفهوم مصراع
اول بیت زیر، چیست؟

«مگر کاتش تیز پیدا کند گنه کرده، را زود رسوا کند،
الف) احتمال دارد که به زودی آن آتش سوزان را ببیند.

ب) امکان دارد که آتش، حرارت و گرمای خویش را بازیابد.
ج) امید آن که برای خویشتن آتش و گرمی بیابد.

د) باشد که آتش سوزان، موضوع را روشن و مشخص سازد.
۲۸۴. مفهوم بیت زیر می‌گوید: تا کی می‌خواهی....

«تا به کی نازی به حسن عاریت

ما و من آینه‌داری بیش نیست،

الف) به هستی‌های ظاهری که فقط جلوه‌گر جمال حق‌اند،
اما خود ناپایدارند، مباحث می‌کنی؟

ب) به زیبایی عاریتی و ناپایدار دیگران حسرت بخوری؛ در
حالی که باید به توانایی‌های خود بیندیشی؟

ج) ظاهر خود را بیارایی؛ در حالی که دیگران بیش از تو
اهلیت آن را دارند؟

د) از رفتار و کردار دیگران تقلید کنی؟ باید بکوشی که به
خود متکی باشی.

۲۸۵. مفهوم عبارت «اگر مقبول بود، به ردّ خلق مردود
نگردد و اگر مردود بود، به قبول خلق، مقبول نگردد، کدام

گزینه را اصلی و مهم می‌داند؟

- الف) پذیرش مردم (ب) قبول خاطر
ج) کردار آدمی (د) نظر آفریدگار

۲۸۶. «منی چون پیوست با کردگار

شکست اندر آورد و برگشت کار، یعنی:

الف) رابطه و پیوند قلبی با خدا، سبب جبران شکست او شد.
ب) تکیه و توکل به خدا همراه با کار و کوشش، سبب
پیروزی او شد.

ج) خودبینی و ناسپاسی به یزدان، سبب شکست او شد.

د) اعتماد به نفس همراه با کوشش، سبب پیروزی او شد.

۲۷۷. معنی «بکش جام در بزم می‌خوارها، در کدام گزینه
آمده است؟

الف) در مجلس جشن می‌خوران، جام را از ساقی بگیر.
ب) در مجلس عاشقان و عارفان سرمست، شراب عشق
الهی را بنوش.

ج) در مجلس عارفان سرمست عشق‌الهی، زبان درکش.
د) در بزم می‌خوارگان، هم‌نفس باش و از جامشان جرعه‌ای
بنوش.

۲۷۸. بیت زیر، بیانگر کدام مفهوم اخلاقی است؟
«اگر در دیده‌ی معجون نشینی به‌غیر از خوبی لیلی نبینی،

- الف) خوش‌خویی (ب) عیب‌پوشی
ج) آرام‌جویی (د) طنازی

۲۷۹. مفهوم نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه، نادرست
است؟

الف) بر گل تر عندهلیب، گنج فریدون زده است: نغمه‌سرای
بلبل بر شاخه‌ی باطراوات گل

ب) کبک دری ساق پای در قدح خون زده است: شکستگی
پای کبک

ج) گویی بط سفیدجامه به صابون زده است: سفیدی پره‌ای
مرغابی

د) لشکر چین در بهار، خیمه به هامون زده است: شکفتن
گل‌های بهاری در دشت

۲۸۰. «شیخ بوعلی‌الله بشکست و با خویش رسید، یعنی شیخ
ابوعلی‌الله....

الف) توفیق یافت و به آرزویش نائل شد.

ب) خوار و خقیف شد و به خود آمد.

ج) مغلوب شد و تأسف خورد.

د) او را از میدان به در برد و بر مسند او تکیه زد.

۲۸۱. باتوجه به عبارت «آن‌شب، گرم و تماشا و غرق در این
دریای سبز معلقی که بر آن، مرغان الماس‌پر، زیبا و

خاموش، تک‌تک از غیب سر می‌زنند....»، منظور از دریای
سبز و مرغان الماس‌پر کدام است؟

الف) آسمان، ستارگان (ب) شهر، چراغ‌ها

ج) دشت‌ها، گل‌ها (د) دریا، پرندگان

۲۸۷. مفهوم کدام مورد با عبارت مشخص شده در متن زیر متفاوت است؟ (فراگیر هفتم)

داستعداد بی تربیت دریغ است و تربیت نامستعد، ضایع،

الف) نرود میخ آهنین در سنگ

ب) فرزند خوب، مادر نادان نپرورد.

ج) عاقبت گرگ زاده گرگ شود.

د) تربیت ناهل را چون گردکان برگنبد است.

۲۸۸. کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟ (فراگیر هفتم)

امیدوار بود آدمی به خیر کسان

مرا به خیر تو امید نیست شر مرسان،

الف) رفت باران نباشی افت ایشان مشو

سیرت حق چون نباشی صورت باطل مباحث

ب) چون بدونیک جهان یک سر به حکم خالق است

پس به مخلوق ار خرد داری مباحث امیدوار

ج) چهره خورشید پنهان است در زنگار من

می زند صیقل به چشم بسته روشنگر

د) چه حاجت است به اظهار عشق پیش تو ما را

که اشک گوید و رخسار زرد و رنگ پریده

۲۸۹. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟ (فراگیر هفتم)

الف) نخواستم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت

که آب دیده سر خم نگفت و چهره زردم

ب) سخن عشق تو بی آن که برآید به زبانم

رنگ رخساره خیر می دهد از راز نمانم

ج) گلم زدست به در برد روزگا مخالف

امید هست که خارم زبای هم به درآید

د) خار تاکی لاله ای در باغ امیدم نشان

زخم تاکی مرهمی برجان درد انین من

۲۸۹. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟ (فراگیر هفتم)

الف) نخواستم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت

که آب دیده سرخم نگفت و چهره زردم

ب) سخن عشق تو بی آن که برآید به زبانم

رنگ رخساره خیر می دهد از راز نمانم

ج) چهره خورشید پنهان است در زنگار من

می زند صیقل به چشم بسته روشنگر مرا

د) چه حاجت است به اظهار عشق پیش تو ما را

که اشک گوید و رخسار زرد و رنگ پریده

۲۹۰. در همه ابیات، مصاحبت با فرزنانگان توصیه می شود،

به جز (فراگیر هفتم)

الف) هنرجوی و با مرد دانا نشین

چو خواهی که یابی زبخت آفرین

ب) چو بنیاد مردی بیاموخت مرد

سزاوار گردد به جنگ و نبرد

ج) چو با مرد دانات باشد نشست

زبردست گردد سر زبردست

د) هم نشین تو از تو به باید

تا توراً عقل و دین بیفزاید

۳۰۲. داستان «گاو» و «جزیره‌ی سرگردانی» به ترتیب آثار کدام یک از نویسندگان بزرگ است؟ (دیوان محاسبات سال ۹۴)

- (الف) صادق هدایت، غلامحسین یوسفی
(ب) غلامحسین ساعدی، سیمین دانشور
(ج) صادق هدایت، جلال آل احمد
(د) صادق چوبک، سیمین دانشور

۳۰۳. «شهری چون بهشت» نفرین زمین، به ترتیب از آثار چه کسانی است؟ (تأمین اجتماعی سال ۹۳ و ۹۴)

- (الف) سیمین دانشور، جلال آل احمد
(ب) جلال آل احمد، صادق چوبک
(ج) سیمین دانشور، جمال میرصادقی
(د) جمال زاده، صدق هدایت

۳۰۴. کدام اثر، از آثار «محمد حجازی» است؟ (وزارت نیرو، سال ۹۶)

- (الف) سفر در مه
(ب) تماشاگاه راز
(ج) روزها
(د) آینه

۳۰۵. متن زیر، معرف کدام شخصیت ادبی است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر اول سال ۹۴)

«مورخ و نویسنده‌ی بزرگ معاصر که در سال ۱۳۰۱ در بروجرده دنیا آمد. وی در شهریور ۱۳۷۸ دارفانی را وداع گفت. از آثار مشهورش، نقد ادبی، سرّ نی، پله پله تا ملاقات با خدا و... را می‌توان نام برد»

- (الف) عبدالحسین زرین کوب
(ب) سیدجعفر شهیدی
(ج) غلامحسین یوسفی
(د) غلامحسین ساعدی

۳۰۶. کدام آثار زیر، از «غلامحسین یوسفی» است؟ (فراگیر پنجم و آموزش و پرورش سال ۹۷)

- (الف) داستان من و شعر، از رنجی که می‌بریم
(ب) چشمه‌ی روشن، سه تار
(ج) دیداری با اهل قلم، کاغذ زر
(د) برگ‌هایی در آغوش باد، خسی در میقات

۳۰۷. نویسنده‌ی کتاب «روزها» کیست و در چه زمینه‌ای نگارش یافته است؟

- (الف) باستانی پاریزی، تاریخ
(ب) علی شریعتی، جامعه‌شناسی
(ج) غلامحسین یوسفی، ادبیات
(د) محمدعلی اسلامی ندوشن، حسب حال

فصل هشتم:

سوالات مربوط به تاریخ و ادبیات

۲۹۴. منظومه‌ی «مروارید مهر» از سروده‌های کیست؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر سوم سال ۹۵)

- (الف) سهراب سپهری
(ب) رهی معیری
(ج) حمید سبزواری
(د) فریدون مشیری

۲۹۵. کدام اثر، از ملک‌الشعرای بهار است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)

- (الف) شرح مثنوی مولوی
(ب) تصحیح کلیات سعدی
(ج) تصحیح جوامع‌الحکایات
(د) سبک‌شناسی

۲۹۶. دفتر شعری و ادبی «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» سروده‌های کدام شاعر معاصر است؟

- (الف) اخوان ثالث
(ب) سلمان هراتی
(ج) شفیعی کدکنی
(د) هوشنگ ابتهاج

۲۹۷. کدام اثر، از آثار «فریدون مشیری» است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر دوم سال ۹۴)

- (الف) آه باران
(ب) سوت‌دلان
(ج) کرامت آبی
(د) از این اوستا

۲۹۸. داستان «دیوار» از آثار مشهور کدام نویسنده‌ی معاصر است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۵)

- (الف) صادق چوبک
(ب) جمال میرصادقی
(ج) صادق هدایت
(د) تقی پورنامداریان

۲۹۹. کتاب «سگ ولگرد» اثر کیست؟ (فراگیر ششم ۹۷)

- (الف) صادق هدایت
(ب) جمال زاده
(ج) جلال آل احمد
(د) صادق چوبک

۳۰۰. کدام اثر از «نادر ابراهیمی» است؟ (قوه قضائیه سال ۹۶)

- (الف) آتش بدون دود
(ب) دهکده‌ی پرمال
(ج) فارسی شکر است
(د) نفرین زمین

۳۰۱. کتاب «در خدمت و خیانت روشن‌فکران» اثر کیست؟ (دستیاران ستادی سال ۹۴)

- (الف) صادق هدایت
(ب) زرین کوب
(ج) ملک‌الشعرای بهار
(د) جلال آل احمد

۳۰۸. کدام کتاب از آثار «دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن» نیست؟
 الف) کارنامه‌ی سفر چین (ب) با کاروان حله
 ج) در کشور شوراها (د) آزادی مجسمه
۳۰۹. نویسنده‌ی کتاب «شرح زندگانی من، کیست؟»
 الف) علی‌اکبر دهخدا (ب) باستانی پاریزی
 ج) عبدالله مستوفی (د) سعید نفیسی
۳۱۰. نویسنده‌ی کدام یک از زندگی‌نامه‌ها و شرح احوال بزرگان علم و ادب «دکتر عبدالحسین زرین‌کوب» نیست؟
 الف) پله‌پله تا ملاقات با خدا
 ب) پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد
 ج) غزالی‌نامه
 د) فرار از مدرسه
۳۱۱. وصف شور عاشقانه و وجد عارفانه و لحظه‌های هجران وصل، در اشعار کدام دو شاعر، بیشتر جلوه‌گر است؟
 الف) حافظ و مولانا (ب) عنصری و منوچهری
 ج) فرخی و ملک‌الشعراى بهار (د) سعدی و حافظ
۳۱۲. کدام گزینه از نویسندگان نثر مسجع است؟ (فراگیر ششم ۹۷)
 الف) خواجه عبدالله انصاری (ب) ابوعلی بلخی
 ج) ناصر خسرو قبادیانی (د) سهراب سپهری
۳۱۳. سعدی، شاعر و نویسنده‌ی کدام قرن است؟
 الف) هشتم (ب) نهم
 ج) ششم (د) هفتم
۳۱۴. پدر مثنوی‌سرایی، بزمی و عاشقانه‌ی ایران کدام است؟ (فراگیر ششم ۹۷)
 الف) رودکی (ب) نظامی
 ج) جمال‌الدین اصفهانی (د) حافظ
۳۱۵. کدام مورد زیر، نام یکی از آثار معروف «عیید زاکانی» است؟ (قوه قضائیه ۹۶)
 الف) یکی بود، یکی نبود (ب) زن زیادی
 ج) موش و گربه (د) امیرارسلان
۳۱۶. کدام گزینه نویسنده‌ی کتاب «سیاست‌نامه» و وزیر «الب ارسلان» بوده است؟ (فراگیر ششم)
 الف) عنصرالمعالی کیکاووس (ب) خواجه نظام‌الملک
 ج) ابوالفضل بیهقی (د) امام محمد غزالی
۳۱۷. سبک و نظم شعر «عبدالقادر بیدل دهلوی» چیست؟
 الف) خراسانی (ب) هندی
 ج) عراقی (د) دوره‌ی بازگشت
۳۱۸. سراینده‌ی «نصاب‌الصبيان» کیست و در چه موضوعی تألیف شده است؟
 الف) ابونصر فراهی - تعلیم لغت
 ب) ابن‌ملک - صرف و نحو عربی
 ج) محمد واصفی - حسب حال
 د) ابوبکر عتیق نیشابوری - شرح حال انبیای الهی
۳۱۹. کدام اثر از «آلبر کامو» است؟ (آموزش و پرورش سال ۹۴)
 الف) محاکمه (ب) سوء تفاهم
 ج) وداع با اسلحه (د) مسخ
۳۲۰. «طاعون» از آثار مهم کدام نویسنده است؟ (دیوان محاسبات سال ۹۴)
 الف) ارنست همینگوی (ب) فرانس فانون
 ج) هرمان هسه (د) آلبر کامو
۳۲۱. رمان «صد سال تنهایی» از آثار کدام نویسنده‌ی مکتب واقع‌گرایی است؟ (دستگاه‌های اجرایی، فراگیر دوم سال ۹۴)
 الف) ماکسیم گورکی (ب) گابریل گارسیا مارکز
 ج) لئون تولستوی (د) ویلیام فاکنر
۳۲۲. «تخیلات شاعرانه» اثر کیست؟
 الف) ولفگانگ گوته
 ب) دکتر عبدالحسین زرین‌کوب
 ج) دکتر علی شریعتی
 د) آلفونس دولامارتین
۳۲۳. کتاب «کمدی الهی» اثر کیست؟
 الف) میلتون (ب) دکارت
 ج) بوالو (د) دانته
۳۲۴. در کدام مصراع کنایه وجود دارد؟ (فراگیر ششم ۹۷)
 الف) هنوز از دهان بوی شیر آیدش
 ب) دوست نگردد فقیر و غنی
 ج) حقیقت، سرایی است آراسته
 د) نرگس مست نوازش کن مردم‌دارش

پاسخ‌نامه تشریحی سؤالات ادبیات

گزینه «ب» صحیح است: «که زبان مقال او (گفتگو) گنگ است» فعل جمله اسنادی یا ربطی است، پس «گنگ» مسند و «زبان مقال» نقش نهاد یا مسندالیه دارد.

گزینه «ج» صحیح است: فعل جمله‌ی اول «تام» است و فعل جمله‌ی دوم «بُود» در معنای «است». فعل اسنادی می‌باشد.

گزینه «د» صحیح است: فعل جمله‌ی اول فعل مرکب به‌شمار می‌رود.

۶. گزینه د، صحیح است.

«دشمنی کردن، یک دوست (را) برای تو باقی نگذاشت/ یک مرد رزم‌جوی هم در سپاه تو وجود ندارد»

گزینه «الف» صحیح است: «یک دوست» مفعول و ضمیر «تو» در مصراع دوم، باتوجه به این‌که (را) از نوع «فک اضافه» است نقش مضاف‌الیه دارد (تو را سپاه: سپاه تو)

گزینه «ب» صحیح است: «دشمنی» حاصل مصدر است؛ زیرا در معنای مصدری «دشمنی کردن» به‌کاررفته و در جمله‌ی اول نقش «نهاد فاعلی» دارد.

گزینه «ج» صحیح است: در مصراع اول «تو» بعد از «برای» آمده، پس متمم است. در مصراع دوم فعل «نیست» به معنای «وجود ندارد» فعل ربطی یا اسنادی نیست.

گزینه «د» صحیح است: همان‌طور که ذکر شد، «تو» در مصراع اول مضاف‌الیه است.

۷. گزینه د، الف، صحیح است.

چه کسی یار تو باشد؟ خدا (نهاد)

ضمیر «تو» در ترکیب اضافی «یار تو» مضاف‌الیه است.

چگونه (با چه حالتی) در این راه دم می‌زنی؟ مردانه (قید چگونگی یا حالت)

۸. گزینه د، ب، صحیح است.

چه چیزی گم شد؟ زیبایی (نهاد)

واژه‌ی «گم» پیش از فعل اسنادی «شد» قرار گرفته، پس نقش مسند دارد.

چه چیز را یاد من آورد؟ وطن را (مفعول)

۹. گزینه د، ب، صحیح است.

شرط عشق، مسند (پیش از فعل اسنادی قرار گرفته). زنده برگشتن، نهاد، کوی دوست: متمم (چون بعد از حرف اضافه «از» قرار گرفته)، نیست: فعل اسنادی یا ربطی.

۱. گزینه د، ج، صحیح است.

در گزینه‌های دیگر، «شب»، نقش «قید زمان» دارد؛ اما در گزینه‌ی ج نقش «نهاد» دارد (چه چیز از نیمه‌شب گذشت؟ شب) در واقع «شب» اسمی است که هم می‌تواند نقش‌های اصلی مانند: نهاد، مسند، مفعول، متمم و مضاف‌الیه را داشته باشد و هم می‌تواند نقش «قید» بگیرد.

۲. گزینه د، صحیح است.

در گزینه‌ی د، واژه‌ی «خودپرست» از نظر صرفی، صفتی است که در این جمله نقش «مسند» دارد. در جمله‌ی «مشو خودپرست»، «مشو» از مشتقات مصدر «شدن» است و صفت قبل از آن نیز، نقش «مسند» دارد.

در گزینه‌ی الف، صفت «مبارک» که در یک گروه اسمی جای دارد که نقش متمم دارد (در این مبارک معدن). در گزینه‌های ب و ج نیز، صفت بیانی وجود ندارد.

۳. گزینه د، صحیح است.

در گزینه‌های دیگر، واژه‌ی «امروز» قید زمان است. اما در گزینه «د» صحیح است. این واژه «مضاف‌الیه» است؛ زیرا دومین واژه در ترکیب اضافی «چهره‌ی امروز» می‌باشد.

۴. گزینه د، الف، صحیح است.

«آواره‌تر از آوارگان کوی تو، کجا هست؟»

«آواره‌تر» نهاد، «کوی» در ترکیب «آوارگان کوی» و همچنین «تو» در ترکیب «کوی تو» مضاف‌الیه هستند.

ترکیب «آوارگان کوی تو» به دلیل وجود «از» نقش متمم دارد. «کجا» قید پرسشی است.

اما باتوجه به این‌که فعل جمله «است» در معنا وجود دارد، به‌کار رفته؛ پس فعل اسنادی به‌شمار نمی‌رود و گزینه‌ی الف مردود است.

۵. گزینه د، صحیح است.

گزینه «الف» صحیح است: «حسود کوتاه‌دست، هر آینه (قطعا) غیبت می‌کند» این جمله مفعول ندارد و عبارت «حسود کوتاه‌دست» نهاد فاعلی است.

در اصل «هست‌کننده» بوده که پسوند «نَده» از انتهای آن حذف شده است.

در گزینه «ب» واژهی «جهان‌بین» صفت فاعلی مرکب مرخم است که جانشین اسم (مردم) شده است. در اصل «جهان‌بیننده» بوده که پسوند «نَده» از انتهای آن حذف شده است.

در گزینه «د» واژهی «خودپرست» صفت فاعلی مرکب مرخم است که جانشین اسم (مرد) شده است. در اصل «خود پرستنده» بوده که پسوند «نَده» از انتهای آن حذف شده است.

۱۸. گزینه الف، صحیح است.

در گزینه «الف» صفت «مرده» جانشین اسم (انسان)

در گزینه «ب» صفت «سیاه‌روز» همراه با اسم (جمعی)

در گزینه «ج» صفت «تباه» همراه با اسم خود (کار) ذکر شده.

در گزینه «د» «نیغماگر» مسند است نه صفت.

۱۹. گزینه د، صحیح است.

در گزینه «الف» واژهی «خدای‌خوان» صفت فاعلی مرکب مرخم است که جانشین اسم (مردم)، در گزینه «ج» صحیح است. واژهی «پاکباز» صفت فاعلی مرکب مرخم است که جانشین اسم (مردم) و در گزینه «د» صحیح است. واژهی «جنگاور» صفت فاعلی مرکب مرخم است که جانشین اسم (مردم) شده است.

اصل این واژه‌ها، به‌ترتیب «خدای‌خواننده، پاک‌بازنده، و جنگاورنده» بوده که پسوند «نَده» از انتهای آن‌ها حذف شده، و چون اسم قبل از این صفت‌ها ذکر نشده، بنابراین این صفت‌ها جانشین اسم هستند.

در گزینه «ب» واژهی «قالیشویان» صفت نیست، بلکه یک اسم «مشتق- مرکب» است، تابع الگوی «اسم+ بن مضارع+ پسوند (ان)=اسم»

۲۰. گزینه د، صحیح است.

در گزینه «ج» واژهی «نیلوفری» صفت نسبی است که طبق الگوی «اسم+ ی» ساخته شده است و واژهی «برتری» در معنای برتر بودن اسم حاصل مصدر است.

در گزینه «الف» «سگی» در معنای سگ بودن حاصل مصدر است؛ ولی صفت نسبی ندارد.

در گزینه «ب» «انبازی» به معنای شریک بودن حاصل مصدر است، ولی صفت نسبی ندارد.

۱۰. گزینه د، صحیح است.

واژهی «چون» در این سروده به معنی «مثل و مانند» و از حروف اضافه می‌باشد، پس «کمند» متمم است.

«قامتم مانند کمند زلف مهرویان، دو تا شد»

«شد» فعل اسنادی است، پس «دو تا» نقش مسندی دارد.

۱۱. گزینه د، صحیح است.

الف: (ای) هابیلیان (حرف ندا محذوف است)

ب: (ای) سعدی (حرف ندا محذوف است)

ج: (ای) بی‌یاوران عالم (حرف ندا محذوف است)

د: «سعدی» مخاطب واقع نشده و غایب است.

۱۲. گزینه د، صحیح است.

در گزینه‌های دیگر، فعل «گشت» در معنای اسنادی یا ربطی «شد» به کار رفته است. بنابراین در این جمله‌ها «مسند» موجود است.

اما در گزینه «ب» صحیح است. فعل «گشت» انجام دادن کاری را بیان می‌کند (گشتن یا دور زدن) پس جمله فعلیه است.

۱۳. گزینه الف، صحیح است.

در گزینه‌های دیگر، فعل‌های به‌کاررفته (شد، است، گشت به معنی شد) اسنادی هستند و جملات اسمیه را می‌سازند. اما در گزینه «الف» صحیح است. «شد در معنای رفت» فعل تام است.

۱۴. گزینه الف، صحیح است.

در گزینه‌های دیگر، فعل‌های اسنادی «است و نیست» وجود دارد. و در گزینه الف «نیست به معنای وجود ندارد» به‌کاررفته و فعل تام می‌باشد.

۱۵. گزینه د، صحیح است.

در گزینه‌های دیگر، «می‌آموزم، گفته است و فراگرفته است» افعال تام هستند. اما در گزینه «ج» صحیح است. «است» فعل اسنادی یا ربطی می‌باشد.

۱۶. گزینه د، صحیح است.

اسم‌های موجود در بیت عبارتند از «روز، سر، سنگ، عقاب، هوا، طلب، طعمه، پر وبال» هشت اسم

که نکته: «پروبال» یک واژه و «ترکیب عطفی» است.

۱۷. گزینه د، صحیح است.

در گزینه «الف» واژهی «هست‌کن» صفت فاعلی مرکب مرخم است که جانشین اسم (خداوند) شده است.

در گزینه «د» «خامشی» در معنای خامش بودن حاصل مصدر و واژه‌ی «گفتن» اسم مصدر است. صفت نسبی ندارد.

۲۱. گزینه د، صحیح است.

واژه‌های «آسمانی و دروغین» در معنای دروغی هر دو از الگوی «اسم + ی = صفت نسبی» ساخته شده‌اند.

۲۲. گزینه ب، صحیح است.

واژه‌های «پوشیدنی و خوابیدنی» صفت لیاقت هستند که طبق الگوی «مصدر + ی = صفت لیاقت» ساخته شده‌اند.

۲۳. گزینه ج، صحیح است.

در گزینه «الف» «بس» به معنی بسیار، قید مقدار است و ترکیبات «ظاهری شوریده، باطنی خراب، سینه‌ای پرآتش، پرآب» همگی صفت مرکب هستند (ساده نیستند).

در گزینه «ب» واژه‌های «اله (در الهی)، ظاهر، باطن، سینه و چشم» اسم هستند و صفت‌های «شوریده، پرآتش، پرآب» همگی صفت مرکب هستند (ساده نیستند)

در گزینه «د» «بس» قید مقدار است.

در گزینه «ج» ترکیب «لهلی» به معنی خدای من یک ترکیب اضافی است. «ی» در واژه‌های «ظاهری، باطنی، سینه‌ای و چشمی» از نوع پای وحدت محسوب می‌شوند که تعداد آن‌ها چهار است.

۲۴. گزینه الف، صحیح است.

گزینه‌های دیگر، «اسم + اسم» و ترکیب اضافی هستند؛ اما گزینه «الف» صحیح است. «اسم + صفت» است و ترکیب وصفی می‌باشد. (فایق: برگزیده)

۲۵. گزینه د، صحیح است.

در گزینه «الف» مفعول مصراع اول، چه چیزی را می‌گوید؟ «منم حامی بشر» را می‌گوید؛ پس این جمله نقش مفعول دارد.

مفعول مصراع دوم هم به همین طریق شناخته می‌شود. جمله‌ی «دافع هر فتنه و شرم» مفعول است برای فعل خواند.

این بیت، ۴ جمله دارد: «یکی گوید/ من به جهان حامی بشر هستم/ دیگری خواند/ دافع فتنه و شر هستم» که «نهاد» جمله‌ی

اول محذوف است (من)؛ اما نهاد جمله‌ی اول و سوم «فاعلی» هستند، یعنی کاری را انجام داده‌اند (گوید و خواند)، و نهاد جمله‌ی

دوم و چهارم، «غیرفاعلی» هستند، چون فعل این جمله‌ها، اسنادی یا ربطی است.

در گزینه «ب» ضمیرهای موجود در بیت، عبارتند از: «یکی» در مصراع اول؛ که چون اسمی بعد از آن نیامده «ضمیر مبهم» است.

«من» در مصراع اول، «ضمیر شخصی جدا» است.

«دگر» در مصراع دوم «ضمیر مبهم» است.

ضمیر «من» که نقش نهاد جمله‌ی آخر را دارد و محذوف است. واژه‌های «بشر، فتنه و شر» در ترکیب‌های اضافی «حامی بشر، دافع فتنه، (دافع) شر» مضاف‌الیه به‌شمار می‌روند.

در گزینه «د» ترکیب «حامی بشر» در مصراع اول، نقش مسند دارد (من حامی بشر هستم) و فعل اسنادی هر دو مصراع، صورت کوتاه‌شده‌ی فعل «هستم» می‌باشد.

گزینه «ج» واژه‌ی «جهان» در مصراع اول باتوجه به این که بعد از حرف اضافه‌ی «به» قرار گرفته تنها متمم این بیت است. همچنین تنها صفت این بیت، «هر» در ترکیب «هر فتنه» و از نوع «صفت مبهم» می‌باشد.

۲۶. گزینه الف، صحیح است.

در گزینه‌های دیگر، بین صفت و موصوف فاصله افتاده است (سرزمینی شعرپرور و شاعرخیز، شاعری جهانی، دلق مرقع)، اما در گزینه‌ی الف واژه‌های «تنها، متحیر، بهت‌زده» از نظر دستوری صفت به‌شمار نمی‌روند؛ بلکه «قید چگونگی» هستند (چگونه نشست‌ام؟ تنها، متحیر و بهت‌زده)

۲۷. گزینه د، صحیح است.

گزینه‌های دیگر، ترکیب‌های وصفی هستند (اسم + صفت) اما گزینه «د» ترکیب اضافی است (اسم + اسم).

۲۸. گزینه ج، صحیح است.

در گزینه‌ی الف، ترکیب‌های «حسن گفتار، گفتار خویش» ترکیب‌های اضافی هستند که به‌ترتیب از الگوی (اسم + اسم) و (اسم + ضمیر) پیروی می‌کنند. در مصراع دوم، ترکیب «تحسین نادان» یک ترکیب اضافی است؛ اما نکته‌ی درخور توجه این است که «نادان» صفت جانشین اسم است، و ترکیب «پندار خویش» نیز یک ترکیب اضافی (اسم + ضمیر) است.

در گزینه‌ی ب، ترکیب‌های «پیش ابلهان و جواب احقان» ترکیب‌های وصفی هستند که واژه‌های دوم هر ترکیب «صفت جانشین اسم» است. (پیش شخص احق، پیش شخص ابله)

در گزینه‌ی د، ترکیب‌های «صحب حکام، ظلمت شب، و شب یلدا» همگی ترکیب اضافی (اسم + اسم) هستند.

کله نکته: واژه‌ی «بشکست» در این بیت، فعل محسوب نمی‌شود؛ بلکه مصدر مرخم است در معنای شکستن.

در گزینه «د» دو جمله دارد: «گرگی اندر پوستین بره‌ای (است)» و هر زمان اندر کمین بره‌ای (است)»
۳۵. گزینهٔ الف، صحیح است.

گزینه «الف». دو جمله: «یا جواب من را بگو/ یا داده را بده»
گزینه «ب». یک جمله: «نک (اینک) مرغ مرا پرانده‌ای»
گزینه «ج». یک جمله: «ظلم را مثل داد (عدالت) از او می‌پذیری»

گزینه «د». یک جمله: «آن یک طوطی، از درد تو بوی برد»
۳۶. گزینهٔ د، صحیح است.

گزینه «الف». دو جمله دارد: سهل را در این دیرکهن جستن، دلیل آن (است) // که جان من از بدن رفت. واژه‌ی «جستن» مصدر و از مقوله‌ی اسم‌ها است.

گزینه «ب». دو جمله دارد: زیرکی از عشق، حق شناس می‌گردد/ کار عشق از زیرکی، اساس محکم (می‌گیرد).

گزینه «د». دو جمله دارد: وعده‌ی دیدار هرکسی به قیامت (است) // لیله اسری، شب وصال محمد (است).

گزینه «ج». یک جمله دارد: قضا، در هیچ مبحث و دیباچه‌ای برای مرد، کمال و برای زن، نقصان نوشت.

۳۷. گزینهٔ ب، صحیح است.
«بود (به معنای هستی - اسم) را به اندازه باید نمود/ خجالت نبرد/ آن که ننمود/ بود» چهار جمله دارد.

۳۸. گزینهٔ ب، صحیح است.

گزینه «الف». چهار جمله دارد: (ای) علی / ای همای رحمت / تو چه آیتی برای خدا هستی؟ / که سایه‌ی هما را به ما سوا فکندی.
گزینه «ب». پنج جمله دارد: (ای) دل / اگر خدانشناس هستی / همه در رخ علی بین / به خدا قسم می‌خورم / من خدا را به وسیله‌ی علی شناختم.

گزینه «ج». چهار جمله دارد: برو / ای گدای مسکین / در خانه‌ی علی را بزن / که نگین پادشاهی را از روی کرم، به گدا می‌دهد.

گزینه «د». چهار جمله دارد: نه خدا توانمش خواند / نه بشر توانمش گفت / متحیر هستم / شه ملک لافتی را چه بنامم؟

کله نکته: حروف ندا به همراه منادا، از مقوله‌ی «شبه‌جمله‌ها» هستند و یک جمله به حساب می‌آیند.

اما در گزینه‌ی ج، ترکیب «مبارک بنده» ترکیب وصفی مقلوب است؛ یعنی جای صفت و موصوف با هم عوض شده است.
۲۹. گزینهٔ الف، صحیح است.

«موسم خزان» ترکیب اضافی است (اسم + اسم)؛ در صورتی که گزینه‌های دیگر، ترکیب‌های وصفی هستند (اسم + صفت).

۳۰. گزینهٔ د، صحیح است.
پنج ترکیب وصفی، حرکت آرام، یک مورچه، مورچه‌ی سیاه، صخره‌ی سخت، شبی تاریک.

سه ترکیب اضافی: نیت شرک، امت من، حرکت یک مورچه.
۳۱. گزینهٔ د، صحیح است.

ترکیب «عالم خاک» نوعی ترکیب اضافی است (اسم + اسم) که واژه‌ی اول مضاف و واژه‌ی دوم مضاف‌الیه است.

۳۲. گزینهٔ الف، صحیح است.

نکته‌ی قابل توجه این است که فعل «بسوخت» در معنای «سوخت» از افعال «دو وجهی» محسوب می‌شود که گاهی لازم (ناگذر) است و گاهی متعدی (گذرا به مفعول).

در گزینه «ب» کاشانه را سوزاند (متعدی)

در گزینه «ج» خراسان و ماوراءالنهر را سوزاند (متعدی)

در گزینه «د» چوب درختان بی‌بر را باید سوزاند (متعدی)

در گزینه «الف» سینه از آتش دل بسوخت (لازم)

۳۳. گزینهٔ د، صحیح است.

در گزینه «الف» فعل‌های «زد و بدانست»، «متعدی یا مفعول‌پذیر» هستند؛ اما فعل «تماند» لازم است.

در گزینه «ب» فعل «بخست» لازم و «ببست» متعدی.

در گزینه «ج» فعل‌های «گفت، بذار، ببین» متعدی و فعل «آید» لازم است.

در گزینه «د» تمامی فعل‌های «بگشاد، دید، بردید» متعدی هستند.

۳۴. گزینهٔ د، صحیح است.

در گزینه «الف» یک جمله دارد و فعل (آغاز می‌کنم) محذوف است.

در گزینه «ب» نیز شامل یک جمله است: «در جستجوی گمشده‌ی بی‌نشان خویش، به جان و به اندیشه و به دل فرورفتم».

در گزینه «ج» دارای یک جمله است: «به بازوان توانا و قدرت سردست، پنجه‌ی مسکین ناتوان بشکستن خطاست».

اما در گزینه «د» «چه» پسوند تصغیر نیست و متعلق به خود واژه است؛ به معنای موی جلوی سر یا پیشانی.

۴۶. گزینه «ج» صحیح است.

گزینه‌های دیگر، از الگوی «صفت شمارشی + پسوند (ه/ا)» پیروی می‌کنند؛ اما گزینه «ج» صحیح است. «اسم + پسوند (ه/ا)» است.

۴۷. گزینه «ب» صحیح است.

گزینه‌های دیگر، اسم مشتق هستند که از الگوی «اسم + پسوند (-ستان)» پیروی می‌کنند اما گزینه «ب» صحیح است.

اسم مرکب است. یعنی از دو تک‌واژه آزاد یا مستقل ساخته شده است و تابع الگوی «اسم + بن مضارع» دل + ستان = کسی که دل را می‌ستانند.

۴۸. گزینه «ج» صحیح است.

در گزینه‌های دیگر، همگی صفت هستند و به ترتیب به معنی «جایز و شایسته، سزاوار و پاینده» که از الگوی «بن مضارع + پسوند (ا) = صفت» پیروی می‌کنند. اما گزینه «ج» صحیح است، صفت نیست و معنی مصدری دارد. «یارا» در معنای «نیرو، توانایی» که از نظر دستوری، اسم به‌شمار می‌رود.

۴۹. گزینه «الف» صحیح است.

نیک‌مردی، نیک + مردی + ی (اسم مشتق مرکب) چندان چند + ان (قید مشتق) گرگ: اسم ساده

تیزدندان، تیز + دندان (صفت مرکب)

۵۰. گزینه «ج» صحیح است.

گزینه‌های ب و د، اسم مشتق فارسی هستند تابع الگوی «بن مضارع + پسوند (مان)»

گزینه «الف» صحیح است. اسم مشتق فارسی تابع الگوی «بن ماضی + پسوند (ان)» است.

گزینه «ج» صحیح است. واژه‌ای فرانسوی است.

۵۱. گزینه «ب» صحیح است.

گزینه‌های دیگر، همگی پیرو الگوی «اسم + اسم = اسم» هستند. اما گزینه «ب» صحیح است، از الگوی «اسم + اسم = صفت» ساخته شده است. یعنی واژه‌ی «گل‌بدن» یک صفت است به معنای «زیبا بدن، خوش‌اندام»

گل‌شکر: معجونی که از برگ گل سرخ و شکر یا قند، برای تقویت معده به‌کار می‌رود.

۳۹. گزینه «الف» صحیح است.

«آه/ای زندگی/ من هستم/ هنوز با همه‌ی پوچی از تو لبریز هستم» چهار جمله دارد.

«آه» و «ای زندگی» شبه‌جمله هستند که جمله محسوب می‌شوند.

۴۰. گزینه «د» صحیح است.

«قضا گفت/ بگیر/ قدر گفت/ بده/ فلک گفت/ احسنت/ ماه گفت/ زه (آفرین)» هشت جمله دارد.

«احسنت و زه» در معنای آفرین شب‌جمله هستند.

۴۱. گزینه «الف» صحیح است.

«ای صبا/ با بلبل خوش‌گوی بگو/ لاله‌ی خودرو، روی می‌نماید» سه جمله دارد.

۴۲. گزینه «د» صحیح است.

در گزینه «الف» «بعضی» ضمیر مبهم است که بعد از آن اسمی نیامده است.

در گزینه «ب» «چیست» صورت کوتاه‌شده‌ی «چه است؟» و «چه» ضمیر پرسشی به حساب می‌آید، چون بعد از آن، فعل قرار گرفته؛ نه اسم.

در گزینه «ج» «چه» در ترکیب «چه‌کار» صفت پرسشی و در عبارت «از بهر چه آورده است؟» ضمیر پرسشی است.

در گزینه «د» «همین» باتوجه به این که قبل از اسم «خوردن» خفتن» قرار گرفته، صفت اشاره به‌شمار می‌رود. (در این گزینه ضمیر وجود ندارد)

۴۳. گزینه «ب» صحیح است.

در گزینه «ب» واژه‌ی «هر صفت مبهم است؛ باتوجه به این که بعد از آن، اسم شاعر به‌کاررفته است.

در گزینه «ج» «چه» صفت تعجبی است.

در گزینه «د» «کدام» صفت پرسشی است.

۴۴. گزینه «د» صحیح است.

«قاعنی» در معنای «قانع بودن» و «طامعی» در معنای «طمع‌کار بودن» به‌کاررفته‌اند و معنای مصدری دارند.

۴۵. گزینه «د» صحیح است.

گزینه «الف» پار (قطعه) + چه ← قطعه‌ی کوچک

گزینه «ب» کوی (محل) + چه ← کوچه

گزینه «ج» گوی + چه ← گوی کوچک

۵۲. گزینه **الف** صحیح است.
گزینه‌های دیگر، همگی صفت مرکب هستند (اسم + اسم = صفت) اما گزینه «الف» صحیح است. گلنار (گل انار) از الگوی «اسم + اسم = اسم» پیروی می‌کند.
* عذار: چهره، سیما
۵۳. گزینه **د** صحیح است.
گزینه‌های دیگر، طبق الگوی «صفت شمارشی (چهار) + اسم = اسم» ساخته شده‌اند. یعنی تمام این واژه‌ها از نظر دستوری اسم هستند. اما گزینه «د» صحیح است. «صفت شمارشی + اسم = صفت» است؛ یعنی واژه‌ی «چهارشانه» صفت مرکب است به معنی تنومند و استوار.
* چهاربالش: چهاربالش که هنگام نشستن شاه بر روی تخت، زیر پا، پشت، و دو طرف او می‌گذاشتند. تخت، مسند.
۵۴. گزینه **د** صحیح است.
گزینه‌های دیگر، همگی صفت هستند (اسم + اسم = صفت مرکب)، اما گزینه «ج» صحیح است. اسم مرکب است (اسم + اسم = اسم)
۵۵. گزینه **الف** صحیح است.
گزینه‌های دیگر «صفت + اسم = اسم» هستند؛ اما گزینه «الف» صحیح است. «اسم + اسم = اسم» می‌باشد.
۵۶. گزینه **د** صحیح است.
گزینه «الف» ساخت + مان (بن ماضی + پسوند = اسم) گزینه «ب». پرست + ار (بن مضارع + پسوند = صفت شغلی) گزینه «ج». کرد + ار (بن ماضی + پسوند = اسم) گزینه «د». گرفت + ار (بن ماضی + پسوند = صفت)
۵۷. گزینه **د** صحیح است.
گزینه‌های دیگر «اسم + اسم = صفت» هستند؛ اما گزینه «ج» صحیح است. «صفت + اسم = صفت» می‌باشد.
۵۸. گزینه **د** صحیح است.
در گزینه‌های دیگر، «صفت + اسم = صفت» هستند؛ اما گزینه «د» صحیح است. «صفت + اسم = اسم» می‌باشد.
۵۹. گزینه **د** صحیح است.
در گزینه‌های دیگر، «بن مضارع + پسوند ش» هستند؛ اما گزینه «د» صحیح است. جز اول (رها) بن مضارع نیست؛ بلکه یک صفت محسوب می‌شود. ضمن این‌که در زبان فارسی پسوند «-ش» به دنبال «بن مضارع» می‌آید که، تشکیل اسم می‌دهد.
۶۰. گزینه **ب** صحیح است.
اخمو: اسم + پسوند (و) = صفت مشتق (شکمو)
برو: پیشوند (ب) + بن مضارع = صفت مشتق، (بخور)
وزین: صفت ساده
سرخ‌رگ: صفت + اسم = اسم
۶۱. گزینه **د** صحیح است.
گزینه‌های دیگر، «اسم + اسم = اسم» ساخته شدند، اما گزینه «ج» صحیح است. «اسم + اسم = صفت» است (سرخ‌رنگ، به رنگ گل)
۶۲. گزینه **د** صحیح است.
همه گزینه‌ها از الگوی «اسم + بن مضارع» ساخته شده‌اند، با این تفاوت که فقط «گزینه د صحیح است» صفت فاعلی مرکب مرخم است و بقیه اسم ابزارآلات هستند.
۶۳. گزینه **ب** صحیح است.
باید توجه داشت که پسوند «-ش» در گذر زمان، کوتاه و به «-ش» مبدل شده که این پسوند، «مصدرساز» است؛ بنابراین گزینه‌های الف، ج و د، در روزگار ما به «گوارش، برش و کنش» تبدیل شده‌اند که به نشانه‌ی پسوند «-ش» همگی اسم مصدر هستند؛ اما «کنشت» در گزینه «ب» صحیح است، در معنای معبد و اسم مکان می‌باشد و «-شت» آخر آن نشانه‌ی مصدر نیست.
۶۴. گزینه **د** صحیح است.
همه گزینه‌ها از الگوی «بن ماضی + پسوند (ار)» ساخته شده‌اند؛ با این تفاوت که گزینه‌های الف، ب و ج، اسم مصدر هستند. (دیدار: دیدن، کشتار: کشتن، کردار: رفتار کردن) اما گزینه «ج» صحیح است. یک صفت فاعلی است. (خواستار: کسی که چیزی می‌خواهد)
۶۵. گزینه **ب** صحیح است.
گزینه «الف». دل‌ریا (اسم + بن مضارع = صفت مرکب) گزینه «ج». جذاب (صفت ساده)، دل‌ریا (صفت مرکب) گزینه «ب». گفتار (بن ماضی + پسوند (ار) = اسم مشتق)
۶۶. گزینه **د** صحیح است.
گزینه «الف». اسم + پسوند مکان (رستان) گزینه «ب». اسم + پسوند مکان (زار) گزینه «د». اسم + پسوند مکانی و زمانی (گاه) گزینه «ج». بن فعل (ماضی + مضارع) + پسوند (گار)

۶۷. گزینه «الف» صحیح است.
واژه‌های «بو، گل، تاک» همگی با پسوند مکانی «-ستان» ترکیب می‌شوند (بوستان، گلستان، تاکستان).
۶۸. گزینه «د» صحیح است.
گزینه‌های دیگر، اسم مشتق (اسم + پسوند مکانی (-ستان)) هستند. اما واژه‌های گزینه «د» صحیح است. مرکب هستند (اسم + بن مضارع) «ستان» از مصدر «ستاندن» به معنی «گرفتن» است.
جان‌ستان: کسی که جان را می‌گیرد.
دادستان: کسی که حق داد را می‌گیرد.
۶۹. گزینه «د» صحیح است.
در گزینه «د» صحیح است. واژه‌ی «خوش‌الحان» به معنی «خوش‌آواز» یک صفت مرکب است.
۷۰. گزینه «ب» صحیح است.
گزینه‌های دیگر، واژه‌های مشتق مرکب هستند (بن ماضی + میان‌وند + بن ماضی)؛ اما گزینه «ب» صحیح است. از الگوی (بن مضارع + میان‌وند + بن مضارع) پیروی می‌کند.
۷۱. گزینه «ج» صحیح است.
واژه‌های گزینه‌های دیگر، همگی «صفت» هستند؛ اما در گزینه «ج» صحیح است، «سپیده» و «نمایشگاه» اسم هستند.
۷۲. گزینه «الف» صحیح است.
واژه‌های «سرو، قلم، هنر» با پسوند «-ستان» ترکیب می‌شوند و اسم مکان می‌سازند.
۷۳. گزینه «د» صحیح است.
واژه‌ی «گلرنگ و مشک‌بو» تابع الگوی «اسم + اسم = صفت مرکب» هستند.
۷۴. گزینه «الف» صحیح است.
در گزینه «ب» «سرخنگو» و در گزینه «ج» «نامجوی» تابع الگوی «اسم + بن مضارع = صفت مرکب» هستند. در گزینه «د» واژه‌ی «سنگ‌دل» از «اسم + اسم = صفت مرکب» ساخته شده است. اما در گزینه «الف» واژه‌ی «بی‌آبرویی» از الگوی «پیشوند (بی) + اسم (آبرو) + پسوند (ی)» ساخته شده که اسم مشتق است.
۷۵. گزینه «الف» صحیح است.
در گزینه‌ی ب، واژه‌ی «الوان» جمع مکسر واژه‌ی «لون» در معنی «رنگ‌ها» به کاررفته است.
- در گزینه «ج» واژه‌ی «آدمیان» جمع واژه‌ی «آدمی» و واژه‌ی «اولاد» جمع مکسر واژه‌ی «ولد» در معنی «فرزندان» به کار رفته‌اند.
در گزینه «د» واژه‌ی «اعراض» جمع مکسر واژه‌ی «عَرَض» یکی از اصطلاحات علم منطق است.
توجه، واژه‌ی «فضول» در گزینه «الف» صحیح است. در معنای مفرد «کسی که بیش از حد در کار دیگران دخالت می‌کند» به کاررفته است و در این بیت جمع «فضل» نیست.
۷۶. گزینه «ب» صحیح است.
واژه‌های «شئون، وجوه و جواهر» همگی جمع مکسر هستند (شأن، وجه و جوهر)، که مجدداً با نشانه‌ی «ات» جمع بسته شده‌اند و اصطلاحاً «جمع‌الجمع» نامیده می‌شوند.
اما در گزینه «ب» «فضول» مشتمل بر دو معنی است: ۱. جمع فضل به معنی برتری. ۲. به معنی آنچه به‌طور طبیعی از بدن دفع می‌شود که معنای «مفرد» دارد نه جمع. و آنچه موردنظر این گزینه است و معمولاً در گفتار ما کاربرد دارد. معنی مفرد آن است که این واژه فقط با «ات» جمع بسته شده و جمع‌الجمع به‌شمار نمی‌رود.
۷۷. گزینه «ب» صحیح است.
گزینه «الف». جمع مکسر واژه‌ی «رب» به معنی «پرورش دهنده»
گزینه «ج». جمع مکسر واژه‌ی «عریضه»
گزینه «د». جمع مکسر واژه‌ی «دوا»
گزینه «ب». واژه‌ای مفرد در معنای «جلال و شکوه»
۷۸. گزینه «ب» صحیح است.
گزینه «الف». ضیق: تنگی، جرح: زخم (مناسبت معنایی دارند)
گزینه «ج». «موجب» و «مقتضی»: سبب، باعث (رابطه‌ی ترادف دارند)
گزینه «د». «اکفا» جمع کفو، «اقران» جمع قرن: هر دو به معنی مانده‌ها، همسران (رابطه‌ی ترادف دارند)
گزینه «ب». فضیلت: برتری، ردیلت: پستی (رابطه‌ی تضاد دارند)
۷۹. گزینه «ب» صحیح است.
باتوجه به این که در مصراع اول. «بیرون» به «ترس» تشبیه شده که وجه شبه آن‌ها، «تیرگی» است؛ اما در مصراع دوم، برای واژه‌ی «ترس»، صفت «شفاف» در نظر گرفته شده است. پس

با توجه به اینکه «قوت» متمم است و «خطا» قبل از فعل اسنادی «است» به کار رفته است پس نقش «مسند» را دارد. «پنجه» چون کلاً گروه اسمی پنجه‌ی مسکین ناتوان در نقش مفعول به کار رفته است و پنجه هسته‌ی این گروه اسمی است.

۸۶. گزینهٔ د، صحیح است.

دست‌بوسی (مشتق مرکب) دست + بوس + ی

کارشناسی (مشتق مرکب) کار + شناس + ی

خوشبختانه (مشتق مرکب) خوش + بخت + انه

گفت و گو (مشتق مرکب) گفت + و + گو

ناخوشایند (مشتق مرکب) نا + خوش + آی + ند

دانش‌پژوه (مشتق مرکب) دان + ش + پژوه

خویشترداری (مرکب) خویشتن + دار (بن مضارع)

نفرت‌بار (مرکب) نفرت + بار (بن مضارع)

۸۷. گزینهٔ د، صحیح است.

سنگ در عبارت «رنج و غصه سنگ» نقش مسندی دارد که فعل اسنادی این جمله محذوف است. ضمیر -ش در «سنگش» نقش مضاف‌الیه دارد.

۸۸. گزینهٔ د، صحیح است.

می‌کردند: ماضی استمراری - می + بن ماضی + شناسه

مانده‌ای: ماضی نقلی - صفت مفعولی (مانده) + شناسه

۸۹. گزینهٔ د، صحیح است.

واژه‌های «پیشنهاد، فرمایش و گزارش» همگی فارسی هستند و نباید با نشانه جمع «ات» همراه شوند؛ اما واژه‌ی «تأثیر» بر وزن «تفعیل» واژه‌ای عربی است و همراه شدن آن با «ات» بدون اشکال است.

۹۰. گزینهٔ د، صحیح است.

گزینه «الف». «مس» به معنی «دست‌مالی» و «سایش» است. در مورد وضو گرفتن باید واژه‌ی «مسح» به کار رود.

گزینه «ب». واژه‌ی «استیفا» به معنی «گرفتن حق خود به تمامی» است و در این گزینه «ب» صحیح است. اید واژه‌ی «استعفا» به کار رود؛ به معنی «درخواست کناره‌گیری از کار»

گزینه «د». «احسن» صفت تفصیلی به معنی «نیکوتر» است و در این گزینه می‌باید واژه‌ی «احسنت» به کار رود؛ به معنی «أفقرین بر تو»

می‌توان گفت بین «ترس» در مفهوم «تیرگی» و «ترس» در مفهوم «شفاف بودن» رابطه‌ی تضاد برقرار است.

۸۰. گزینهٔ د، صحیح است.

بین واژه‌های گزینه‌های دیگر، رابطه‌ی مترادف برقرار است. (فروت: پیر، رزق، روزی، فروزان: تابان، گران‌مایه: بالارزش، مهر: خورشید، لطیف: زیبا و نیکو)

اما بین واژه‌های گزینه «ب». رابطه‌ی تضاد برقرار است.

(کهین: کوچک‌ترین، مهین: بزرگ‌ترین؛ بعید: دور، قریب: نزدیک)

۸۱. گزینهٔ د، صحیح است.

گزینه «الف». منکر: زشت، ناپسند: معروف، کار نیک (رابطه‌ی تضاد)

گزینه «ب». سوز: جشن، ضیافت: سوگ: غم و اندوه (رابطه تضاد)

گزینه «ج». صالح: نیکوکار؛ طالح: بدکار، تبهکار (رابطه تضاد)

گزینه «د». متعسر: سخت و دشوار؛ متأثر: اندوهگین، متألم (هم‌آوا هستند و رابطه‌ی تضاد برقرار نیست)

۸۲. گزینهٔ د، صحیح است.

گزینه‌های دیگر، در بردارنده‌ی دو واژه‌ی «هم‌آوا» است. به این معنی که این واژه‌ها شکل گفتاری و تلفظ یکسان دارند؛ اما از جهت معنا و شکل نوشتاری، با هم متفاوت هستند.

گزینه «الف». نثر: نوشته‌ای که شعر نباشد / نسر: کرکس / نصر: یاری، نصرت

گزینه «ب». عصیر: شیره و چکیده‌ی چیزی، عصاره / اسیر: دربند و گرفتار / اثیر: کوه‌ی آتش.

گزینه «د». صواب: درست، شایسته، سزاوار / ثواب: پاداش

در گزینه «ج» واژه‌ها هم‌آوا نیستند (زهر: سم / ظهر: میانه‌ی روز)

۸۳. گزینهٔ د، صحیح است.

شکفته: شکفت (بن ماضی) + ه (پسوند) = صفت مفعولی (پاز

شده)

گرفتار: گرفت (بن ماضی) + ار (پسوند) = صفت مفعولی (گرفته

شده)

۸۴. گزینهٔ د، صحیح است.

گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ همگی ترکیب وصفی هستند (اسم + صفت)

اما گزینه‌ی ۲، یک ترکیب اضافی است (اسم + اسم)

۸۵. گزینهٔ د، صحیح است.

در گزینه «ج» واژه‌ی «افراط» درست به کار رفته است، زیرا به معنی «زیاده‌روی در کاری» است.

۹۱. گزینهٔ ب، صحیح است.

در این گزینه، کاربرد واژه‌ی «فرمایشات» نادرست است. زیرا واژه‌ی «فرمایش» تابع الگوی «بن مضارع + پسوند ـ ش = اسم» و یک واژه‌ی فارسی است و نباید با نشانه‌ی جمع عربی همراه است.

۹۲. گزینهٔ د، صحیح است.

دستور واژه‌ای فارسی است.

۹۳. گزینهٔ د، صحیح است.

در گزینه «الف» عبارت «سن پنجاه‌سالگی» حشو دارد؛ زیرا «سن» به معنی «میزان سال» است.

در گزینه «ب» عبارت «آخرین مسابقه‌ی فینال» حشو دارد؛ زیرا «فینال» به معنی «آخرین» است.

در گزینه «ج» عبارت «شب لیل‌القدر» حشو دارد؛ زیرا «لیله» به معنی «شب» است.

۹۴. گزینهٔ ج، صحیح است.

در گزینه «الف» کاربرد «اعلم‌تر» نادرست است. زیرا «اعلم» صفت تفضیلی به معنای «داناتر» و کاربرد آن با «تر» جایز نیست. در گزینه «ب» ترکیب «مدیره‌ی محترمه» نادرست است و علامت تأنیث عربی (ة)، نباید در واژه‌های فارسی به کار رود.

در گزینه «د» کاربرد واژه‌ی «تلفناً» نادرست است. زیرا «تلفن» واژه‌ای غیرعربی است و نباید با تنوین که از مختصات زبان عربی است به کار رود.

۹۵. گزینهٔ ب، صحیح است.

در گزینه «ب» فعل «کرد» بدون قرینه حذف شده است. (شاعری را از نوجوانی آغاز کرد) و تا پایان عمر ادامه داد)

۹۶. گزینهٔ الف، صحیح است.

ترکیب «آخرین مسابقه‌ی فینال» حشو دارد که توضیح آن در سوال ۸۶ ذکر شده است.

۹۷. گزینهٔ ج، صحیح است.

در این گزینه، به جای واژه‌ی «استیفا» باید از «استعفا» استفاده کرد.

۹۸. گزینهٔ د، صحیح است.

کاربرد واژه‌ی «گاهاً» نادرست است. زیرا واژه‌ی «گاه» فارسی است و نباید با تنوین عربی همراه شود.

۹۹. گزینهٔ ج، صحیح است.

در این گزینه، واژه‌ی «فرمایشات» نادرست است. زیرا واژه‌ی «فرمایش» واژه‌ای فارسی، مطابق الگوی «بن مضارع + پسوند ـ ش = اسم» است و نباید با نشانه‌ی جمع عربی «ات» همراه شود. ۱۰۰. گزینهٔ ج، صحیح است.

نشانه‌ی مفعول «را» باید پس از اسم مفعول قرار گیرد، که در این گزینه «ب» بعد از فعل «هستند» آمده است. شکل صحیح جمله، این گونه است؛ «در غرب، داستان‌های کوتاهی را که قهرمانان آن‌ها، جانوران هستند، قابل می‌نامند»

۱۰۱. گزینهٔ ب، صحیح است.

از جمله گزینه «ب» به دو صورت می‌توان برداشت کرد:

۱. دخترک، مانند پدرش، تصویری از چهره‌ی مادرش (مادر دختر) کشید.

۲. دخترک مانند پدرش که از مادر خویش، تصویر کشیده بود، او هم از چهره‌ی مادرش (مادر پدرش) تصویری کشید.

۱۰۲. گزینهٔ د، صحیح است.

از این گزینه می‌توان دو برداشت کرد: (ابهام و کژتابی دارد)

۱. به دوستم که همسایه‌ام است، سلام کردم.

۲. همسایه‌ی من، دوستی دارد، به او سلام کردم.

۱۰۳. گزینهٔ الف، صحیح است.

در گزینه «ب» نشانه مفعول «را» پس از فعل آمده که نادرست است.

در گزینه «ج» به جای عبارت «به‌وسیله‌ی» باید صورت کوتاه آن (با) را به کار برد.

در گزینه «د» فعل را باید از حالت مجهول به حالت معلوم برگرداند. زیرا فاعل جمله (سعدی) مشخص است. (سعدی بوستان و گلستان را نوشت)

۱۰۴. گزینهٔ ج، صحیح است.

در این گزینه، واژه‌ی «آزمایش» که طبق الگوی «بن مضارع + پسوند ـ ش» ساخته شده و واژه‌ای فارسی است، نباید با نشانه‌ی جمع عربی (ات) همراه است.

۱۰۵. گزینهٔ ب، صحیح است.

چون فاعل جمله «عطار نیشابوری» مشخص است، پس فعل جمله باید از حالت مجهول به حالت معلوم درآید (عطار نیشابوری، منطق الطیر را سرود)

عبارت «برعلیه» نیز، حشو دارد. زیرا «علیه» ترکیبی است از «علی (بر) + ه (او)» و دیگر نیازی نیست که با «بر» همراه شود.

فعل «باشید» در عبارت «نیاز به درددل پیدا کرده باشید» باید حذف شود؛ زیرا همین فعل دوباره در آخر عبارت ذکر شده است (حذف آن به قرینه است و اشکال ندارد)

۱۱۲. گزینه ج، صحیح است.

در گزینه «الف» کاربرد واژه‌ی «اساتید» نادرست است، زیرا واژه‌ی «استاد» که واژه‌ای فارسی است، نباید به شیوه‌ی جمع مکسر عربی، جمع بسته شود.

در گزینه «ب» کاربرد واژه‌ی «بنادر» نادرست است. زیرا واژه‌ی «بندر» نیز واژه‌ای فارسی است و نباید به شیوه‌ی جمع مکسر عربی بسته شود.

در گزینه «د» واژه‌ی «بازرس» واژه‌ای فارسی است. طبق الگوی «پیشوند (باز) + بن مضارع (رس)» است و نباید با نشانه‌ی جمع عربی، نظیر «ون، ین و ات» جمع بسته شود.

در گزینه «ج» واژه‌ی «مخترع» اسم فاعل عربی است و می‌تواند با نشانه‌ی جمع عربی (ین) جمع بسته شود.

۱۱۳. گزینه د، صحیح است.

در گزینه «الف» کاربرد صفت مونث «رئیس» نادرست است، زیرا نشانه‌ی تأنیث عربی (ة) در فارسی کاربرد ندارد.

در گزینه‌های ج و د، کاربرد صفت‌های «وارد» و «مختمه» نادرست است. زیرا این قانون در زبان عربی صدق می‌کند که برای اسم‌های جمع، صفت‌های مفرد مونث به کار رود. ولی در زبان فارسی برای هر اسمی، صفت مذکر به کار می‌رود. (نامه‌های واردشده، پرونده‌ی مختمه (تمام شده))

۱۱۴. گزینه ج، صحیح است.

در این گزینه نیز، به کار بردن صفت «لازمه» به صورت مونث نادرست است. زیرا نشانه‌ی «ة» در زبان عربی کاربرد دارد، نه فارسی.

۱۱۵. گزینه ج، صحیح است.

پیش از نقل قول، علامت دونقطه به کار می‌رود.

۱۱۶. گزینه ج، صحیح است.

«نقطه ویرگول» در جایی کاربرد دارد که جمله‌ها از جهت ساختمان، مستقل به نظر می‌رسند، اما با یکدیگر وابستگی معنایی دارند.

۱۰۶. گزینه د، صحیح است.

در این گزینه، چون نهاد جمله (معلم) با حرف همراهی «با» همراه شده، و نهاد مفرد است، فعل هم باید به صورت مفرد به کار رود (ترک کرد). در واقع، در این جمله، «معلم» نهاد و «دانش‌آموز» متمم است.

۱۰۷. گزینه الف، صحیح است.

در گزینه‌های دیگر، نشانه مفعول بعد از فعل به کاررفته که از نظر نگارشی نادرست است؛ اما در گزینه اول، بعد از گروه اسمی به کاررفته و درست است.

۱۰۸. گزینه د، صحیح است.

در این گزینه واژه‌ی «تراوش» که طبق الگوی «بن مضارع + پسوند ـ ش = اسم» ساخته شده و واژه‌ای فارسی است، نباید با نشانه‌ی جمع عربی (ات) همراه شود.

۱۰۹. گزینه الف، صحیح است.

کاربرد واژه‌ی «ارجح‌تر» نادرست است. زیرا «ارجح» صفت تفضیلی عربی به معنی «شایسته‌تر» می‌باشد، نباید با «تر» همراه شود و واژه‌ی «درون» که واژه‌ای فارسی است، نباید با تنوین همراه شود.

نکته: کاربرد واژه‌های «آدمیت» و «بشریت» صحیح است. زیرا هر دو واژه عربی هستند و با پسوند مصدرساز عربی «یت» همراه می‌شوند.

نکته: واژه‌ی «قلب» واژه‌ای عربی است و همراه شدن آن با تنوین بدون اشکال است.

نکته: جمع بستن واژه‌ی «شیطان» که واژه‌ای عربی است، به شیوه‌ی «جمع مکسر» بدون اشکال است (شیاطین)

۱۱۰. گزینه د، صحیح است.

معنی «لب‌تشنه» با «لب‌تشنه» و نیز «توب‌بازی» با «توب‌بازی» متفاوت است؛ و گذاشتن نقش‌نمای اضافه (-) در این ترکیبات الزامی است.

۱۱۱. گزینه د، صحیح است.

ترکیب «بی‌شک و تردید» حشو دارد.

کاربرد «به قول معروف» در این عبارت، جایز نیست. زیرا بعد از آن قول معروف یا مثلی ذکر نشده است.

در بیت دوم، واژه‌های پایانی «شکایت» و «حکایت» قافیه هستند.

در گزینه «د» واژه‌های پایانی «نیست باد» ردیف به‌شمار نمی‌روند، زیرا در هر مصراع دارای معنای متفاوتی هستند (نیست باد در مصراع اول: باد (جریان هوا) نیست) و در مصراع دوم به معنی نیست و نابود باشد؛ پس قافیه می‌باشند و چون «باد» و «نیست» هر دو واژه‌های قافیه‌اند، این بیت ذوقافیتین است.

۱۲۹. گزینه ج، صحیح است.

بگو- مگو ردیف و ماهی- آهن قافیه هستند.

۱۳۰. گزینه الف، صحیح است.

یک عمر هم‌چو غنچه (تشبیه)

«بوستان‌سرا» استعاره از «دنیا»

از آن‌جا که می‌گوید که یک عمر در این «بوستان‌سرا» خون دل خوردیم، پس منظور از «بوستان‌سرا» دنیا است. همه‌ی ارکان تشبیه جز «مشبه‌به» حذف‌شده، استعاره‌ی «مصرحه» است.

۱۳۱. گزینه ب، صحیح است.

تکرار صامت «ش» آرایه‌ی «واج‌آرایی» را خلق کرده و واژه‌ی «مه» استعاره از صورت (صورت مثل ماه)، «سنبل» استعاره از زلف (زلف مثل سنبل) «گل خودرو» استعاره از چهره‌ی یار «چهره‌ی یار مثل گل» است.

۱۳۲. گزینه ب، صحیح است.

مصراع دوم تلمیحی است به ماجرای حضرت آدم و رانده شدن وی از بهشت.

در مصراع دوم، «بهشت» اول، در معنای رایج و متداول آن و «بهشت» دوم، در معنای فعل «از دست داد» به‌کار رفته است؛ پس جناس تام دارند.

در مصراع اول، ترکیب «پرده‌ی تقوا» تشبیه است از نوع تشبیه بلیغ اضافی (تقوا، مثل پرده است)

۱۳۳. گزینه د، صحیح است.

در مصراع اول، ترکیب «مس وجود» تشبیه بلیغ اضافی است. (وجود انسان، مانند مس کم‌ارزش است)

«دست شستن» کنایه از «رها کردن» است. (دست از مس وجود بشوی) که یک معنای نزدیک دارد (شستن دست) و یک معنای دور (رها کردن)، که معنای دور موردنظر شاعر است.

«زر» در مصراع دوم، استعاره از «وجود بالارزش» است. (وجود انسان، مانند زر بالارزش است)

۱۱۷. گزینه الف، صحیح است.

کمانک یا پراتنز، نشانه‌ی توضیح است.

۱۱۸. گزینه الف، صحیح است.

کلمات و عباراتی که دارای تأکید هستند، نظیر اصطلاحات علمی، فنی، نام کتاب‌ها و... داخل «گیومه» قرار می‌گیرند.

۱۱۹. گزینه د، صحیح است.

اسامی و عناوین و اصطلاحات علمی و فنی و مورد تأکید، داخل «گیومه» قرار می‌گیرند.

۱۲۰. گزینه د، صحیح است.

با توجه به این که بعد از «در کویر» یک درنگ کوتاه و ادامه‌دار داریم، پس نشانه‌ی «ویرگول» نیاز است.

۱۲۱. گزینه ب، صحیح است.

در توضیحات ذکر شد که بین دو جمله‌ای از نظر معنا و ساختمان، مستقل به‌نظر می‌رسند، اما از نظر معنایی، وابسته به هم هستند و نیز قبل از کلماتی هم‌چون «یعنی، بنابراین، اما، ولی» نقطه ویرگول کاربرد دارد.

۱۲۲. گزینه د، صحیح است.

با توجه به این که جمله‌ی چهارم، یک جمله‌ی امری است پس نیازمند نشانه‌ی نقطه است.

۱۲۳. گزینه د، صحیح است.

یکی از موارد کاربرد علامت سوال (؟)، بیان مفهوم استهزا و تردید است.

۱۲۴. گزینه د، صحیح است.

خواهش واژه‌ای فارسی است و نمی‌تواند با تتوین همراه شود.

۱۲۵. گزینه ب، صحیح است.

۱۲۶. گزینه ج، صحیح است.

ارجح‌تر نادرست است - پیشوند یت فقط با واژه‌های عربی می‌آید و آدمیت نادرست است - زیاناً نادرست است زیرا تتوین مخصوص عربی است فعل روی آوردن با حرف اضافه‌ی «به» همراه می‌شود.

۱۲۷. گزینه ج، صحیح است.

در این بیت، واژه‌های «پیرس» ردیف و واژه‌های قبل از آن (خار و هزار) قافیه هستند.

۱۲۸. گزینه ج، صحیح است.

در بیت اول، واژه‌های پایانی «راز» و «باز» قافیه هستند.

در مصراع اول: «چو مردان ره» نیز آرایه‌ی تشبیه دارد.

۱۳۴. گزینه‌ی الف، صحیح است.

تکرار صامت «ش» آرایه‌ی حس‌آمیزی را ایجاد کرده است. ترکیب «شعر تر شیرین» نیز حس‌آمیزی دارد. زیرا سه حس با هم آمیخته شده‌اند. واژه‌های «تر» و «زر» با هم جناس ناقص اختلافی دارند.

۱۳۵. گزینه‌ی ب، صحیح است.

عبارت «تن چون پاره‌کوهی» تشبیه دارد.

واژه‌های «گاه» و «کوه» جناس ناقص اختلافی دارند، و همین دو واژه از نظر معنا، متضاد یکدیگر هستند (به جهت وزن و اندازه).
۱۳۶. گزینه‌ی الف، صحیح است.

واژه‌ی «افعی مشکین» استعاره از «زلف سیاه» می‌باشد. (زلف سیاه یار، مانند مار افعی، بلند و مشک‌مانند است)
واژه‌ی «نوش» استعاره از «دهان» است (دهان یار، مثل نوش شیرین) است.

واژه‌ی «نوش و دوش» جناس ناقص اختلافی دارند.

۱۳۷. گزینه‌ی الف، صحیح است.

در مصراع دوم، واژه‌های «سر» با هم جناس تام دارند.

«سر» اول به معنای واقعی یکی از اعضای بدن، و «سر» دوم در معنای مجازی «قصد و اندیشه» به کار رفته است. (سرش را در راه قصد کردن به دینار و درم، فدا می‌کند)

«سر» دوم در مصراع دوم، مجاز از «قصد و اندیشه» است به علاقه‌ی «محلیه» زیرا «سر» محل اندیشه و قصد است.

۱۳۸. گزینه‌ی ب، صحیح است.

ترکیب «خشت وجود» تشبیه بلیغ اضافی دارد. (وجود انسان، مثل خشت، بی‌ارزش است)

در مصراع دوم، بین واژه‌های «گرد» (گرد و غبار) و «گرد» (دور) جناس ناقص حرکتی وجود دارد.

«گرد چیزی طواف کردن کنایه از اظهار محبت کردن به چیزی»

در مصراع اول، چون واژه‌ی «غم» منادا واقع شده آرایه‌ی ادبی «تشخیص» وجود دارد.

۱۳۹. گزینه‌ی الف، صحیح است.

در این بیت شاعر می‌گوید: «ای کسی که خرد، در درک تو، مانند طفلی شیرخوار، ناتوان است» پس آرایه‌ی تشبیه دارد که «وجه شبه» و «ادات تشبیه» آن محذوف است.

۱۴۰. گزینه‌ی ب، صحیح است.

«کلاه از سر کودک عقل، می‌افتد» دارای این معنای ظاهری است که «تو آن قدر بزرگ هستی که وقتی کودکی به تو نگاه می‌کند، آن قدر باید سرش را بالا ببرد که کلاه از سرش می‌افتد» یعنی از دیدن و درک تو، ناتوان است. در نتیجه دچار تحیر و سرگشتگی می‌شود.

۱۴۱. گزینه‌ی د، صحیح است.

در طب قدیم، معتقد بودند که غلبه‌ی صفرا موجب خشم و عصبانیت است.

۱۴۲. گزینه‌ی ب، صحیح است.

«دست به دندان گزیدن» یک معنای نزدیک دارد (دست را با دندان گاز گرفتن)، و یک معنای دور (پشیمانی و حسرت) که معنای دور، موردنظر است.

۱۴۳. گزینه‌ی د، صحیح است.

واژه‌ی «رود»، دارای دو معنی است که هر دو معنی در این بیت، می‌تواند موردنظر شاعر باشد: ۱. رودخانه، ۲. یکی از آلات موسیقی

۱۴۴. گزینه‌ی د، صحیح است.

واژه‌ی «برآید» محتمل بر دو معنا است که هر دو معنا می‌تواند موردنظر شاعر باشد: ۱. گفتم که ماه من شو، گفتا اگر ماه طلوع کند؛ ۲. گفتم که ماه من شو، گفتا که اگر ممکن شود.

۱۴۵. گزینه‌ی د، صحیح است.

واژه‌ی «مردم» دارای دو معنا است: ۱. مردم، انسان‌ها؛ ۲. مردمک چشم (به قرینه‌ی تخفت دیده)

۱۴۶. گزینه‌ی الف، صحیح است.

واژه‌ی «مدام» در این بیت، ۲ معنا دارد: همیشه و پیوسته؛ شراب. مدام فصل بهار است: ۱. همیشه فصل بهار است. ۲. شراب فصل بهار است.

۱۴۷. گزینه‌ی ب، صحیح است.

واژه‌ی «نگران» در مصراع دوم، دو معنا دارد:

۱. نگران و دلوایس؛

۲. نگران به معنی «نگاه‌کننده»

۱. تا دم صبح قیامت، دلوایس خواهد بود.

۲. تا دم صبح قیامت، نگاه خواهد کرد.

۱۴۸. گزینه‌ی ب، صحیح است.

ترکیب «ساکن روان» در مصراع دوم، دارای آرایه‌ی پارادوکس است. زیرا «ساکن بودن» و «روان بودن»، دو مفهوم متضاد هستند که در یک نفر جمع شده‌اند.

۱۴۹. گزینه د، صحیح است.
- در مصراع اول، برای چرخ (روزگار)، صفت «مردم‌خوار» و «مردم‌پرور» ذکر شده که این دو با یکدیگر، تضاد معنایی دارند.
۱۵۰. گزینه د، صحیح است.
- مصراع اول، پارادوکس دارد؛ زیرا می‌گوید «کسی که به دل غم ندارد، شادی ندارد» در حالی که «غم نداشتن» و «شادی نداشتن» متضاد یکدیگر هستند که در این مصراع، در یک نفر جمع شده‌اند.
۱۵۱. گزینه د، صحیح است.
- این بیت، تلمیح دارد به «گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم»
۱۵۲. گزینه ب، صحیح است.
- گزینه «الف» تلمیح به داستان «زال و رستم» دارد.
- گزینه «ج» تلمیحی است به داستان حضرت یوسف و دوری او از کنعان.
- گزینه «د» تلمیحی به داستان حضرت سلیمان دارد که باید در تسخیر وی بود.
۱۵۳. گزینه الف، صحیح است.
- «بامزه» مربوط است به حس چشایی و ارتباطی با «نوشتن» ندارد. زیرا «نوشتن» را حس «بینایی یا شنوایی» درک می‌کند.
۱۵۴. گزینه د، صحیح است.
- ترکیب «فریبی آبی‌رنگ» حس آمیزی دارد. زیرا «آبی‌رنگ» مربوط است به حس بینایی و این حس «فریب» را درک نمی‌کند.
۱۵۵. گزینه ب، صحیح است.
- «سجع» عبارت است از آوردن کلمات هم‌آهنگ در پایان جمله‌های یک نوشته‌ی منثور.
۱۵۶. گزینه د، صحیح است.
- «شب‌بو» به جهت کوتاهی و «کاج» به جهت بلندی با هم رابطه‌ی تضاد دارند.
۱۵۷. گزینه د، صحیح است.
- در مصراع دوم گزینه «د» صحیح است. جمله‌ی «خُسن تو به‌دست خویش، بیدارم کرد» آرایه‌ی تشخیص دارد. زیرا شاعر «خُسن» (زیبایی) را به انسانی تشبیه کرده که با دست خود، مرا بیدار کرده است.
۱۵۸. گزینه د، صحیح است.
- گزینه «الف». اختر شب (ستاره) سرش را خم می‌کند (تشخیص) گزینه «ب». صدای تو، در سایه خفته (خوایده) است (تشخیص)
- گزینه «د». چشمه‌ساز، آواز می‌خواند (تشخیص)
۱۵۹. گزینه الف، صحیح است.
۱۶۰. گزینه ب، صحیح است.
- ترکیبات «مرغ دل، دام زلف، دانه‌ی خال، کار اندیشه، دام هوس» همگی اضافه‌ی تشبیه‌ی (تشبیه بلیغ اضافی) هستند.
۱۶۱. گزینه د، صحیح است.
- «طالق بلند استعاره از آسمان» است. در این نوع تشبیه، مشبه به داریم که نوعی استعاره به نام استعاره‌ی مصرحه ایجاد شده است.
۱۶۲. گزینه د، صحیح است.
- در ترکیب «ابر گه‌ریار»، گهر استعاره از باران است. «دست واست» در مصراع دوم جناس دارند. دانه‌ی امید تشبیه بلیغ اضافی است. (امید مثل دانه است).
۱۶۳. گزینه ب، صحیح است.
- در بیت اول، فقیر و غنی و در بیت سوم نهران و پدید و در بیت چهارم پاک و پلید رابطه‌ی تضاد دارند.
۱۶۴. گزینه الف، صحیح است.
- تیر مژگان (مژگان‌یار، مانند تیر است) غنچه‌ی لب (لب یار مانند غنچه است)
۱۶۵. گزینه الف، صحیح است.
- شاعر، آتش را به انسانی تشبیه کرده که عرق شرم می‌ریزد. چون مشبه به نداریم پس نوعی استعاره ایجاد شده است. بین واژه‌های آب و آتش رابطه تضاد داریم. شاعر برای آب شدن آتش علت ادبی ذکر می‌کند و آن «عرق شرم» است پس حسن تعلیل دارد.
۱۶۶. گزینه ب، صحیح است.
- «ماه ابروان» در گزینه‌ی الف و «عطر عقل» و «هندوی زلف» در گزینه‌ی ج و «تخم وفا» در گزینه‌ی د تشبیه بلیغ اضافی هستند.
۱۶۷. گزینه د، صحیح است.
- بین واژه‌های «قطره» و «یم» به معنای دریا، آرایه‌ی تضاد برقرار است.
۱۶۸. گزینه د، صحیح است.
- شاعر احسان را به کمندی در گردن تشبیه کرده است.
۱۶۹. گزینه الف، صحیح است.
- واژه‌های هر جمله از این عبارت دو به دو دارای سجع متوازی هستند یعنی هم وزن هستند و حروف پایانی مشترک دارند.

۱۷۷. گزینهٔ «الف، صحیح است.

صغیر: بانگ و فریاد، سوت

عظت: موعظه، نصیحت کردن، پند دادن

کله نکته: واژه‌های سفیر و صغیر هم آوا هستند.

کله نکته: تفاوت «عظت» را با «عزت» دریابیم.

۱۷۸. گزینهٔ «الف، صحیح است.

مألوف: خو گرفته (از ریشه‌ی «ألف» به معنی الفت، خو گرفتن)

کله نکته: نقض؛ شکستن؛ نذر؛ خوب؛ نیکو (هم آوا).

۱۷۹. گزینهٔ «ج، صحیح است.

استمالت: دلجویی، نوازش، میل کردن به سویی.

۱۸۰. گزینهٔ «ج، صحیح است.

خشم و عصبانیت: غیظ

کله نکته: «خدعه» و «دستان» در گزینهٔ «د» صحیح است.

هر دو به معنای «فریب و حيله» هستند.

۱۸۱. گزینهٔ «الف، صحیح است.

خاستگاه: منشأ، مبدأ، منبع، جایی که چیزی از آن برمی‌خیزد یا

در آن پدید می‌آید.

کله نکته: «خاستن» و «خواستن» را به‌جای یکدیگر به کار

نبریم.

کله نکته: جنگ کردن با دشمن دین (غزوه)

کله نکته: «قضا، غزا، غذا» هم آوا هستند.

نژاده: اصل، نجیب (صفت)

۱۸۲. گزینهٔ «ج، صحیح است.

طوع: فرمان بردن (اطاعت)

۱۸۳. گزینهٔ «الف، صحیح است.

میخ: ابر، سحاب

۱۸۴. گزینهٔ «ب، صحیح است.

خایب: ناامید

مشحون: پرشده، آکنده، انباشته‌شده

ایما: اشاره کردن، کنایه

۱۸۵. گزینهٔ «د، صحیح است.

جلباب: جامه‌ی گشاد، چادر زنان

این افلاک را برپای داشت / این املاک را بر جای داشت

۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

هرگاه واژه‌های دو جمله یا دو مصراع با هم دارای آرایه‌های سجع

متوازی باشند آرایه‌ی ادبی «ترصیع» ایجاد می‌شود.

۱۷۰. گزینهٔ «الف، صحیح است.

سائل: سوال کننده، گدا (اسم فاعل عربی)

دُرُج: صندوقچه، جعبه‌ای کوچک برای نگه‌داری جواهر و

زیورآلات و عطرها.

کله نکته: سعی کننده در گزینهٔ «د» صحیح است. مترادف

واژه سعی است.

۱۷۱. گزینهٔ «الف، صحیح است.

مسخر: تسخیرشده (اسم مفعول عربی)

۱۷۲. گزینهٔ «د، صحیح است.

وصلت، پیوستن، پیوستگی

شب‌رو: کسی که در شب راه برود یا سفر کند. آسیبی که در شب

خوب بدود، شب زنده‌دار، پارسا، داروغه، راه‌زن، دزد، عیار.

۱۷۳. گزینهٔ «ب، صحیح است.

مقدم: جای قدم نهادن، از سفر یا از جایی آمدن.

انوشه: جاوید، بی‌مرگ

«أ (پیشوند منفی‌ساز) + نوش (مرگ)»

۱۷۴. گزینهٔ «ج، صحیح است.

إمارت: فرمان‌روایی، ناحیه‌ای که زیر فرمان امیری باشد.

تمکین: احترام، فرمان بردن

زاد: توشه، خوراک اندک، مخف «زاده»، زاییده‌شده (پری‌زاد)

لوا: پرچم، بیرق

۱۷۵. گزینهٔ «الف، صحیح است.

تفرغ: فارغ شدن از کاری، پرداختن از کاری

سخته: وزن شدن، سنجیده، اندازه‌گیری‌شده (اسم مفعول از مصدر

سختن)

۱۷۶. گزینهٔ «ب، صحیح است.

ساری: نوعی لباس بلند که زنان هندوستان و پاکستان می‌پوشند،

پرنده‌ای کوچک و خوش‌آواز، سرایت کننده (اسم فاعل)، رونده در

شب (اسم فاعل)، نفوذکننده.

شاذ: نادر، کمیاب (صفت).

بدسگال: بداندیش، بدخواه (صفت فاعلی)
استیفا: تمام فراگرفتن، تمام حق را طلب کردن

۱۸۶. گزینهٔ «ج»، صحیح است.
غدر: بی‌وفایی، خیانت، مکر، حيله؛ قدر: سرنوشت، تقدیر، اندازه، ارزش (هم‌آوا هستند)

۱۸۷. گزینهٔ «الف»، صحیح است.
زلت: لغزیدن، خطا کردن؛ ذلت: خواری، زبونی، حقارت (هم‌آوا نیستند)

۱۸۸. گزینهٔ «ب»، صحیح است.
جولاه: بافنده، نساج (صفت فاعلی)، عنكبوت

۱۸۹. گزینهٔ «د»، صحیح است.
حلیه: زینت، زیور
اهمال: فروگذاشتن کاری، سرسری کاری را انجام دادن، سهل‌انگاری

۱۹۰. گزینهٔ «ب»، صحیح است.
گزینهٔ «الف» صحیح است. عواید: درآمدها، منافع (جمع عائده)

۱۹۱. گزینهٔ «ج»، صحیح است.
گزینهٔ «ب» صحیح است: غلیظ
گزینهٔ «د» صحیح است: سیاف: شمشیرزن (اسم فاعل از «سیف»
به معنی «شمشیر» سیف: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۱۹۲. گزینهٔ «د»، صحیح است.
گزینهٔ «ج» صحیح است: غریو: فریاد، صدای غرش
گزینهٔ «د» صحیح است: شمشیر: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۱۹۳. گزینهٔ «د»، صحیح است.
گزینهٔ «ب» صحیح است: غلیظ
گزینهٔ «ج» صحیح است: غریو: فریاد، صدای غرش
گزینهٔ «د» صحیح است: شمشیر: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۱۹۴. گزینهٔ «د»، صحیح است.
گزینهٔ «ب» صحیح است: غلیظ
گزینهٔ «ج» صحیح است: غریو: فریاد، صدای غرش
گزینهٔ «د» صحیح است: شمشیر: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۱۹۵. گزینهٔ «د»، صحیح است.
گزینهٔ «ب» صحیح است: غلیظ
گزینهٔ «ج» صحیح است: غریو: فریاد، صدای غرش
گزینهٔ «د» صحیح است: شمشیر: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۱۹۶. گزینهٔ «د»، صحیح است.
گزینهٔ «ب» صحیح است: غلیظ
گزینهٔ «ج» صحیح است: غریو: فریاد، صدای غرش
گزینهٔ «د» صحیح است: شمشیر: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۱۹۷. گزینهٔ «د»، صحیح است.
گزینهٔ «ب» صحیح است: غلیظ
گزینهٔ «ج» صحیح است: غریو: فریاد، صدای غرش
گزینهٔ «د» صحیح است: شمشیر: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۱۹۸. گزینهٔ «د»، صحیح است.
گزینهٔ «ب» صحیح است: غلیظ
گزینهٔ «ج» صحیح است: غریو: فریاد، صدای غرش
گزینهٔ «د» صحیح است: شمشیر: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۱۹۹. گزینهٔ «د»، صحیح است.
گزینهٔ «ب» صحیح است: غلیظ
گزینهٔ «ج» صحیح است: غریو: فریاد، صدای غرش
گزینهٔ «د» صحیح است: شمشیر: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۲۰۰. گزینهٔ «د»، صحیح است.
گزینهٔ «ب» صحیح است: غلیظ
گزینهٔ «ج» صحیح است: غریو: فریاد، صدای غرش
گزینهٔ «د» صحیح است: شمشیر: شمشیر، صیف: تابستان (هم‌آوا هستند)

۲۱۶. گزینه «ب» صحیح است.
«حایل» باید به شکل «هایل» نوشته شود.
حایل: مانع، جداکننده‌ی دو چیز؛ هایل: ترسناک، هولناک (هم‌آوا)
(مرضی هایل: بیماری ترسناک)
۲۱۷. گزینه «الف» صحیح است.
«بیقوله» باید به شکل «بیقوله» نوشته شود، به معنای «گنج، گوشه، ویرانه»
۲۱۸. گزینه «ب» صحیح است.
فراق: دوری، هجران، جدایی / فراغ: آسودگی، پرداختن از کار (لهب فراق: آتش جدایی)
۲۱۹. گزینه «ب» صحیح است.
«سیاف» باید به شکل «سیاف» نوشته شود به معنی «شمشیرزن» که از ریشه‌ی «سیف» به معنی «شمشیر» گرفته شده است.
۲۲۰. گزینه «الف» صحیح است.
شکل درست ترکیب «سفر و حضر» و «حذر» به معنی دوری و پرهیز است و «حضر» به معنای شهر است.
۲۲۱. گزینه «ج» صحیح است.
شکل نوشتاری «ضحک» درست است این واژه‌ی عربی از ریشه‌ی «ضحک» مأخوذ است. به معنای آنچه باعث خنده می‌شود.
۲۲۲. گزینه «ب» صحیح است.
در گزینه‌ی اول شکل نوشتاری هراس و در گزینه‌ی سوم ذلت به معنی خواری و زلت به معنی خطا می‌باشد و در گزینه‌ی چهارم غم فراق به معنی دوری و فراغ به معنی آسودگی می‌باشد.
۲۲۳. گزینه «ب» صحیح است.
بیت موردنظر و گزینه‌های دیگر، همگی به «پرهیز از زیاده‌خواهی و طمع» و «دعوت به قناعت و خرسندی» اشاره دارند.
۲۲۴. گزینه «د» صحیح است.
بیت مطرح‌شده در سوال، به این مطلب اشاره می‌کند که «گاهی در مواقع ضرورت، دروغ مصلحت‌آمیز، از سخن راستی که باعث فتنه و آشوب می‌شود، بهتر است» اما در گزینه‌ی د، مفهوم مقابل و متضاد آن را بیان می‌کند و می‌گوید: «سخن راستی که حتی باعث ضرر انسان است، از دروغی که منفعتی در آن وجود دارد، شایسته‌تر است»
۲۲۵. گزینه «الف» صحیح است.

- در گزینه‌های دیگر، «گزاردن» در معنای «به‌جا آوردن، ادا کردن» به کار رفته‌اند و صحیح است؛ اما در گزینه «د» صحیح است. به این معنا به کار رفته و باید به شکل «گذاشتن» نوشته شود.
۲۰۷. گزینه «ب» صحیح است.
ثواب: پاداش؛ صواب: درست (هم‌آوا)
با توجه به معنی جمله، «صواب» درست است.
۲۰۸. گزینه «ب» صحیح است.
واژه‌ی «معلوف» نادرست است و باید به شکل «مألوف» نوشته شود. زیرا از ریشه‌ی «ألف» گرفته‌شده، به معنای «انس گرفتن، خو کردن»
۲۰۹. گزینه «ج» صحیح است.
واژه‌ی «امارت» باید به شکل «عمارت» نوشته شود به معنای «آبادانی»؛ زیرا واژه‌ی بعد از آن، «خرمی» است که با هم رابطه‌ی تضاد دارند.
۲۱۰. گزینه «ج» صحیح است.
«همیت» باید به شکل «حمیت» نوشته شود به معنای «مروت، جوانمردی»
۲۱۱. گزینه «ج» صحیح است.
واژه‌ی «بحر» در مصراع دوم، باید به شکل «بهر» نوشته شود. (بهر عیش: به‌خاطر زندگی و خوش‌گذرانی؛ بحر: دریا)
۲۱۲. گزینه «ب» صحیح است.
واژه‌ی «تیران» باید به شکل «طیران» نوشته شود به معنی پرواز؛ زیرا با طیر به معنی پرنده، هم‌ریشه است.
۲۱۳. گزینه «الف» صحیح است.
گزینه «ب». «عظیمت» باید به شکل «عزیمت» نوشته شود (عزیمت، قصد کردن، سفر کردن)
گزینه «ج». «تعسی» باید به شکل «تأسی» نوشته شود. (تأسی: پیروی کردن، اقتدا کردن)
گزینه «د». «قربو» باید به شکل «غربو» نوشته شود. (غربو: بانگ و فریاد)
۲۱۴. گزینه «الف» صحیح است.
«طبعت» باید به شکل «تبعث» نوشته شود به معنای «نتیجه‌ی ناگوار، رنج و سختی»
۲۱۵. گزینه «ب» صحیح است.
«فراصت» باید به شکل «فراست» نوشته شود؛ به معنی «زیرکی، باهوشی»

گزینه «ب» و بیت مطرح‌شده در سوال، اشاره‌شده که: «نظر کردن بر چهره محبوب زیبارو، خطاست»
۲۳۴. گزینه د، صحیح است.

گزینه «د». و بیت موجود در سوال، هر دو به تحمل سختی‌ها در راه رسیدن به هدف اشاره دارند.

(غواص، برای رسیدن به مروارید گران‌مایه، باید خطر نهنگ را بپذیرد و برای رسیدن به خانه‌ی کعبه، باید سختی راه را تحمل نمود)
۲۳۵. گزینه الف، صحیح است.

عبارت ذکرشده در سوال و گزینه «الف». هر دو به این موضوع اشاره می‌کنند که: «طمع و زیاده‌خواهی و دست‌گدایی دراز کردن، باعث بی‌آبرویی و پستی انسان می‌شود»
۲۳۶. گزینه د، صحیح است.

مفهوم «افتادگی و پرهیز از غرور و خودپسندی، موجب بلندی و بزرگی می‌شود» که در گزینه د صورت سوال، مطرح شده است.
۲۳۷. گزینه د، صحیح است.

معنی بیت به این شکل است. «برای این‌که، لشکر غم، ملک دلت را خراب نکنند، جان عزیز خود را نزد تو، به‌عنوان گروگان می‌فرستم»
۲۳۸. گزینه د، صحیح است.

همان‌گونه که «خام» حال «پخته» را درک نمی‌کند (بیت مطرح شده در سوال) کسی که سواره است از حال پیاده خبر ندارد (گزینه «ج» صحیح است)
۲۳۹. گزینه د، صحیح است.

در بیت مطرح‌شده، در سوال و گزینه‌های دیگر، به این موضوع اشاره‌شده که «دشمن دانا، از دوست نادان بهتر است» و در «پرهیز از هم‌نشینی با شخص نادان» تأکید شده است.
۲۴۰. گزینه الف، صحیح است.

در گزینه «الف» صحیح است. و صورت سوال، شاعر، هستی و وجود انسان (وجود مادی) را مانعی برای رسیدن به دنیای معانی و عالم ملکوت می‌داند و شرط رسیدن به هدف نهایی را «از میان برداشتن هستی مادی» می‌داند.
۲۴۱. گزینه ب، صحیح است.

گزینه‌های دیگر، همگی به این موضوع اشاره دارند که: «عشق را نمی‌توان پنهان داشت و حالات ظاهری (رخسار زرد، آب دیده، چشم تر) آن را فاش می‌کنند»

در گزینه «الف». شاعر، مخاطب را به این موضوع پند می‌دهد که: باید از دنیا و آنچه در آن است، صرف‌نظر کرد که مفهومی معادل «ترک تعلقات دنیوی» دارد.
۲۲۶. گزینه الف، صحیح است.

در گزینه «الف». به این موضوع اشاره‌شده که «در سایه‌ی دار فنا، مرد حقیقی به مقام و منزلت بلندی می‌رسد» که مفهومی معادل عبارت «شهادت، پله‌ی خروج مردان حق است» دارد.
۲۲۷. گزینه د، صحیح است.

عبارت «دم در کشیدن» در معنای کتابی «سخن نگفتن و سکوت کردن» به کار می‌رود زیرا «دم» به معنی «نفس»، در معنی مجازی «سخن» به کار رفته است.
۲۲۸. گزینه د، صحیح است.

گزینه‌های دیگر، به مفهوم «اهمیت پیشگیری از وقوع حادثه» و «اقدام به موقع به هر کار» اشاره دارند.
۲۲۹. گزینه ب، صحیح است.

بیت مطرح‌شده در سوال و گزینه «ب» هر دو به این مطلب اشاره می‌کنند که: «وجود جسم، مانعی است برای رسیدن به معشوق حقیقی و راه رسیدن به خداوند، از میان بردن و نادیده گرفتن جسم ظاهری است»
۲۳۰. گزینه د، صحیح است.

در گزینه «ج» شاعر می‌گوید: کسی که بر ساحل امن نشسته، از حال و اوضاع کسی که در حال غرق شدن در دریاست، خبر ندارد» که مفهومی معادل «سیر را از گرسنه چه غم؟» دارد.
۲۳۱. گزینه د، صحیح است.

بیت مطرح‌شده در سوال و گزینه «ج». هر دو اشاره می‌کنند که: «کسانی که بخشندگی و سخاوت دارند، از مال و نعمت بی‌بهره هستند و در عوض، کسانی هم که صاحب مال و دارایی هستند، بخشندگی و کرم ندارند»
۲۳۲. گزینه ب، صحیح است.

در گزینه «ب». اشاره‌شده که: «آتش عشق درون را نمی‌توان پنهان داشت و هیچ حاجت به گفتن آن نیست؛ بلکه از حالات چهره می‌توان آن را درک کرد» که مفهومی معادل «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرِ ضمیر» دارد.
۲۳۳. گزینه ب، صحیح است.

نویسنده به این موضوع اشاره دارد که: برای فکر کردن، باید
خاطری آسوده و فارغ از نگرانی داشت»

۲۵۱. گزینهٔ دب، صحیح است.

دیدم که دم (سخن) من در او تأثیری ندارد، نصیحت و اندرز او را
ترک کردم و از هم‌نشینی با وی، دوری گزیدم.

۲۵۲. گزینهٔ دج، صحیح است.

این مفهوم که کس «لباس خود را به دیگری ببخشد و خود برهنه
بماند» بیانگر مفهوم «سختاوت و ایثار» است.

۲۵۳. گزینهٔ دد، صحیح است.

گزینه «دد» و بیت مطرح‌شده در سوال، هر دو بر «افتادگی و
تواضع انسان» اشاره دارند.

۲۵۴. گزینهٔ دج، صحیح است.

خاطری که محزون و غمگین است، هرگز نمی‌تواند شعر دل‌انگیز
بسراید.

۲۵۵. گزینهٔ دج، صحیح است.

«أهو»ی اول، در معنای «غزال، نوعی حیوان» و «أهو»ی دوم،
در معنای «عیب و نقص» به کار رفته است. (یکی از معانی «أهو»
عیب و گناه است)

۲۵۶. گزینهٔ دج، صحیح است.

این موضوع که «اظهار نیاز و کمک خواستن از کسی، باعث
بی‌ابرویی می‌شود» در گزینه «ج» و صورت سوال مطرح شده
است.

۲۵۷. گزینه الف، صحیح است.

«فرط» به معنای «زیاده‌روی، اسراف» و «بَطَر» در معنای «غرور،
ناسپاسی، گردن‌کشی» است.

۲۵۸. گزینهٔ الف، صحیح است.

گزینه «الف» و مصراع مطرح‌شده در سوال، شرط دیدن جلوه‌ی
معشوق را داشتن چشمانی پاک و طاهر می‌داند.

۲۵۹. گزینهٔ دج، صحیح است.

در گزینه «ج» و عبارت صورت سوال، این موضوع مطرح‌شده که:
«مردم، بر عیب خود واقف نیستند و هرکس خود را کامل و

بی‌نقص می‌داند»

۲۶۰. گزینهٔ الف، صحیح است.

در گزینه «الف» و بیت سوال، شاعر، تمام نعمت‌های بهشت را
در برابر وجود معشوق، ناچیز می‌داند و از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کند.

۲۴۲. گزینهٔ دج، صحیح است.

این مفهوم که «جایگاه ظاهری انسان، بر جایگاه حقیقی و ارزش
واقعی او دلالت نمی‌کند» در گزینه «ج» و صورت سوال مطرح
شده است.

(هرکس که بالاتر می‌نشیند، حتماً عزیزتر نیست. همان‌گونه که
اگر ابرو از چشم، دود از شعله بالاتر هستند، دلیلی بر برتری از
آن‌ها نیست.)

۲۴۳. گزینهٔ دج، صحیح است.

گزینه «ج» و بیت مطرح‌شده در سوال، به این موضوع اشاره
می‌کنند که «پرحرفی، مانع از شنیدن می‌شود و نصیحت و کلام
در شخص فراوان سخن، بی‌تأثیر است»

۲۴۴. گزینهٔ دب، صحیح است.

گزینه‌های دیگر، همگی به این مطلب اشاره می‌کنند که: «وجود
یک عامل فاسد و خراب، باعث فساد و خرابی و آزار دیگران
می‌شود و همین موجود فاسد، عامل از بین رفتن موجودات سالم
می‌گردد».

۲۴۵. گزینهٔ الف، صحیح است.

در مصراع دوم گزینه «الف». اشاره‌شده که همراه با هر سختی و
درستی، آسانی و گشایش است که معادل آیه‌ی کریمه‌ی «إِنَّ مَعَ
الْعُسْرِ يُسْرًا» (همانا با هر سختی، آسانی است) به کار رفته است.

۲۴۶. گزینهٔ دد، صحیح است.

شاعر می‌گوید: «صورت و ظاهر معشوق، مرا شیدا نکرده، بلکه
آن چیزی که عقل مرا برده و شایسته کرده»، «صورت‌نگار» یعنی
«نگارنده‌ی صورت معشوق» (خداوند زیباآفرین) است.

۲۴۷. گزینهٔ دج، صحیح است.

در گزینه «ج» صحیح است. حافظ می‌گوید: «من همان عاشق
دُرْدی‌کش هستم که در بند جاه و مال دنیا نیستم»

۲۴۸. گزینهٔ الف، صحیح است.

گزینه «الف» صحیح است. و صورت سوال، هر دو به «سنجیده
سخن گفتن» و «اطمینان از درستی کلام» اشاره دارند.

۲۴۹. گزینهٔ دب، صحیح است.

شاعر در گزینه «ب» صحیح است. و بیت مطرح‌شده در سوال
می‌گوید: «خداوند، برای هر موجودی، رزقی معین کرده و هیچ
جاندارى در طبیعت، بی‌روزی نمی‌ماند»

۲۵۰. گزینهٔ دد، صحیح است.

۲۶۱. گزینه «الف» صحیح است.
گزینه «الف» و بیت مطرح شده در سوال، به این مطلب اشاره دارند که: «آنچه عامل ارزش و گران قدری چیزی است، کمیابی و نادر بودن آن است. همان گونه که لعل، چون نادر و کمیاب است، عزیز به‌شمار می‌رود؛ اما چون خرمهره و آبگینه، به وفور وجود دارند، ارزش چندانی ندارند»
۲۶۲. گزینه «د» صحیح است.
زلیخا، به یوسف (ع) نظر داشت؛ ولی یوسف نسبت به او بی‌توجه بود (شرم و حیا).
۲۶۳. گزینه «ب» صحیح است.
گزینه «ب» و بیت موجود در سوال، بر «اندیشه کردن قبل از سخن گفتن» تأکید دارند. (همان گونه که پارچه را قبل از بریدن، باید اندازه گرفت، سخن را هم قبل از به زبان آوردن، باید سنجید)
۲۶۴. گزینه «ج» صحیح است.
«چشم داشتن»، در معنای کنایی «انتظار» به کار می‌رود.
۲۶۵. گزینه «د» صحیح است.
این راه، (راه عشق) پایان و نهایتی ندارد.
۲۶۶. گزینه «د» صحیح است.
بنابر باور قدما، شخص دیوانه، از نگاه کردن به ماه، خودداری کند. زیرا باعث تشدید جنون او می‌شود.
۲۶۷. گزینه «الف» صحیح است.
از شخص نادانی که به اندازه‌ی ده نفر سخن می‌گوید، باید دوری کرد.
۲۶۸. گزینه «ج» صحیح است.
گزینه «ج» و بیت مطرح شده در سوال، به این مطلب اشاره دارند که: «عاشق، فقط زیبایی‌های معشوق را می‌بیند و حتی عیب و نقص معشوق هم، در نظر عاشق، حسن و زیبایی است»
۲۶۹. گزینه «الف» صحیح است.
با توجه به ذکر عبارت «در حلقوم چاه می‌گریست» و «مدینه‌ی پلید» (شهر کوفه) به «امام علی (ع)» اشاره شده است.
۲۷۰. گزینه «د» صحیح است.
در گزینه «د» و بیت موجود در سوال، به تحمل سختی‌ها در راه رسیدن به هدف اشاره دارند.
۲۷۱. گزینه «ب» صحیح است.
تا زمانی که در ضیافت ما هستی (مهمان ما هستی)، همه چیز در اختیار توست.
۲۷۲. گزینه «د» صحیح است.
افرادی که بر عزت و جاه و مال ظاهری دنیا، می‌نازند، دچار غرور هستند و این نازیدن آن‌ها، مایه‌ی ننگ است.
۲۷۳. گزینه «ب» صحیح است.
جمله‌ی پایانی (قرار نبود)، در معنای «آرام و قرار نداشتیم» به کار رفته است.
۲۷۴. گزینه «د» صحیح است.
عبارت «آن را که فرمان نبرند، سررشته‌ی کار از دستش بیرون است» شرط پیروزی یک فرمانده را اجرای کامل اوامرش که از جانب زیردستان می‌داند.
۲۷۵. گزینه «د» صحیح است.
«دژم» در معنای «خشمگین» است.
۲۷۶. گزینه «د» صحیح است.
اشاره به شهدا و کفن خونین آن‌ها، در بیت چهارم مطرح شده است.
۲۷۷. گزینه «ب» صحیح است.
در محبس می‌خوارها (عارفان سرمست)، جام (شراب عشق الهی) را بکش (بنوش)
۲۷۸. گزینه «ب» صحیح است.
این مفهوم که «از دیده‌ی مجنون، همه‌ی وجود لیلی، زیبایی است» اشاره دارد به «عیب‌پوشی عاشق»
۲۷۹. گزینه «ب» صحیح است.
کبک دری ساق پای، در ققد خون زده است، اشاره دارد به «سرخ‌پای کبک دری»
۲۸۰. گزینه «ب» صحیح است.
عبارت «بشکست» در معنای کنایی «خوار و خفیف شدن» به کار رفته است.
۲۸۱. گزینه «الف» صحیح است.
«دریای سبز» استعاره از «آسمان» و «مرغان الماس‌پر»، استعاره از «ستارگان» است. (قدما، رنگ سبز و آبی را یکسان می‌پنداشتند)
۲۸۲. گزینه «ب» صحیح است.
چوک، مرغ حق، شباویز.
۲۸۳. گزینه «د» صحیح است.
«مگر کاتش نیز، پیدا کند» یعنی «آتش سوزان، موضوع را مشخص کند»

دیوان اشعار، سبک‌شناسی، تاریخ احزاب سیاسی، تصحیح تاریخ سیستان، تصحیح مجمل‌التواریخ و القصص، تاریخ بلعی ۲۹۶. **گزینه الف، صحیح است.**

آثار مهدی اخوان ثالث:

ارغنون، زمستان، آخر شاهنامه، از این اوستا، پاییز در زندان، عاشقانه‌ها و کبود، در حیات کوچک، پاییز در زندان، تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم، بهترین امید، دوزخ اما سر

۲۹۷. **گزینه الف، صحیح است.**

۲۹۸. **گزینه د، صحیح است.**

آثار صادق هدایت: زنده به گور، سه قطره خون، علویه خانم، سایه روشن، سگ ولگرد، ولنگاری، حاجی آقا

۲۹۹. **گزینه الف، صحیح است.**

۳۰۰. **گزینه الف، صحیح است.**

آثار نادر ابراهیمی به چند دسته تقسیم می‌شوند: سینما و تلویزیون، ادبیات بزرگسالان، ادبیات کودکان و نوجوانان، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه و ترجمه، "آتش بدون دود" از آثار مربوط به سینما و تلویزیون است.

۳۰۱. **گزینه د، صحیح است.**

آثار جلال آل‌احمد: پنج داستان، نفرین زمین، سنگی بر گوری، نون و القلم، مدیر مدرسه، سرگذشت کندوها، زن زیادی، سه تار، از رنجی که می‌بریم و دید و بازدید و در خدمت و خیانت روشن‌فکران از آثار مقاله‌های وی است.

۳۰۲. **گزینه د، صحیح است.**

آثار غلامحسین ساعدی (گوهر مراد): نمایش‌نامه (آی با کلاه، آی بی کلاه) - چوب به دست‌های وریز - بهترین بابای دنیا - چشم در برابر چشم) داستان (خانه‌های شهرری - شب‌نشینی باشکوه - عزاداران بیل - ترس و لرز) فیلم‌نامه (ما نمی‌شنویم - گاو). آثار سیمین دانشور (سو و شون - جزیره‌ی سرگردانی - ساریان سرگردان - کوه سرگردان - آتش خاموش - شهری چون بهشت - به کی سلام کنم - از پرندگی مهاجر بپرس)

۳۰۳. **گزینه الف، صحیح است.**

۳۰۴. **گزینه د، صحیح است.**

آثار محمد حجازی: هما، پریچهر، زیبا، پروانه، آینه، پیام، ساغر، زیبا و شادکامی، آهنگ و نسیم

۲۸۴. **گزینه الف، صحیح است.**

به هستی و زیبایی ظاهری که بیانگر قدرت و کمال خداوند هستند، نباید مباحث کرد.

۲۸۵. **گزینه د، صحیح است.**

مفهوم عبارت مطرح‌شده در سوال، این است که: «رد و قبول مردم، اهمیتی ندارد و آن چه مهم است، نظر پروردگار است»

۲۸۶. **گزینه د، صحیح است.**

با توجه به داستان «جمشید» در شاهنامه فردوسی، چون جمشید دچار غرور و خودپسندی شد، روزگارش دگرگون شد و شکست خورد.

۲۸۷. **گزینه د، صحیح است.**

۲۸۸. **گزینه الف، صحیح است.**

۲۸۹. **گزینه د، صحیح است.**

گزینه‌های دیگر بیانگر این مطالب هستند که نیازی به بیان عشق و صحبت از آن نیست چرا که حالت چهره و رنگ رخسار، راز عشق را آشکار می‌کنند.

۲۹۰. **گزینه د، صحیح است.**

در گزینه‌ی دوم به این مطلب اشاره شده است که مردان واقعی شایسته‌ی جنگاوری و نبرد هستند.

۲۹۱. **گزینه الف، صحیح است.**

مفهوم بیت موجود در سؤال و گزینه‌ی اول ناظر بر این مطلب است که صبر و پایداری لازمی رسیدن به مقصد است و عجله و شتاب مانع دستیابی به هدف.

۲۹۲. **گزینه د، صحیح است.**

در گزینه‌ی ۴ به پیش‌بینی کارها اشاره دارد.

۲۹۳. **گزینه د، صحیح است.**

منظور سنایی از «میدان چومینو» زمین و «ایوان چون مینا» آسمان است.

۲۹۴. **گزینه د، صحیح است.**

آثار فریدون مشیری: گناه دریا، نایافته، ابر و کوچه، بهار را باور کن، مروارید مهر، آه باران، از دیار آشتی، یک آسمان پرند، تا صبح تابانگی اهورایی، با پنج سخن سر، لحظه‌ها و احساس، آواز

آن پرندگی غمگین

۲۹۵. **گزینه د، صحیح است.**

آثار محمدتقی بهار:

۳۰۵. گزینه «الف» صحیح است.
 آثار عبدالحسین زرین کوب: فلسفه‌ی شعر- نقد ادبی- با کاروان حله- شعر بی‌دروغ- شعر بی‌نقاب- سر نی- از کوچی‌ی رندان- پله‌پله تا ملاقات با خدا- فرار از مدرسه- دو قرن سکوت
۳۰۶. گزینه «ج» صحیح است.
۳۰۷. گزینه «د» صحیح است.
۳۰۸. گزینه «ب» صحیح است.
۳۰۹. گزینه «ج» صحیح است.
 عبدالله مستوفی: از خاندان مستوفیان قاجار بوده که از زمان آقامحمدخان قاجار به‌عنوان «مستوفی» مشغول به فعالیت بودند. «شرح زندگانی من» اثری سه جلدی، نوشته‌ی وی است.
۳۱۰. گزینه «ج» صحیح است.
 «غزالی‌نامه» عنوان کتابی است در احوال «ابوحامد محمد غزالی» که به فارسی نوشته شده است. نویسنده‌ی این کتاب «جلال‌الدین همایی» است که در سال ۱۳۱۷، این اثر را نوشته است. استاد همایی، در این اثر از غزالی و افکار وی دفاع می‌کند.
۳۱۱. گزینه «الف» صحیح است.
 اشعار عاشقانه و عارفانه، در شعر شاعرانی هم‌چون حافظ و مولانا جلوه گرفت. (عنصری، منوچهری، فرخی و ملک‌الشعرای بهار، از قصیده‌سرایان به‌نام و «فردوسی» نیز شاعری حماسه‌سراست)
۳۱۲. گزینه «الف» صحیح است.
 خواجه عبدالله انصاری معروف به پیر هرات و پیر انصار از دانشمندان قرن ۵ و مهم‌ترین آثار وی «مناجات‌نامه» از نمونه‌های نثر مسجع است.
۳۱۳. گزینه «د» صحیح است.
 شیخ مصحح‌الدین، متخلص به «سعدی» شاعر و نویسنده‌ی پارسی‌گوی ایرانی است. از شاعران قرن هفتم هجری قمری است آرامگاه وی در شیراز واقع شده که به «سعدیه» معروف است. آثار او عبارتند از: گلستان، بوستان و غزلیات سعدی.
۳۱۴. گزینه «ب» صحیح است.
 حکیم نظامی گنجوی شاعر و داستان‌سرای ایرانی در قرن ۶ به‌عنوان پدر داستان‌سرایی و داستان‌های عاشقانه شناخته‌شده. آثار وی: خمسه نظامی (مخزن‌الاسرار- لیلی و مجنون- خسرو و شیرین- هفت پیکر- اسکندرنامه)
۳۱۵. گزینه «ج» صحیح است.
 «عبید زاکانی» شاعر، نویسنده و طنزپرداز فارسی‌زبان قرن هشتم هجری است. که در یکی از توابع قزوین چشم به جهان گشود. از آثار او می‌توان به «مثنوی عشاق‌نامه، اخلاق‌الاشراف، ریش‌نامه، صد پند، لطایف و ظرایف، رساله‌ی دلگشا، و منظومه‌ی معروف موش و گربه» اشاره کرد.
۳۱۶. گزینه «ب» صحیح است.
 خواجه نظام‌الملک توسی وزیر دوره سلجوقیان بوده است.
۳۱۷. گزینه «ب» صحیح است.
 «عبدالقادر بیدل دهلوی» شاعر پارسی‌سرای سبک هندی است. او در سال ۱۵۰۴ هجری به دنیا آمد. وی در ایالت بهار هندوستان متولد شد و آثار منظوم و مثنوی از خود برجای گذاشت. از آثار او می‌توان به «دیوان اشعار، محیط اعظم، رقعات» اشاره کرد.
۳۱۸. گزینه «الف» صحیح است.
 «نصاب‌الصیبیان» کتابی است منظوم، اثر «ابونصر قراهی» در قرن هفتم هجری، این کتاب، همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید. در اصل برای آموزش کودکان نوشته شده و کتابی است در تعلیم لغت که هر واژه‌ی عربی، یک یا چند واژه‌ی فارسی همراه دارد.
۳۱۹. گزینه «ب» صحیح است.
 «آلبر کامو» نویسنده، فیلسوف و روزنامه‌نگار فرانسوی بود. او یکی از نویسندگان بزرگ قرن بیستم و خالق کتاب مشهور «بیگانه» است.
- از آثار او در حوزه‌ی رمان می‌توان به «بیگانه، طاعون، سقوط، مرگ خوش» و در حوزه‌ی نمایشنامه‌ها، به «کالیگولا، سوءتفاهم، تسخیرشدگان، دادگستران و حکومت نظامی» اشاره کرد.
۳۲۰. گزینه «ب» صحیح است.
 همان‌طور که در سوال پیشین اشاره شد، «طاعون» از آثار «آلبر کامو» به‌شمار می‌رود.
۳۲۱. گزینه «ب» صحیح است.
 «گابریل گارسیا مارکز» رمان‌نویس، نویسنده، روزنامه‌نگار، ناشر و فعال سیاسی کلمبیایی بود. مارکز، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات در سال ۱۹۸۲ را بیش از سایر آثارش، به‌خاطر رمان «صد سال تنهایی» می‌شناسند. «عشق سال‌های وبا» از دیگر آثار اوست.

۳۲۲. گزینه د، صحیح است.

«آلفونس دولامارتین» شاعر، نویسنده و سیاست‌مدار قرن نوزدهم میلادی است. او بیشتر شهرت خود را مدیون شعر است. از دیوان اشعار او می‌توان به «تخیلات شاعرانه، تفکرات نو، آهنگ‌های شاعرانه و مذهبی، رازها، سفر شرق و سقوط یک فرشته» اشاره کرد.

۳۲۳. گزینه د، صحیح است.

«کمدی الهی» کتابی است به شعر که «دانته الیگیری» شاعر و نویسنده‌ی ایتالیایی آن را نوشت. دانته در این کتاب، سفر خیالی خود را به دوزخ، بهشت و برزخ تعریف می‌کند.

۳۲۴. گزینه الف، صحیح است.

باتوجه به تعریف کنایه، به معنای بچگی و ناپختگی است. گزینه «ب» صحیح است. تضاد و گزینه «ج» صحیح است. تشبیه و گزینه «د» صحیح است. استعاره (نرگس استعاره از چشم یار) و ایهام (مردم‌دار دو معنی دارد: ۱. دارای مردمک. ۲. کسی که با مردم مدارا می‌کند)